**گزیده‌ای از کتاب:**  
دین اسلام؛ ماهیّت، شرایع، عقاید و نظام‌های آن

پژوهش برگزیدۀ مسابقۀ جهانی (معرّفی دین اسلام) که توسّط اتّحادیّۀ جهانی معرّفی اسلام؛ وابسته به انجمن جهان اسلام برگزار شد

**نویسنده:**

**دکتر محمّد بن ابراهیم حَمَد**

**ترجمه:**

**ابوخالد شعیب علی‌خواجه**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | گزیده‌ای از کتاب: دین اسلام؛ ماهیّت، شرایع، عقاید و نظام‌های آن | | | | |
| **عنوان اصلی:** | ملخص كتاب الإسلام حقيقته- شرائعه- عقائده- نظمه | | | | |
| **نویسنده:** | دکتر محمّد بن ابراهیم حَمَد | | | | |
| **ترجمه:** | ابوخالد شعیب علی‌خواجه | | | | |
| **موضوع:** | عقاید (کلام) - مجموعه عقاید اسلامی | | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | | |
| **تاریخ انتشار:** | شهریور (سنبله) 1396 ه‍ .ش - ذوالحجة 1438 ه‍ .ق | | | | |
| **منبع:** | کتابخانه قلم www.qalamlib.com | | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ قلم دانلود شده است.**  **www.qalamlib.com** | | | | |  |
| **ایمیل:** | | **book@qalamlib.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | | |  | www.qalamlib.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | | |  | | |
|  | | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | | |
| **محتوای این کتاب لزوما بیان****گر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.** | | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدّمۀ نویسنده 1](#_Toc473749135)

[1. حقیقت دین اسلام 4](#_Toc473749136)

[1-1. داستان بشریّت 4](#_Toc473749137)

[1-2. ماهیّت اسلام 5](#_Toc473749138)

[1-3. اسلام؛ دین فطرت 5](#_Toc473749139)

[1-4. بِرّ و نتایج آن 5](#_Toc473749140)

[1-5. اخلاق 6](#_Toc473749141)

[2. الله أ و قدرتش 8](#_Toc473749142)

[2-1. الله أ 8](#_Toc473749143)

[2-2. قدرت الهی 9](#_Toc473749144)

[3. منابع قانونگذاری در دین اسلام 11](#_Toc473749145)

[3-1. ماهیّت و شواهد صداقت قرآن کریم 11](#_Toc473749146)

[3-2. سنّت نبوی 13](#_Toc473749147)

[4. ارکان اسلام 15](#_Toc473749148)

[4-1. شهادتان 15](#_Toc473749149)

[4-2. نماز 17](#_Toc473749150)

[4-3. زکات 19](#_Toc473749151)

[4-4. روزه 22](#_Toc473749152)

[4-5. حج 23](#_Toc473749153)

[5. ارکان ایمان 25](#_Toc473749154)

[5-1. ایمان به الله**أ** 25](#_Toc473749155)

[5-2. ایمان به فرشتگان**†** 27](#_Toc473749156)

[5-3. ایمان به کتاب‌های آسمانی 28](#_Toc473749157)

[5-4. ایمان به پیامبران**†** 30](#_Toc473749158)

[5-5. ایمان به روز آخرت 32](#_Toc473749159)

[5-6. ایمان به قدر 39](#_Toc473749160)

[6. محمّد**ج** خاتم پیامبران و رسولان 41](#_Toc473749161)

[6-1. مقدّمات نبوّت 41](#_Toc473749162)

[6-2. نسب و زندگی پیامبر**ج** 42](#_Toc473749163)

[6-3. ابتدای وحی 44](#_Toc473749164)

[6-4. اخلاق و اسراری از سیرۀ پیامبر**ج** 45](#_Toc473749165)

[6-5. بشارت موسی و عیسی**إ** به بعثت محمّد**ج** 46](#_Toc473749166)

[6-6. سخنان افراد باانصاف غیرمسلمان دربارۀ محمّد**ج** 47](#_Toc473749167)

[7. مطالبی دربارۀ علم غیب 48](#_Toc473749168)

[7-1. مقدّمه 48](#_Toc473749169)

[7-2. عالَم جنّ و شیاطین 49](#_Toc473749170)

[7-3. شیطان و انسان 51](#_Toc473749171)

[7-4. مرگ، برزخ و قبر 53](#_Toc473749172)

[7-5. نشانه‌های قیامت 55](#_Toc473749173)

[8. مطالبی دربارۀ گناهان، توبه و دعا 57](#_Toc473749174)

[8-1. گناهان [ذنوب] 57](#_Toc473749175)

[8-2. توبه 57](#_Toc473749176)

[8-3. دعا 58](#_Toc473749177)

[9. نظام سیاسی در اسلام 59](#_Toc473749178)

[9-1. مفهوم نظام سیاسی 59](#_Toc473749179)

[9-2. قضاوت در اسلام 59](#_Toc473749180)

[9-3. مشورت در اسلام 60](#_Toc473749181)

[10. نظام اقتصادی در اسلام 62](#_Toc473749182)

[11. نظام اجتماعی در اسلام 66](#_Toc473749183)

[11-1. مفهوم اجتماع و زندگی اجتماعی در اسلام 66](#_Toc473749184)

[11-2. جایگاه همسایه در اسلام 66](#_Toc473749185)

[11-3. صلۀ رحم 67](#_Toc473749186)

[11-4. کرامت انسان و معیار عدالت و کرامت در اسلام 68](#_Toc473749187)

[11-5. اصول اخلاقی و نقش آن در ساخت جامعه 70](#_Toc473749188)

[11-6. دوستی و مصاحبت در اسلام و رابطۀ مسلمانان با دیگران 71](#_Toc473749189)

[11-7. نظام خانوادگی در اسلام 72](#_Toc473749190)

[12. موضع اسلام نسبت به برخی از مسائل معاصر 74](#_Toc473749191)

[12-1. موضع اسلام نسبت به عقل 74](#_Toc473749192)

[12-2. اسلام و علم 76](#_Toc473749193)

[12-3. اسلام و کار 76](#_Toc473749194)

[12-4. اسلام و سلامت عمومی 77](#_Toc473749195)

[12-5. اسلام و نظافت 78](#_Toc473749196)

[13. صلح، همزیستی، مدارا، اجبار، خشونت، تروریسم و جهاد 79](#_Toc473749197)

[13-1. اسلام و حفظ صلح جهانی 79](#_Toc473749198)

[13-2. اسلام و همزیستی و مدارا 79](#_Toc473749199)

[13-3. دیدگاه اسلام دربارۀ اجبار 81](#_Toc473749200)

[13-4. موضع اسلام نسبت به خشونت 81](#_Toc473749201)

[13-5. جهاد در اسلام 82](#_Toc473749202)

[13-6. دیدگاه اسلام دربارۀ تروریسم 83](#_Toc473749203)

[14. ادلّه‌ای در اثبات حقّانیّت اسلام 84](#_Toc473749204)

[14-1. اعجاز در قرآن کریم 84](#_Toc473749205)

[14-2. اعجاز در سنّت نبوی 86](#_Toc473749206)

[14-3. اسلام در کتاب‌های آسمانی پیشین 88](#_Toc473749207)

[فهرست منابع 90](#_Toc473749208)

مقدّمۀ نویسنده

الحمدلله وحده، والصّلاة والسّلام على رسول الله نبیّنا محمّد وعلى آله وصحبه ومن والاه، امّا بعد:

پژوهش حاضر، چکیده‌ای از تحقیق برگزیدۀ مسابقۀ جهانی (معرّفی اسلام)، با عنوان «دین اسلام؛ ماهیّت، شرایع، عقاید و نظام‌های آن» است که توسّط اتّحادیّۀ جهانی معرّفی اسلام؛ وابسته به انجمن جهان اسلام برگزار گردید.

در تحقیق پیش رو، ساختار این پژوهش و تلاش نویسنده و چکیده‌ای از آنچه در کتاب اصلی آورده شده است، بیان می‌گردد.

ساختار تحقیق: این تحقیق[[1]](#footnote-1) مشتمل بر یک مقدّمه، هشت فصل و یک نتیجه‌گیری کلّی، به ترتیب زیر است**:**

فصل اول: حقیقت دین اسلام و منابع قانونگذاری و ارکان آن؛

فصل دوم: ارکان ایمان؛

فصل سوم: محمّد ج؛ خاتم پیامبران و رسولان †؛

فصل چهارم: مسائلی دربارۀ علم غیب؛

فصل پنجم: مطالبی در مورد گناهان، توبه و دعا؛

فصل ششم: نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی در اسلام؛

فصل هفتم: موضع اسلام دربارۀ برخی از مسائل معاصر؛

فصل هشتم: ادلّه‌ای در اثبات حقّانیّت اسلام.

موارد فوق، فصل‌های تحقیق پیش رو بوده و هر یک از آن‌ها دارای چندین بخش و هر بخشی متشکّل از چند مبحث است و بسا اوقات بر حسب نیاز و سیاق، در برخی از بخش‌ها و مباحث، مقدّمه‌ای بیان شده است.

نتیجه‌گیری: چکیده‌ای از آنچه در متن اصلی آمده، در این بخش بیان شده است.

روش کار نویسنده: وی در تحقیق حاضر، اموری را رعایت کرده است؛ از جمله:

1. بسیار تلاش نموده تا محورهای پژوهش، مستقل و در عین حال، مرتبط به یکدیگر باشند؛ به عبارتی دیگر، صلاحیت این را دارند که به تنهایی و جدای از هم بیان شوند و تکمیل‌کننده و تاییدکنندۀ یکدیگر نیز هستند، زیرا اسلام دینی استوار بوده و مسائلش متّصل به هم است.
2. تلاش نموده تا لحن تحقیق آرام و متناسب با عقل و روحیۀ فرد مسلمان و غیرمسلمان؛ بویژه افراد غربی باشد و نیز سعی نویسنده بر آن بوده که لحن و زبانش دور از احساس شکست و تحریک باشد، زیرا این کار بیشتر باعث پذیرش تحقیق می‌شود.

نویسنده کار مذکور را با یقین به صحّت مطالب و تلاش برای بیان حق و آوردن دلیل انجام داده است.

همچنین تلاش نموده تا سنّت و مدرنیته را با هم جمع نماید، چون سنّت باعث تقویت پژوهش و مدرنیته سبب شناخت احوال مخاطبان و بیان سخن بر اساس آن احوال می‌گردد.

1. سعی بر آن بوده که تحقیق حاضر از طریق موارد زیر، در ساختاری نو و شکلی زیبا بیان گردد:
2. رعایت قوانین پژوهشی؛ همچون نقل سخنان و مطالب دیگران و تخریج احادیث و امثال آن؛
3. تلاش برای صحّت زبان متن و رعایت قواعد املایی و علایم نگارشی؛
4. توجّه به روش تحقیق و تلاش برای اینکه پژوهش پیش رو، بازاریِ عامیانه یا بدویِ نامفهوم نباشد، بلکه کاری در بین این دو حالت صورت گیرد؛
5. رجوع به منابع اصلی و قابل اعتماد؛ فرقی نمی‌کند که قدیمی یا معاصر باشند؛
6. رعایت آنچه باعث علاقه و شوق مخاطبان شود؛ از طریق برخی عناصر و تنوّع در استشهاد و نقل مطالب؛
7. تلاش برای اینکه تحقیق حاضر، جذّاب و پر رونق و دور از درشتی و خشکی و خشونت تحقیقات دانشگاهی باشد؛

و موارد دیگری که بر فهم مقصود و رفع خستگی و امکان تقسیم پژوهش و استخراج مباحثی از آن کمک نماید.

بسیاری از محورهای تحقیق، نزدیک به هم و در هم آمیخته‌اند و جداکردن آن‌ها از یکدیگر، کار مشکلی است و به همین علّت، تلاش نمودم تا هر یک از آن‌ها، به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد و یکدیگر را تکمیل نمایند.

این بود خلاصه‌ای از سختی‌های کار و ساختار پژوهش حاضر و آنچه - إن‌شاء الله- بیان خواهد شد.

1. حقیقت دین اسلام

1-1. داستان بشریّت

داستان بشر با آفرینش آدم ÷ و فرمان الله متعال به فرشتگان برای سجده به سیّدنا آدم و تکبّر و انکار ابلیس و راندن وی و فرستادنش به زمین و سکونت‌دادن آدم و همسرش إ و نیرنگ شیطان برای گمراه‌نمودن او با خوردن از آن درخت و سقوط وی به زمین و ایجاد دشمنی میان ابلیس و فرزندان آدم ÷ از یک سو و میان سیّدنا آدم و فرزندانش از سویی دیگر، شروع شد.

داستان بشر این گونه شروع شد و آدم ÷ و فرزندانش ده قرن بر اطاعت از الله تعالی و توحید زندگی کردند، ولی پس از آن، شرک به وجود آمد و غیرالله به همراه الله متعال مورد پرستش قرار گرفت و در نتیجه، الله ﻷ نخستین رسولش؛ یعنی نوح ÷ را فرستاد تا مردم را به عبادت الهی و ترک شرک فرا خواند. سپس پیامبران و رسولانی پی‌در‌پی آمدند تا اینکه الله تعالی سیّدنا محمّد ج را برگزید تا خاتم پیامبران و رسولان † باشد و رسالت ایشان، آخرین رسالت و کتاب نازل‌شده بر سیّدنا محمّد ج؛ یعنی قرآن کریم نیز آخرین پیام الهی برای بشر باشد.

1-2. ماهیّت اسلام

1. مفهوم لغوی اسلام: واژۀ «اسلام» از نظر لغوی، دارای مفاهیم زیادی است که می‌توان تمامی آن‌ها را در معانی فرمانبرداری، تسلیم‌شدن، اطاعت، اخلاص، اظهار فروتنی و قبول، خلاصه کرد.[[2]](#footnote-2)
2. اسلام عام: تسلیم‌شدن بنده و تواضع وی در برابر الله متعال و پایبندی به آنچه پیامبری از پیامبران الهی آورده و ابراز و بیان آن.
3. اسلام خاص: یعنی تسلیم‌شدن و فرمانبرداری از الله متعال و پایبندی به آنچه پیامبرمان؛ محمّد ج آورده است.[[3]](#footnote-3)

1-3. اسلام؛ دین فطرت

1. مفهوم لغوی فطرت: یعنی الله متعال مخلوقات را به گونه‌ای آفرید که فطرتا وی را می‌شناسند.
2. و در اصطلاح شرع، فطرت همان اسلام بوده و مفهوم خلقت مردم بر دین اسلام یعنی اینکه الله أ آنان را برازنده و شایستۀ احکام این دین آفرید و آموزه‌هایش را متناسب با آفرینش و سرشتشان گرداند.
3. توصیف اسلام به فطرت الهی، یعنی اینکه اصل اعتقاد در آن، جاری بر مقتضای فطرت عقلی است و منافاتی با آن ندارد.

1-4. بِرّ و نتایج آن

1. بِرّ و نیکی از الفاظ مهمّ شرعی است که در بسیاری از آیات قرآن و احادیث نبوی بیان شده است.
2. این واژه دارای مفاهیمی جامع و نتایجی عمیق بوده و شامل هر نوع خیر و فلاحی می‌شود.
3. یکی از بهترین تعاریف گفته‌شده در مورد بِرّ، سخن شیخ عبدالرّحمان سعدی / بوده که می‌گوید: «بِرّ اصطلاحی جامع و شامل عقاید ایمانی، اعمال دل، افعال جوارح و اعضا و تمامی دستورات و ترک محرّمات و ممنوعات است.»[[4]](#footnote-4)
4. از دیگر معانی بِر، صله و احسان، طاعت، تقوا و اخلاق نیکوست.

1-5. اخلاق

1. اخلاق از دیدگاه اسلام، ارزش و جایگاه والایی دارد.
2. اخلاق جمع خُلق و خُلُقُ بوده و خلق حالتی نفسانی است که انسان در آن حالت، کارهایش را بدون تفکّر و اختیار انجام می‌دهد.
3. خلق در برخی افراد، غریزی و ذاتی است، امّا در بعضی دیگر، فقط با ریاضت و تلاش حاصل می‌شود.[[5]](#footnote-5)
4. حُسن خلق یعنی آراسته‌شدن با فضایل و مکارم؛ مانند خوشرویی، نرمی، سخن نیکو، داشتن دلی پاک و دوری از آنچه ضدّ فضایل و مکارم است.
5. بهترین اخلاق نیک این است که با هر کس از تو بریده و قهر کرده، ارتباط برقرار کنی و به کسی که تو را [از آموزش و منفعت و مال] محروم نموده، بخشش نمایی و کسی را که [خون یا مال و آبروی] تو را ضایع و تباه کرده، عفو کنی.
6. خُلق عظیمی که الله تعالی محمّد ج را با آن توصیف نموده، همان دین مشتمل بر تمامی دستورات الهی است.
7. اخلاق واقعی و حقیقی، اقدام به فرمانبرداری و انجام آنچه الله متعال دوست دارد، از روی میل و با دلی گشاده است،[[6]](#footnote-6) که شامل دینداری، بردباری، عدالت، صبر بر سختی‌ها، تواضع، زهد، بخشندگی، حیا، شجاعت و امثال آن می‌شود.
8. شریعت اسلام دلایلی بیان نمود که نشان می‌دهد اخلاق نیک، فضایلی بزرگ دارد و باعث ایجاد خیر و سعادت دنیا و آخرت می‌گردد؛ حُسن خُلق فرمانبرداری از دستورات الهی و پیروی از رسول الله ج است، باعث بالارفتن درجات و مقام‌ها، ورود به بهشت، نزدیکی به مجلس رسول الله ج در آخرت، دسترسی و رسیدن به محبّت الهی، آسایش خاطر، خوشی زندگی و آسان‌شدن کارها می‌شود.
9. متون شرعی دلالت دارند که تغییر سرشت و اخلاق امری ممکن و قابل دسترس بوده و دشوار و محال نیست، در صورتی که انسان برای رسیدن به همّت و اخلاقی والا، اسباب موجود را به کار گیرد.
10. در متون فراوانی، اسباب رسیدن به اخلاقی نمونه و برتر بیان شده است، اگر آدمی ار آن‌ها استفاده نماید و بر این کار مشتاق باشد.

2. الله**أ** و قدرتش

2-1. الله أ

1. الله: پروردگار و صاحب هر چیزی، آفریدگار یکتا، تدبیرکنندۀ تمام هستی، دانا به تمامی موجودات، زنده‌کننده، میراننده، روزی‌دهنده، توانا، متّصف به همۀ کمالات، پاک و منزّه از هر نوع نقص و عیب و تنها ذات شایستۀ پرستش است.
2. الله ﻷ اسامی فراوانی را برای خویش نام برده و قرآن مجید و سنّت مطهّر پُر از اسم‌های مبارک الهی است.

مشهورترین و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نام الهی، «الله» است.

1. این اسم ویژگی‌های فراوانی دارد؛ از جمله:

* «الله» اسم اعظم الهی است: گروهی از عالمان بر این باور بوده‌ و بیان نموده‌اند که «الله» اسم اعظم الهی است و اگر پروردگار با این اسم، خوانده شود، اجابت می‌کند و اگر چیزی از وی درخواست شود، می‌دهد.
* نام مذکور، اصل همۀ اسمای حسنای الهی به شمار می‌رود و سایر نام‌ها به آن منسوب شده و صفتش قرار می‌گیرند.
* «الله» مستلزم و متضمّن تمامی مفاهیم اسمای الهی است. در همۀ اذکار منقول، این نام وجود دارد و بیشتر از سایر اسمای الهی در قرآن آمده است.

2-2. قدرت الهی

1. قدرت صفتی ثابت از صفات پروردگار است؛ قدرتی تام و کامل.
2. از دیگر اسامی الهی، قدیر، قادر و مقتدر را می‌توان نام برد. نام‌های مذکور در قرآن کریم بیان گشته و بیشتر از همه، «قدیر، سپس «قادر» و پس از آن، «مقتدر» تکرار شده است.
3. تمامی‌ آن‌ها دلالت بر ثبوت صفت قدرت برای الله ـ می‌کنند و نشان می‌دهند که قدرت الهی کامل است. الله متعال با قدرت خویش، موجودات را به وجود آورد و با قدرت خود، آن‌ها را تدبیر می‌کند و با قدرت خویش، آن‌ها را برابر و پابرجا می‌نماید و با قدرت خود، می‌میراند و زنده می‌کند و بندگان را برای جزا برمی‌انگیزاند و فرد نیکوکار را به سبب نیکی‌اش، پاداش داده و بدکار را به علّت بدی‌اش، مجازات می‌نماید. ذاتی که هر گاه ارادۀ انجام کاری نماید، می‌گوید: باش و بلافاصله آن کار صورت می‌گیرد.

همچنین الله متعال با قدرت خویش، دل‌ها را بر آنچه اراده کند، برمی‌گرداند و کسی را که بخواهد، هدایت نموده و کسی را که بخواهد، گمراه می‌کند و انسان مؤمن را مؤمن، فرد کافر را کافر، نیکوکار را نیکوکار و بدکارا را بدکار می‌گرداند.

1. به سبب کمال قدرتش، هیچ کس چیزی از علمش را نمی‌داند مگر آنچه بخواهد که به کسی خبر دهد. بر اساس کمال قدرتش، آسمان‌ها و زمین و آنچه در میانشان است را در 6 روز به وجود آورد و هرگز مانده و رنجور نگشت. هیچ یک از مخلوقاتش نمی‌تواند وی را ناتوان کند و از اختیارش خارج گردد، بلکه در هر جا که باشند، در تصرّف الله أ هستند؛ ذاتی که قدرتش منزّه از خستگی و درماندگی و ناتوانی است و هر چه بخواهد را می‌تواند انجام دهد.

به علّت کمال قدرتش، هر چیزی تحت فرمان و تدبیر اوست و هر چه بخواهد، می‌شود و آنچه نخواهد، صورت نمی‌گیرد.[[7]](#footnote-7)

1. یکی از اصول مهم و بزرگ ایمان، ایمان به قدر است. کسی که به قدر ایمان نداشته باشد، به الله ﻷ نیز ایمان ندارد. بنابراین انکار قدر به معنای انکار قدرت الله متعال است.

3. منابع قانونگذاری در دین اسلام

قرآن و سنّت، منبع قانونگذاری در دین اسلام به شمار می‌روند که عقاید، قوانین، احکام، آداب و امثال آن از این دو مصدر گرفته می‌شود.

3-1. ماهیّت و شواهد صداقت قرآن کریم

1. تعریف لغوی قرآن: واژۀ «قرآن» مصدر بر وزن فُعلان مانند غُفران و شُکران است.

برخی می‌گویند: «قرآن» به معنای جمع‌آوری بوده و علّت نامگذاری قرآن این است که سوره‌ها را جمع نموده و با هم گِرد می‌آورد.[[8]](#footnote-8)

1. و در اصطلاح شریعت، قرآن کلام معجز الهی است که بر پیامبر ج نازل شده و به صورت تواتر نقل گشته و به قصد عبادت، تلاوت می‌شود.[[9]](#footnote-9)
2. قرآن کریم آخرین، طولانی‌ترین و کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب آسمانی است.
3. قرآن کریم، نگهبان و گواه و حاکم بر کتاب‌‌های آسمانی پیشین و تصدیق‌کنندۀ آن‌هاست؛ یعنی مطالب صحیحشان را تایید نموده و تحریفات و تغییرات صورت‌گرفته در آن‌ها را ردّ و انکار و اصلاح می‌کند.
4. اخبار اولین و آخرین در این کتاب وجود دارد و شامل احکام و حکمت‌هاست.
5. قرآن مجید آخرین پیام الهی برای بشریّت و بلکه برای جنّ و انس بوده و مخصوص اقوام یا زمان‌هایی خاص نیست.
6. قرآن محفوظ از زیادت و نقصان و تحریف بوده و الله متعال ضامن حفاظتش شده است:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ﴾ [الحجر: 9]

«همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم.»

یعنی این کتاب، از هر آنچه شایستۀ آن نباشد؛ مانند اشتباه و تغییر، تحریف، زیادت، نقصان و امثال آن حفاظت می‌کنیم و هیچ کس نمی‌تواند باطلی را بر آن بیفزاید یا حقیقتی را از قرآن حذف کند.[[10]](#footnote-10)

1. قرآن مجید تاثیرات فراوانی در دل‌ها دارد. کسی که با تمام وجود به قرآن گوش دهد، قطعا تاثیرات بزرگی را در جانش خواهد یافت هر چند معانی و دلالت‌هایش را نفهمد.
2. قرآن کریم بیشترین تاثیر را در پیشرفت و رستگاری امّت‌ها داشته و دارد. الله تعالی بوسیلۀ این کتاب، قوم عرب را بزرگانِ حکمت و هدایت و بهترین امّت برای راهنمایی مردم ساخت.
3. از دیگر ویژگی‌های قرآن، این است که شگفتی‌هایش پایانی ندارد، الله ﻷ فراگیری و حفظ آن را آسان نموده و مشتمل بر عادل‌ترین، بزرگ‌ترین و بهترین احکام است.

3-2. سنّت نبوی

1. مفهوم لغوی سنّت: سنّت در لغت به معنای روش و سیرت است.
2. مفهوم اصطلاحی سنّت: هر سخن، عمل، تایید، ویژگی خَلقی و فطری، صفت اخلاقی یا سیرت و روشی که از پیامبر ج نقل شده و به اثبات رسیده است؛ فرقی نمی‌کند که پیش از بعثت یا پس از آن باشد.[[11]](#footnote-11)
3. سنّت نبوی دومین منبع قانونگذاری در اسلام به شمار می‌رود و بخشی از وحی و ذکری بوده که الله تعالی ضامن حفاظت آن شده است.

فرد مسلمان فقط با رجوع به این دو منبع [قرآن و سنّت]، می‌تواند شریعت را بفهمد و هر مجتهد و عالمی به آن دو نیاز دارد.

1. دلایل فراوانی مبنی بر حجّت‌بودن سنّت و اینکه دومین منبع قانونگذاری اسلام به شمار می‌رود، وجود دارد؛ از جمله: وجوب ایمان به رسول الله ج، وجوب اطاعت از ایشان، دلالت سنّت بر این مطلب و اجماع مسلمانان بر وجوب عمل به سنّت.
2. الله ﻷ مسلمانان را مسؤول توجّه به آن نموده و مردانی را فرستاده که کاملا به این مسأله اهمّیت داده و سنّت را از دروغ و اشتباه دور ساخته و صحیح و ضعیفش را روشن نموده‌اند. این کار نسل به نسل انتقال یافته و مسلمانان در تمامی امور دینشان، به سنّت رجوع نموده و به آنچه در آن است، عمل کرده و چنگ زده و بر این کار مداومت نمودند تا پیروی از پیامبر ج را به صورتی شایسته انجام دهند.[[12]](#footnote-12)

این موضوع با توجّه به آنچه دربارۀ گرامیداشت سنّت، فضیلت حدیث و محدّثان، عنایت سلف صالح به حدیث نبوی و تلاش عالمان برای حفاظت از احادیث، گفته شده است، بیشتر روشن می‌گردد.

سنّت نبوی به طور کل، موافق با قرآن کریم است؛ مطالبِ مبهم آن را تفسیر، مجملش را تفصیل، مطلق آن را مقیّد، عامش را خاص و احکام و مقاصدش را تشریح می‌نماید. علاوه بر این، بر اساس اصول و قواعد قرآن و با تحقّق اهداف و مقاصد آن، احکامی را بیان نموده که در قرآن کریم نیامده است. در نتیجه، سنّت نبوی کاربرد عملیِ آنچه در قرآن کریم بیان شده است، به شمار می‌رود.

4. ارکان اسلام

ارکان اسلام یعنی پایه‌هایی که اسلام بر آن‌ها قرار دارد و پنج رکن هستند:

گواهی اینکه تنها معبود بر حق و شایستۀ اطاعت، الله تعالی است؛  
 2. برپاداشتن نماز؛ 3. پرداخت زکات؛ 4. روزۀ ماه رمضان؛ 5. حجّ بیت الله برای کسی که توان [مالی و بدنی و ...] داشته باشد.

ارکان اسلام به طور مختصر همین است که بیان شد؛ ارکانی که امّت را امّتی اسلامی و متّقی و پیرو دین حق می‌گرداند و باعث می‌شود که با مخلوقات، بر اساس عدالت و صداقت رفتار کنند، زیرا سایر احکام و شرایع اسلام با صحّت این پایه‌ها، اصلاح می‌شوند و امّت با تصحیح امور دینی‌اش به رستگاری و صلاح می‌رسد و هر اندازه که این امور فاسد و تباه شود، به همان اندازه احوال امّت نابود و فاسد می‌گردد.[[13]](#footnote-13)

در ادامه، مطالب مختصری دربارۀ ارکان فوق بیان خواهد شد.

4-1. شهادتان

1. مراد از دو شهادت؛ یعنی گواهی به اینکه الله متعال تنها معبود بر حق و محمّد ج بنده و فرستادۀ الله تعالی هستند. این دو گواهی، نخستین رکن از ارکان اسلام به شمار می‌روند.
2. مفهوم «لا إله إلّا الله»: یعنی اینکه فقط الله ﻷ معبود بر حق است. بنابراین «إله» بر وزن فِعال به معنای مفعول؛ یعنی مألوه و همان معبود است.
3. این کلمه دو رکن دارد: نفی در عبارت: «لا إله» و اثبات در: «إلّا الله».

«لا إله» الوهیّت و خدایی را از غیرالله نفی و رد می‌نماید.

و عبارت «إلّا الله» الوهیّت را برای معبود یگانه و بی‌همتا اثبات می‌کند.

1. «لا إله إلّا الله»، 7 شرط دارد: 1. علمی که مخالف با جهل باشد؛ 2. یقین مخالف با تردید؛ 3. اخلاص متضاد با شرک؛ 4. صدقی که منافات با کذب داشته باشد؛ 5. محبّت مخالف با ضدّ خود؛ 6. تسلیم و اطاعتی که متضاد با خودداری و سرپیچی باشد؛ 7. پذیرشی که مخالف با ردّ و انکار باشد.[[14]](#footnote-14)
2. فقط تلفّظ این کلمۀ بزرگ کافی نیست، بلکه باید نسبت به آن آگاه بود و به مقتضایش عمل کرد.
3. «محمّد ج رسول الله»؛ یعنی اطاعت از پیامبر ج در آنچه فرمان داده و تصدیق ایشان در آنچه خبر داده‌ و دوری از آنچه نهی و منع نموده‌اند. همچنین یعنی اینکه عبادت الله متعال فقط با آنچه پیامبر ج مشروع ساخته‌اند، انجام گردد و امر و نهی ایشان گرامی داشته شود و سخن هیچ فردی از مخلوقات، مقدّم بر سخن رسول الله ج نشود.[[15]](#footnote-15)
4. حکمت و فلسفۀ اتّصال شهادت «محمّد ج رسول الله» به شهادت «لا إله إلّا الله» و هر دو را یک رکن قراردادن با وجود اینکه مشهودبه [مورد شهادت] متعدّد است، این بوده که دو گواهی مذکور، پایه و اصل صحّت اعمال به شمار می‌روند و اسلام و هر عملی، تنها با اخلاص برای الله متعال و پیروی از پیامبر ج مورد قبول واقع می‌شود.

به عبارتی دیگر، لازم است که فقط الله یگانه پرستش شود؛ آن هم با آنچه بر زبان رسولش؛ محمّد ج مشروع ساخته است.

به سبب اخلاص، گواهی «لا إله إلّا الله» و بر اثر پیروی از پیامبر ج، شهادت «محمّد ج رسول الله» محقّق می‌گردد و از این رو، هر دو با هم کامل می‌شوند و باید که همواره با هم باشند.

بر این اساس، گواهی به یگانگی الله و گواهی به رسالت پیامبر ج ثابت می‌گردد.[[16]](#footnote-16)

4-2. نماز

1. مفهوم لغوی نماز «صلاة»: واژۀ «صلاة» به معنای دعا، دعای به خیر، رحمت، تسبیح، رکوع و سجود است.
2. مفهوم «صلاة؛ نماز» در اصطلاح شریعت: عبادتی که مشتمل بر سخنان و اعمالی مخصوص بوده و با تکبیر شروع شده و بوسیلۀ تسلیم به پایان می‌رسد.[[17]](#footnote-17)
3. وجه تسمیه: چون دربرگیر معانی لغوی «صلاة»؛ همچون دعای خیر، تسبیح، تعظیم، رکوع، سجود و امثال آن است.[[18]](#footnote-18)
4. اقامۀ نماز: یعنی عبادت برای الله متعال با انجام نماز مداوم و کامل در اوقات مخصوص و با رعایت شرایط و حالت و ساختار آن.

نماز، فرایض، ارکان، شروط، مکمّل‌ها، نواقص و احکامی دارد که بیان آن‌ها به درازا می‌کشد و در بسیاری از کتاب‌های عالمان به طور گسترده بیان شده است.[[19]](#footnote-19)

1. ثبوت نماز: نماز از طریق قرآن، سنّت و اجماع ثابت شده و یکی از ضروریات و ارکان دین اسلام است.[[20]](#footnote-20)

نمازهای پنجگانه ارزشی والا و اهمّیت بزرگی داشته و از چندین وجه، بر سایر احکام واجب برتری دارند؛ نماز بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رکن اسلام پس از شهادتین بوده و این رکن در آسمان فرض شد.

1. نماز مشتمل بر کامل‌ترین و بهترین و جامع‌ترین انواع عبادت است؛ نماز تکبیر، تحمید، ثنا، تنزیه و تقدیس الهی، تلاوت قرآن، درود بر رسول الله ج و خاندان ایشان و دعا برای تمامی بندگان صالح است.

علاوه بر این، مشتمل بر قیام، رکوع، سجود، نشستن و پایین و بالارفتن است و هر یک از اعضا و مفاصل بدن، در این عبادت شریکند که مهم‌تر از همه، دل حاضر فرد نمازگزار است.[[21]](#footnote-21)

4-3. زکات

1. مفهوم لغوی زکات: واژۀ «زکات» در لغت به معنای رشد و نمو، افزونی، پاکی، پاکیزگی، به ثمر رساندن و سوددادن و امثال آن است.[[22]](#footnote-22)
2. تعریف شرعی زکات: حقّی واجب از مالی خاص برای گروهی مخصوص در زمانی معیّن.[[23]](#footnote-23)
3. هدف از پرداخت زکات: عبادت الله تعالی با بخشیدن مقداری لازم از اموالی که زکات دارد و به حدّ نصاب رسیده است.[[24]](#footnote-24)
4. وجه تسمیه: با توجّه به مفهوم لغوی زکات، علّت نامگذاری‌اش این است که باعث افزایش و پاکی مال می‌شود.
5. حکم زکات: این عمل از دیدگاه شریعت، واجب است. الله أ می‌فرماید:

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ﴾ [المزّمّل: 20]

«و نماز را برپا دارید و زکات بدهید.»

مسلمانان اجماع و توافق دارند که زکات رکنی از ارکان اسلام بوده و این اجماع بر پایۀ متون قرآن و سنّت است.

کسی که منکر وجوب زکات شود، کافر، و فردی که از پرداخت زکات سر باز زند، فاسق به شمار می‌رود.[[25]](#footnote-25)

1. زکات یکی از ارکان و مبانی بزرگ اسلام است و دلایل فراوانی از قرآن و سنّت بر این موضوع دلالت دارند.

اهمّیت و ارزش زکات به حدّی است که الله تعالی در 82 موضع از آیات قرآن، زکات را در کنار نماز بیان کرده است.

1. زکات یکی از محاسن اسلام است که باعث تعهّد، مهربانی، احسان و کمک به یکدیگر می‌شود.
2. زکات نوعی فریضه و عبادت است و نتایج اقتصادی پسندیده‌ای برای فرد و جامعه دارد؛ از جمله:

* زکات یکی از وسایل توزیع مجدّد درآمد و ثروت در جامعه است: این کار منجر به همدردی با فقیران می‌شود و یکی از اسباب عدالت اقتصادی به شمار می‌رود که با وجود اختلاف در تعریف و وسایل آن، مورد اتّفاق تمامی اقتصاددانان است.
* یکی از انگیزه‌های سرمایه‌گذاری است: کسی که دارای وجوهی نقد باشد، باید آن‌ها را سرمایه‌گذاری کند تا مصرف نشوند.
* زکات یکی از عوامل امنیتی است که باعث می‌شود محیطی مناسب برای بهبود اقتصادی به وجود آید: زیرا فقر یکی از اسباب جرم به شمار می‌رود.
* یکی از اسباب بهبود اوضاع افراد فقیر در جامعه به شمار می‌رود: یعنی در زمینۀ بهبود سطح معیشتی، بهداشتی و آموزشی فقیران نقش دارد.
* در کاهش بار مالی تحمیل‌شده بر بودجۀ دولت مؤثّر است: یعنی یارانه‌ها و کمک‌هایی که برای نیازمندان؛ همچون یتیمان، پیرزنان و سایر افراد محتاج به مراقبت‌های اجتماعی داده می‌شود را کاهش می‌دهد.

1. زکات در چهار نوع زیر واجب است:

* اشیای قیمتی: شامل طلا و نقره و ضمایم آن‌ها؛ همچون پول‌ و ارزهای معاصر که از کاغذ یا غیره ساخته می‌شود؛
* چهارپایانی که می‌چرند: مانند گاو، شتر و گوسفندی که بیشتر سال را در صحراها می‌چرد؛
* حبوباتی که از زمین می‌رویند: همچون گندم و میوه‌ها؛ مانند خرما، و نیز معدن؛ همچون معدن آهن؛
* کالاهای تجاری: یعنی کالاهایی که به قصد سود و فایده، برای خرید و فروش مهیّا شده‌اند.[[26]](#footnote-26)

زکات در موارد فوق واجب است و هر یک از انواع مذکور، جزئیّاتی دارند که بیان مقادیر و نصاب‌ها و سایر امور مربوط به آن‌ها طولانی است و در کتاب‌های عالمانی که در این زمینه تحقیقاتی انجام داده‌اند، به طور گسترده بیان شده است.

1. مراد از مصارف زکات، مواردی است که زکات به آن‌ها پرداخت می‌شود و در آیۀ زیر بیان شده‌اند:

﴿إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلۡفُقَرَآءِ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡعَٰمِلِينَ عَلَيۡهَا وَٱلۡمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمۡ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَٱلۡغَٰرِمِينَ وَفِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۖ فَرِيضَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ﴾ [التّوبة: 60]

«صدقات [و زکات‌ها] فقط مخصوص فقیران و مساکین و کارگزاران [جمع‌آوری] آن و دلجوئی‌شدگان [نومسلمانان] و برای [آزادکردن] بردگان و [ادای وام] بدهکاران و در راه الله و به راه‌ماندگان [است؛ این] فریضه‌ای [مقرّرشده] از جانب الله تعالی است. و الله دانای حکیم است.»

4-4. روزه

1. مفهوم لغوی روزه: این واژه در لغت به معنای خودداری و ترک است، چنانکه گفته می‌شود: از خوراک، نوشیدنی، ازدواج و سخن خودداری کرد یا آن را ترک نمود.[[27]](#footnote-27)
2. تعریف شرعی روزه: یعنی خودداری فردی مشخّص از اشیائی مخصوص در زمانی معیّن به همراه نیّت.[[28]](#footnote-28)

بنا بر قولی: روزه یعنی پرهیز از مبطلات روزه، از طلوع فجر تا غروب خورشید به همراه نیّت.[[29]](#footnote-29)

1. مقصد از روزۀ ماه مبارک رمضان: عبادت برای الله تعالی با خودداری از مبطلاتِ روزه در روزهای ماه رمضان.[[30]](#footnote-30)

مبطلات روزه: خوردن، نوشیدن، همبستری و آنچه در حکم آن‌ها باشد... .

1. وجوب روزه: روزه در ماه شعبان سال دوم هجری فرض گردید و به اجماع مسلمانان، پیامبر ج در 9 ماه رمضان روزه گرفتند.

روزۀ ماه مبارک رمضان، یکی از ارکان و فرایض مهمّ اسلام به شمار می‌رود که دلایلی از قرآن کریم، سنّت نبوی و اجماع بیانگر آن است.

1. روزۀ ماه مبارک رمضان، فضیلت‌های بزرگی دارد؛ از جمله اینکه: باعث بخشش گناهان گذشته می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین اسباب آراسته‌شدن به تقوای الهی است، روزه باعث حفاظت و نجات از آتش دوزخ می‌شود، بوی دهان روزه‌دار، در نزد الله تعالی، خوشبوتر از بوی مشک است، الله ﻷ روزه را به خودش اختصاص داده و فقط او پاداش روزه را می‌دهد [یا خودش پاداش روزه می‌شود].
2. روزه اسرار و حکمت‌هایی دارد؛ از جمله:

* روزه درسی مفید برای کنترل نفس، تسلّط بر خواهشات و حفاظت کامل نفس از انگیزه‌ها و اسباب بیهودگی و پوچی است.
* روزه باعث می‌شود که اشخاص بیشتر متوجّه امانتداری باشند و اخلاص در عمل را افزایش داده و سبب می‌گردد که تنها هدف اعمال، رضایت الهی باشد.

این فضیلتی بزرگ بوده و باعث می‌شود که صفت زشت چاپلوسی و ریا و نفاق ریشه‌کن گردد.

* روزه اخلاق پسندیده و اعمال نیک را در میان افراد پرورش می‌دهد و آنان را برای نیکی به پدر و مادر، صلۀ رحم و نیکی به خانواده و همسایگان تشویق می‌کند.

روزه سبب دستیابی به صحّتی عمومی و کامل می‌شود؛ به عبارتی دیگر، در روزه‌داری، سلامتی جسمی و ظاهری، سلامتی روحی و معنوی و سلامتی فکری و ذهنی وجود دارد.

4-5. حج

1. مفهوم لغوی حج: واژۀ «حج» در لغت به معنای قصد است؛ گفته می‌شود: حَجَّهُ یَحجُّهُ حَجّاً؛ یعنی قصدِ او کرد. و رجلٌ محجوجٌ؛ یعنی مرد مقصود.[[31]](#footnote-31)
2. مفهوم شرعی حج: یعنی قصد و رفتن به بیت الحرام با اعمالی مخصوص در زمانی معیّن.[[32]](#footnote-32)

یعنی رفتن به مکّۀ مکرّمه در زمان حج که ماه‌های مشخّصی دارد: شوّال، ذوالقعده و ذوالحجّه با نیّت ادای مناسک؛ یعنی احرام از میقات، طواف، سعی بین صفا و مروه، وقوف در عرفات و سایر اعمال حج.[[33]](#footnote-33)

1. مشروعیّت حج: این عمل یکی از ارکان و مبانی مهمّ اسلام است.

آیاتی از قرآن و احادیثی از پیامبر ج و اجماع مسلمانان دلالت بر مشروعیّت و حقّانیّت حج دارند.

1. حج برای کسی که توان داشته باشد، تنها یک بار در عمر واجب است و کسی که بیشتر از یک بار حج نماید، کارش مستحب [و پسندیده] است.

حج دارای اسراری جذّاب و زیبا، حکمت‌هایی متنوّع، برکاتی متعدّد و فوایدی مشهود در زندگی فردی و اجتماعی است.

5. ارکان ایمان

دین اسلام عقیده و شریعت است. قبلا اشاره‌ای به برخی از احکام و شرایع اسلام شد و نیز دربارۀ ارکان آن که اساس و پایه‌های شرایع اسلام به شمار می‌ورد، مطالبی بیان گردید.

اعتقاد اسلامی شامل ایمان به هر آنچه از جانب الله تعالی و رسول الله ج آمده است، می‌شود؛ یعنی ایمان به اخبار، احکام قطعی، امور غیبی و امثال آن.

پایه‌های اعتقاد، ارکان ششگانۀ ایمان است؛ یعنی ایمان به الله تعالی؛ ایمان به فرشتگان †؛ ایمان به کتاب‌های آسمانی؛ ایمان به رسولان †؛ ایمان به روز قیامت؛ و ایمان به قضا و قدر؛ خیر باشد یا شر.

5-1. ایمان به الله**أ**

1. ایمان به الله ﻷ یعنی باور قطعی و یقینی به وجود الله تعالی و به اینکه او پروردگار و صاحب هر چیز، آفریدگار یگانه، تدبیرکنندۀ تمام هستی و تنها معبود شایستۀ عبادت و بی‌همتاست و هر معبودی غیر از الله ﻷ، باطل بوده و عبادتش نیز نادرست و بی‌فایده است. همچنین ایمان به اینکه الله متعال متّصف به صفات کمال و جلال و منزّه از هر نقص و عیبی است.[[34]](#footnote-34)
2. ایمان به الله، شامل باور و یقین به وجود، ربوبیّت، الوهیّت و اسماء و صفات اوست.
3. ایمان به الله ﻷ دارای نتایجی بزرگ و مهم بوده و خیر دنیا و آخرت را برای افراد و جامعه به دنبال دارد. از نتایج آن، حصول امنیّت کامل، هدایت تام، جانشین‌کردن در زمین و تمکین و عزّت بندگان واقعی را می‌توان نام برد. به طور خلاصه، همۀ خیر دنیا و آخرت از نتایج ایمان به الله تعالی، و هلاکت و کمبود نتیجۀ نبود یا نقصان ایمان است.[[35]](#footnote-35)
4. ادلّۀ فراوانی دلالت بر یگانگی الله ﻷ دارند و گواهی الله تعالی برای خودش کافی است که می‌فرماید:

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾ [آل‌عمران: 18]

«الله گواهی داده که معبودی [بر حق] جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش [نیز بر این مطلب گواهی می‌دهند] در حالی ‌که [الله متعال در جهان هستی] قیام به عدالت دارد، معبودی [بر حق] جز او نیست، که توانمند حکیم است.»

فطرت، شریعت، عقل و حسّ و واقع نیز دلالت بر یگانگی الله متعال در آفرینش و روزی‌دادن و اینکه تنها او شایستۀ عبادت است، می‌کنند.

1. عقل، دلالت بر یگانگی الله تعالی دارد، زیرا لازم است که تمامی مخلوقات پدیدآورنده و آفریدگاری داشته باشند و امکان ندارد به خودی خود یا اتّفاقی به وجود آمده باشند؛ به عبارتی دیگر، امکان ندارد که این مخلوقات خودشان را به وجود آورده باشند و هیچ چیز نمی‌تواند خودش را بیافریند، چون پیش از پیدایش، معدوم [نیست] است و شیء معدوم چگونه می‌تواند پدیدآورنده باشد؟!

حسّ و تجربه به روشنی بیانگر یگانگی الله متعال است؛ از جمله: اجابت دعاها، صداقت پیامبران †، دلالت انفس، راهنمایی مخلوقات، دلالت آفاق، بندگی موجودات، تفاوت مزّه، رنگ و بوی گیاهان و اختلاف زبان ها.

5-2. ایمان به فرشتگان**†**

1. فرشتگان جهانی غیبی هستند که از نور آفریده شده و عبادت الله متعال را به جای می‌آورند. آنان هیچ یک از ویژگی‌های ربوبیّت و الوهیّت را ندارند؛ یعنی چیزی را نمی‌آفرینند، روزی نمی‌دهند و هرگز جایز نیست که با الله تعالی یا به تنهایی، پرستش شوند.

الله ﻷ به آنان فرمانبرداری کامل از دستوراتش و قدرت بر اجرای آن‌ها را بخشیده است.

تعداد فرشتگان فراوان بوده و فقط الله ـ از این موضوع آگاه است.[[36]](#footnote-36)

1. ایمان به فرشتگان شامل باور و یقین به وجودشان، ایمان به فرشتگانی که آنان را با اسم می‌شناسیم و ایمان به آنچه از صفاتشان می‌دانیم، می‌شود.
2. ایمان به فرشتگان، نتایج مهمّی به دنبال دارد؛ همچون: علم به عظمت و قدرت و سلطان الهی و شکر الله تعالی به سبب توجّه به بنی‌آدم.
3. متون شرعی فراوانی دلالت دارند که فرشتگان جسم هستند.
4. فرشتگان † ارتباط تنگاتنگ و مستحکمی با بنی‌آدم دارند و برخی از نمونه‌های این ارتباط، عبارت است از: حضور آنان در زمان خلقت انسان، حفاظت آدمیان توسّط فرشتگان، تحریک انگیزه‌های خیر در نفوس بندگان، ثبت اعمال انسان‌ها، روی‌آوردن و توجّه فرشتگان † به مؤمنان و خشم آنان بر کافران.

5-3. ایمان به کتاب‌های آسمانی

1. کُتُب در اصل، جمع کتاب به معنای مکتوب؛ یعنی نوشته‌شده است و مادّۀ «کَتَبَ» در معنای جمع و گِردآوری به کار می‌رود.
2. از نظر شرعی، «مراد از این کُتُب، کتاب‌های آسمانی است که الله أ آن‌ها را به عنوان رحمت و هدایتی برای مخلوقات، بر پیامبران † نازل فرمود تا از این طریق، به سعادت دنیا و آخرت برسند.»[[37]](#footnote-37)
3. موارد ایمان به کتاب‌های آسمانی: یقین به اینکه قطعا از جانب الله تعالی فرستاده شده‌اند، ایمان به آنچه از اسامی این کتاب‌ها می‌دانیم، امّا کتاب‌هایی که از اسامی‌شان باخبر نیستیم، به طور اجمالی به آن‌ها ایمان می‌آوریم، تصدیق اخبار صحیحِ کتاب‌های آسمانی؛ همچون خبرهای قرآنی و اخباری از کتاب‌های پیشین که تبدیل و تحریف نشده است، و ایمان و یقین به آخرین کتاب و ناسخ تمامی آن‌ها؛ یعنی قرآن کریم.
4. ایمان به کتاب‌های آسمانی از چندین جنبه اهمّیت فراوانی دارد و دارای فواید آشکاری است.
5. نزول تمامی کتاب‌های آسمانی، هدفی واحد داشته است. هدف این بوده که فقط الله تعالی پرستش شود و این کتاب‌ها قانون زندگی بشری باشد که بر روی زمین زندگی می‌کنند و آنان را به سوی خوبی‌ها راهنمایی سازد و روح و نوری برای احیای جان‌ها و برطرف‌ساختن تاریکی‌ها باشد و تمامی راه‌هایی زندگی را برایشان روشن سازد.[[38]](#footnote-38)
6. کتاب‌های آسمانی در امور متعدّدی با هم هماهنگ هستند؛ از جمله: وحدت خاستگاه، وحدت هدف، مسائل اعتقادی، قواعد عمومی، عدالت و داد، مبارزه با فساد و انحراف، دعوت به اخلاق پسندیده و بسیاری از عبادات دیگر.
7. این کتاب‌ها از نظر شرایع با یکدیگر تفاوتی جزئی دارند، امّا از نظر اصول و مسائل اساسی، با هم مشترکند. برخی از موارد اختلافی آن‌ها عبارت است از: تعداد، ارکان و شروط نمازها، مقادیر زکات، مواضع انجام عبادات و امثال آن.

گاهی الله أ کاری را در یک شریعت به سبب حکمتی که داشته، حلال گردانده و همان کار را در آیینی دیگر، حرام کرده است؛ آن هم به دلیل حکمتی که تنها خود الله تعالی می‌داند و لازم نیست که ما از آن آگاه باشیم.

در نهایت، شریعت خاتم و نهایی آمد تا قاعدۀ اصلی، حلال‌شدن پاکی‌ها و تحریم پلیدی‌ها باشد.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد شریعت اسلام، این است که برای مردم تا روز قیامت بوده، بر خلاف ادیان دیگر که مخصوص قومی خاص و برای دوره‌ای معیّن می‌آمدند.[[39]](#footnote-39)

1. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کتاب‌های آسمانی، قرآن کریم، تورات و انجیل هستند. قبلا مطالبی دربارۀ قرآن بیان شد.

در اصل و از دیدگاه مسلمانان، تورات اسمی برای کتاب نازل‌شده بر موسی ÷ است، امّا تورات امروزی و موجود دچار تحریف و تغییر و زیادتی و نقصان شده است.

انجیل نیز در اصل، کتابی گرامی است که الله تعالی آن را بر عیسی ÷ نازل کرد، ولی انجیل امروزی دارای تحریفات و تغییرات بسیاری است.

در اصل و شرح تحقیق پیش رو، توضیحاتی دربارۀ کتاب‌های مذکور بیان شده است.

5-4. ایمان به پیامبران**†**

1. از نظر شرعی، می‌توان نبوّت و رسالت را این گونه تعریف کرد: ویژگی و صفتی که در فرد، پس از انتخاب از جانب الله تعالی، به وجود می‌آید و وی را از اخبار آسمانی آگاه ساخته و فرمان به تبلیغ آن می‌دهد.
2. نبوّت از بزرگ‌ترین ادّعاها به شمار می‌رود و فقط دروغگوترین یا راستگوترین مردم ادّعای چنین امری می‌کند.

نبوّت با ادلّۀ فراوانی اثبات می‌گردد که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها، نشانه‌هایی که معجزه نامیده می‌شوند، است و با اعمال بزرگ، اخلاق پسندیده و رفتار نیک ثابت می‌گردد.

بنابراین کسی که ادّعای پیامبری نمود و الله متعال وی را بوسیلۀ معجزه‌ها تایید و تقویّت کرد و خودش مشهور به صداقت، امانت، اخلاق نیک و رفتار پسندیده بود، این فرد، پیامبری است که به او وحی می‌شود و از جانب الله ﻷ تایید می‌گردد.

اگر بر خلاف این باشد، فردی دروغگو و حیله‌گر است که ادّعای پیامبری نموده و قطعا الله ـ وی را رسوا خواهد کرد.

1. پیامبران و رسولان بشر و مخلوق هستند و به آنان وحی می‌شود و هیچ یک از ویژگی‌های ربوبیّت و الوهیّت را ندارند.

آنان دارای صفات بشری؛ همچون بیماری، خواب، مرگ، نیاز به غذا و نوشیدنی و ... هستند.

الله تعالی این افراد را متّصف به برترین درجۀ بندگی نموده و آنان را توصیف و تحسین کرده است.

1. رسالت، انتخاب و تعیینی از جانب الله متعال است که با کسب و تلاش به دست نمی‌آید.

رسولان بهترین انسان‌ها و افراد برگزیدۀ بشر هستند.

1. مسلمانان اتّفاق دارند که پیامبران و رسولان در پذیرش و تحمّل رسالت و در آنچه از جانب پروردگارشان به مردم می‌رسانند، معصومند.

بنابراین چیزی از آنچه الله ﻷ به سویشان فرستاده است را نمی‌کاهند و هیچ چیز را فراموش نمی‌کنند مگر مواردی که منسوخ گردد.

1. ایمان به رسولان شامل این موارد است: باور و یقین به اینکه رسالتشان حقیقتی از جانب الله تعالی است، ایمان به آنچه از اسامی آنان می‌دانیم و کسانی که از نام‌هایشان آگاه نیستیم را به طور کلّی و اجمالی قبول داریم، تصدیق اخبار صحیحی که از آنان نقل شده است و عمل به شریعت کسی از آنان که برای ما مبعوث گشته است؛ یعنی ایمان به خاتم پیامبران؛ محمّد ج.
2. ایمان به پیامبران و رسولان دارای نتایجی مهم بوده، که بزرگ‌ترین و برترین آن‌ها، آگاه‌شدن از رحمت و توجّه الله تعالی به بندگانش است، چون رسولانی را به سویشان فرستاد تا آنان را به راه راست راهنمایی کنند و شیوۀ پرستش الله أ را برایشان روشن سازند، زیرا عقل بشر به تنهایی نمی‌تواند این مسأله را تشخیص دهد.
3. مراد از ختم نبوّت، پایان‌یافتن خبردادن الله تعالی به مردم و قطع وحی آسمانی است.[[40]](#footnote-40)

یعنی اینکه باور کنیم اخبار غیبی و آینده‌نگری‌ها با نبوّت پیامبرمان؛ محمّد ج پایان یافته و وحی آسمانی با وفات ایشان، قطع شده است. این مطلب از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اعتقادات مسلمانان به شمار می‌رود و هر کس بر خلاف آن ادّعا نماید، به الله تعالی کفر نموده و پیامبر ج را تکذیب کرده است.

قرآن، سنّت و اجماع بر این موضوع دلالت می‌کنند.

1. معجزه کاری خارق‌العاده است؛ یعنی عملی که بر خلاف عادت آدمیان بوده و برایشان ناآشنا و خارج از توان آنان است.
2. الله متعال ویژگی‌های بسیاری را به پیامبرمان محمّد ج اختصاص داد، که در مبحث مربوط به این موضوع در شرح و اصل تحقیق پیش رو، برخی از آن‌ها بیان شده است.

5-5. ایمان به روز آخرت

1. روز آخرت یعنی روز قیامت که مردم در آن روز، برای حساب و جزا برانگیخته می‌شوند.
2. ایمان به این روز، یعنی باور و یقین به آمدن آن و تمامی جزئیّاتش و عمل بر این اساس.
3. باور و یقین به روز قیامت، بنا به دلایلی بسیار مهم به شمار می‌رود؛ از جمله اینکه: ایمان به روز آخرت، یکی از ارکان ششگانۀ ایمان است، این موضوع در بسیاری از متون شرعی وارد شده و ارتباط مستحکمی با ایمان به الله أ دارد، ایمان‌آورندگان به روز آخرت، بسیار مورد تحسین و تمجید قرار گرفته و انکارکنندگانش، بسیار نکوهش شده‌اند، این روز دارای اسامی بسیاری بوده و توصیفات و سخنان فراوانی در این زمینه بیان شده، [که دلیل آن، اهمّیت قیامت و وحشت شدید در آن روز است].
4. ایمان به این روز منجر به نتایجی مهم، اخلاقی زیبا، عبادت‌هایی متنوّع و تاثیراتی پسندیده برای فرد و جامعه در دنیا و آخرت می‌شود.
5. مفهوم شرعی دمیدن در صور: یعنی دمیدن اسرافیل ÷ در شیپوری که به دهان گرفته و مسؤول دمیدن در آن، به هنگام برپاشدن قیامت شده است.[[41]](#footnote-41)
6. اسرافیل ÷ دو بار در صور می‌دمد:

* نفخۀ بیهوشی [صعق]: دمیدنی که بر اثر آن، مردم به وحشت افتاده و بیهوش می‌شوند. وقتی الله تعالی اجازۀ پایان‌یافتن این دنیا را صادر می‌نماید، به اسرافیل دستور می‌دهد که در صور بدمد و در نتیجه، تمامی آنچه در آسمان‌ها و زمین است مگر مخلوقاتی که الله متعال بخواهد، بیهوش می‌شوند، زمین، خاک و بی‌گیاه شده و کوه‌ها فرو می‌ریزند و هر آنچه الله ﻷ در قرآن کریم؛ بویژه در سورۀ «انفطار» و «تکویر» بیان نموده است، به وقوع می‌پیوندد.

این نفخه، نفخۀ بیهوشی [صعق]، ترس [فزع]، به لرزه‌درآورنده [راجفه] و صیحه [آواز بلند] نام دارد.

* نفخۀ برانگیخته‌شدن [بعث]: دمیدنی که توسّط آن، مردم برای حضور در پیشگاه پروردگار جهانیان، زنده از قبرها بیرون می‌آیند.

این نفخه، أخری و رادفه [پیرو و بعدی] نیز نام دارد.

1. در اصطلاح شرع، بعث یعنی معاد جسمانی و زنده‌کردن مردگان در روز قیامت برای حسابرسی و داوری در میان آنان.[[42]](#footnote-42)
2. دلایلی از قرآن و سنّت، اجماع، عقل و فطرت سلیم دلالت بر زنده‌شدن مردگان دارند و نیز این کار بر مقتضای حکمت است، زیرا می‌طلبد که الله ﻷ مخلوقات را برای حسابرسی و دادن پاداش یا عذاب در برابر تکلیفی که بر زبان پیامبران † بر آنان لازم گشته است، دوباره زنده کند.[[43]](#footnote-43)
3. قیامت اسمی از اسامی روز آخرت است که به علّت برخاستن مردم از قبرها و رفتن به سوی قیامت یا به سبب ایستادن مردم برای پروردگار جهانیان در آن روز، چنین نامی گرفته است.
4. روز قیامت بسیار مهم و بزرگ و وحشتناک است و بندگان هرگز چنین روزی را ندیده‌اند؛ در روز قیامت، ترس و اضطراب شدیدی وجود دارد و رابطه‌های مردم با یکدیگر، قطع می‌شود و خورشید به مخلوقات نزدیک می‌گردد.
5. مفهوم شرعی حساب: یعنی اینکه الله تعالی در روز قیامت، بندگان را از اعمالشان آگاه می‌کند و کارهای خوب یا بدی که انجام داده‌اند را به آنان بیان می‌نماید.[[44]](#footnote-44)
6. شیوه و کیفیّت حسابرسی: به طور خلاصه می‌توان گفت: الله تعالی بندگان را در حضور خویش نگه می‌دارد و از آنان به سبب گناهانی که مرتکب شدند و اعمالی که انجام داده و سخنانی که بر زبان آوردند، اقرار می‌گیرد و آنان را از کفر یا ایمان، اطاعت یا نافرمانی و استقامت یا انحرافشان در دنیا و نیز از پاداش یا عذابی که مستحقّ آن هستند، آگاه می‌سازد.
7. انواع حساب: برخی از حساب‌ها سخت و برخی آسان هستند. انواع دیگر آن، حساب تقریر و تکریم و بزرگداشت، توبیخ و نکوهش، فضل و بخشش و مؤاخذه و مجازات بوده و متولّی آن، بخشنده‌ترین بخشندگان، مهربان‌ترین مهربانان و فرمانرواترین فرمانروایان است.[[45]](#footnote-45)
8. قوانینی که بندگان بر اساس آن‌ها مورد محاسبه قرار می‌گیرند: این حساب کاملا عادلانه است، هیچ کس به سبب جرم و گناه دیگران، مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد، بندگان از اعمالی که پیش فرستاده‌اند، آگاه می‌شوند و نیکی‌ها و نه بدی‌ها چند برابر می‌گردند.
9. پیش از سایر امّت‌ها، به حساب امّت محمّد ج پرداخته می‌شود، اولین عملی که از بنده سؤال می‌گردد، نماز است، و نخستین کار فیصله‌شده در میان مردم، مسألۀ خون‌هاست.
10. مفهوم شرعی میزان: یعنی وسیله‌ای که الله تعالی در رروز قیامت، برای سنجش اعمال بندگان قرار می‌دهد.[[46]](#footnote-46) و حکمت و دلیل نهادن ترازوی اعمال، آشکارساختن عدالت الهی است.[[47]](#footnote-47)
11. نامه‌های اعمال: یعنی دفترها و کتاب‌هایی که اعمال انسان‌ها در آن‌ها ثبت و شمارش شده است. و انتشار نامه‌های اعمال، یعنی آشکارکردن و توزیع آن‌ها در روز قیامت که برخی نامۀ اعمالشان را در دست راست و برخی آن را در دست چپ و از پشت سرشان می‌گیرند؛ انسان مؤمن نامۀ اعمالش را با دست راست و از جلوی خویش می‌گیرد و خوشحال است و به دیگران مژده می‌دهد، امّا انسان کافر نامۀ اعمالش را به دست چپ و از پشت سرش می‌گیرد و واویلا سر می‌دهد.
12. مفهوم شرعی حوض: مراد از حوض، آبی است که در صحرای محشر، از رود کوثر برای پیامبر ج جاری می‌شود.[[48]](#footnote-48)
13. ساختار حوض: حوضی بزرگ و آبشخوری بخشنده و گرامی است که از آب بهشت و از رود کوثر، تأمین می‌شود.

آبش سفیدتر از شیر و نقره، سردتر از برف، شیرین‌تر از عسل و خوشبوتر از مشک است. ظروفش همچون ستارگان آسمان بوده و این حوض بسیار وسیع؛ عرضش به اندازۀ مسافت رفتن در یک ماه و طولش نیز همان اندازه و گوشه‌هایش با هم برابرند. هر بار که از آبش خورده شود، باز زیاد و وسیع می‌گردد. هر کس که از آب این حوض بنوشد، دوباره هرگز تشنه نمی‌شود.

1. نوشندگان و محرومان از حوض: مؤمنان صادق و پیرو شریعت از این حوض می‌نوشند، امّا بدعت‌گزاران و تحریف‌کنندگان و مخالفان شریعت، از آب این حوض محروم می‌شوند.

رسول الله ج فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، وَلَأُنَازِعَنَّ أَقْوَامًا ثُمَّ لَأُغْلَبَنَّ عَلَيْهِمْ، فَأَقُولُ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي، أَصْحَابِي، فَيُقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ»[[49]](#footnote-49)؛ «من قبل از شما، بر حوض وارد می‌شوم و قطعا برای گروهی، بحث و مداخله می‌کنم، امّا نمی‌توانم برایشان کاری انجام دهم. سپس می‌گویم: پروردگارا! [این افراد] امّت من هستند، امّت من هستند. [به من] گفته می‌شود: حتما تو نمی‌دانی که پس از تو، چه به وجود آوردند.» این روایت، متّفق‌علیه است.

در صحیح مسلم، از ابوسعید خدری س چنین روایت شده است: «فَيُقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ، فَأَقُولُ: سُحْقًا سُحْقًا لِمَنْ بَدَّلَ بَعْدِي»[[50]](#footnote-50)؛ «گفته می‌شود: قطعا نمی‌دانی که پس از تو، چه کردند! بنابراین من می‌گویم: هلاکت باد، هلاکت باد برای کسی که پس از من، مرتکب تغییر و [تحریف] گشت.»

همچنین در صحیح مسلم، از أمّ المؤمنین عایشه ل روایت شده است که: «فَيَقُولُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ، مَا زَالُوا يَرْجِعُونَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ»[[51]](#footnote-51)؛ «سپس می‌فرماید: بدون تردید نمی‌دانی که پس از تو، چه کردند؛ همواره به عقب برمی‌گشتند [و دین را رها می‌کردند].»

1. مفهوم شرعی صراط: پل کشیده‌شده بر روی جهنّم تا مردم از طریق آن، به بهشت رسند.[[52]](#footnote-52)
2. ساختار پُل صراط: ویژگی‌های این پُل در احادیث متعدّدی بیان شده است؛ از جمله در همان روایت طولانیِ منقول از ابوسعید خدری س آمده است که: «دَحْضٌ مَزِلَّةٌ، فِيهِ خَطَاطِيفُ، وَكَلَالِيبُ، وَحَسَكٌ تَكُونُ بِنَجْدٍ فِيهَا شُوَيْكَةٌ ، يُقَالُ لَهَا : السَّعْدَانُ»؛ «[پل صراط] لیز و لغزنده و دارای چنگک‌ها و قلّاب‌‌ها و تیغ است که در بلندی قرار دارد و در آن، خار [های] کوچکی است که به آن، سعدان [گیاهی خاردار که شتر می‌خورد] گفته می‌شود.»

ابوسعید می‌گوید: «شنیده‌ام که این پُل، باریک‌تر از مو و برنده‌تر از شمشیر است.»[[53]](#footnote-53)

مردم با توجّه به اعمالشان از آن عبور می‌کنند؛ برخی با یک چشم برهم‌زدن، بعضی همچون برقی زودگذر، تعدادی مانند باد، برخی همچون اسبی تیزرو، بعضی مانند رفتن شتر، گروهی دوان‌دوان، برخی به حالت راه‌رفتن عادی و بعضی به صورت خزیده از آن عبور می‌کنند. افرادی نیز به سرعت گرفته شده و در جهنّم انداخته می‌شوند، چون بر روی پُل، میخ‌هایی وجود دارد که مردم را به سبب اعمالشان می‌گیرند. بنابراین هر کس از این پُل عبور کند، وارد بهشت می‌شود.[[54]](#footnote-54)

1. مفهوم شرعی بهشت: همان سرای پُرنعمتی که الله أ در آخرت، آن را برای مؤمنان پرهیزگار و مخلص و پیرو پیامبران † آماده نموده است.[[55]](#footnote-55)
2. مفهوم شرعی آتش دوزخ: یعنی سرای عذابی که الله متعال در آخرت، آن را برای کافرانی که الله را تکذیب و پیامبرانش را نافرمانی کردند، آماده نموده است.[[56]](#footnote-56)

بهشت، درجاتی و دوزخ، درکاتی دارد.

1. مفهوم ایمان به بهشت و دوزخ: یعنی ایمان و باور قطعی به وجود آن‌ها و اینکه آن دو مخلوقند و همچون الله متعال ابدی هستند و هرگز فنا و نابود نمی‌شوند.

همچنین ایمان به تمامی نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های دردناک دوزخ.[[57]](#footnote-57)

5-6. ایمان به قدر

1. ایمان به قدر یعنی باور و یقین به علم فراگیر الهی و کتابت و اراده و آفرینش او برای تمامی اشیاء.[[58]](#footnote-58)
2. ایمان به قضا و قدر – اگر به روشی صحیح باشد- نتایجی مهم در پی دارد که تاثیراتش در دنیا و آخرت، بر فرد و جامعه برمی‌گردد.
3. قرآن کریم، سنّت نبوی، اجماع، فطرت، عقل و حس بیانگر این رکن مهم از ارکان ایمان هستند.
4. قدر چهار مرحله دارد که ارکان یا مراتب قدر نامیده می‌شوند؛ یعنی علم، کتابت، اراده و مشیّت الهی و خلقت.
5. بر انسان واجب است که به قضا و قدر، شریعت و امر و نهی الهی ایمان آورد و اخبار آسمانی را تصدیق نماید و دستورات شرعی را اطاعت کند.[[59]](#footnote-59) وقتی به وی خوبی و نعمتی رسد، الله متعال را سپاس گوید و زمانی که مصیبتی به او رسد، از الله ﻷ آمرزش بخواهد و بداند که تمامی این امور بر اساس قضا و قدر الهی است. لازم نیست که تمامی انسان‌ها از جزئیّات ایمان به قدر آگاه باشند، بلکه همان ایمان کلّی و اجمالی کافی است.[[60]](#footnote-60)
6. ایمان به تقدیر، منافاتی با این ندارد که بنده در افعال اختیاری خویش، اراده و حقّ انتخاب و قدرت داشته باشد و اراده و قدرتش با اراده و قدرت الله تعالی حاصل می‌شود.
7. تاثیر و به کارگیری اسباب منافاتی با ایمان به قضا و قدر ندارد، بلکه استفادۀ از آن‌ها نشانۀ باور و یقین کامل به تقدیر است.
8. احتجاج و استدلال به تقدیر در هنگام مصایب و نه برای توجیه گناهان و معایب، جایز است.

6. محمّد**ج** خاتم پیامبران و رسولان

6-1. مقدّمات نبوّت

بدون تردید الله تعالی مقدّمات فراوانی را برای پیامبر ج که بیانگر بعثت و نبوّت ایشان بود، آماده ساخت؛ از جمله:

1. دعای ابراهیم و بشارت عیسی إ.
2. بعثت پیامبر ج در میان قوم عرب: قومی که استعداد و آمادگی این اصلاح عام معنوی را داشتند و دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بودند؛ صفاتی همچون: استقلال فکری، گسترش آزادی فردی، زیرکی، عزّت نفس، دلیری، عدالت و انصاف، فصاحت و سلامت فطری.
3. شرافت نسب پیامبر ج: نسب ایشان از بهترین و روشن‌ترین نسب‌ها بود. خاندان رسول الله ج با دارابودن اخلاقی والا و بخشش‌ها و فضایلی عملی و باطنی، بر سایر افراد قومشان برتری داشتند و سپس الله تعالی سیّدنا محمّد ج را از میان بنی‌هاشم برگزید و بهترینِ فرزندان آدم و سرور آنان گشت.[[61]](#footnote-61)
4. دسترسی پیامبر ج به والاترین درجۀ اخلاقی پیش از اینکه به پیامبری مبعوث شوند.
5. امّی‌بودن پیامبر ج در حالی که کتابی نخوانده و چیزی ننوشتند.
6. پرورش رسول الله ج در مکّۀ مکرّمه: شهر پاکی که الله ـ آن را برای ساخت نخستین خانۀ توحید و عبادت خالصانه و عبادات سالم برگزید.

6-2. نسب و زندگی پیامبر**ج**

1. نسب ایشان: محمّد بن عبدالله بن عبدالمطّلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصي بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان، که عدنان از قوم عرب و عرب از اولاد اسماعیل بن ابراهیم إ است.[[62]](#footnote-62)

نام مادر پیامبر ج، آمنه؛ دختر وهب بن عبد مناف بن زهره است و زهره، برادرِ پدربزرگ رسول الله ج بود.

پدر پیامبر ج با آمنه ازدواج کرد و به همراه وی، سه روز در خانۀ اقوام آمنه ایستاد و دیری نپایید که باردار شد، امّا احساس سنگینی و ویار [تغییر اشتها و درخواست برخی از خوراکی‌ها] نکرد، چنانکه عادت زنان نیرومند و سالم این گونه است.[[63]](#footnote-63)

1. تولّد پیامبر ج: در سال 571 م موافق با عام الفیل، رسول الله ج با آفرینشی کامل، چهره‌ای زیبا و جسمی سالم به دنیا آمدند.[[64]](#footnote-64)

هنوز به دنیا نیامده بودند که پدر ایشان وفات کرد و از این رو، پدربزرگشان؛ عبدالمطّلب سرپرستی پیامبر را بر عهده گرفت و مادرشان، سه روز ایشان را شیر داد و پس از آن، عبدالمطّلب محمّد ج را به حلیمۀ سعدیّه سپرد تا ایشان را شیر دهد.

1. سفر پیامبر ج با عمویشان به شام و دیدار با بحیرای راهب:   
   رسول الله ج به همراه عمویشان؛ ابوطالب برای تجارت، به سرزمین شام رفتند در حالی که سنّ ایشان 12 سال و 2 ماه و 10 روز بود. در آنجا، بحیرای راهب پیامبر ج را دید و پس از اینکه مهر نبوّت را در میان دو شانۀ محمّد  ج مشاهده نمود، به عموی ایشان مژده داد و وی را از دشمنی یهود علیه رسول الله ج بر حذر داشت.
2. سفر تجاری پیامبر جبا اموال أمّ المؤمنین خدیجه ل: ایشان باری دیگر با مال خدیجه ل؛ به قصد تجارت، سفر نمودند و أمّ المؤمنین خدیجه بیشتر از آنچه به دیگران می‌داد، به رسول الله ج بخشید، زیرا در این تجارت، منافع فراوانی حاصل شد و بلکه منجر به سعادت وی در دنیا و آخرت گشت.

خدیجه ل داناترین و کامل‌ترین زن در میان قبیلۀ قریش بود، به گونه‌ای که در دورۀ جاهلی، ملقّب به «طاهره» گشت، زیرا خویشتن‌دار و پاکدامن و برخوردار از فضایل آشکاری بود.

6-3. ابتدای وحی

1. پیامبر ج بزرگ شدند و زمانی که به مرز 40 سالگی رسیدند و نیروی عقلی و جسمی ایشان کامل گشت، نخستین نشانه‌های وحی، خواب‌های‌ صادقانه بود که هر خوابی می‌دیدند، همچون روشنی صبح آشکار می‌شد، همان گونه که در خواب دیده بودند.
2. خلوت پیامبر جدر غار حرا و نزول وحی: سپس رسول الله ج علاقه‌مند به خلوت و تنهایی شده و به غار حرا در مکّۀ مکرّمه می‌رفتند و در آنجا چندین شبانه‌روز، به عبادت پرداخته و سپس نزد أمّ المؤمنین خدیجه ل بازگشته و خوراکی و نوشیدنی برمی‌داشتند. پیامبر ج بر همین حالت بودند تا اینکه حقیقت با نزول قرآن کریم در ماه رمضان، به ایشان رسید.
3. پی‌درپی نازل‌شدن وحی و رساندن دعوت و پیام الهی توسّط پیامبر ج: سپس وحی شدّت گرفت و پشت سر هم نازل می‌شد و رسول الله ج رسالت و دعوت پروردگار خویش را به مردم می‌رساندند، زیرا الله تعالی ایشان را از طریق وحی، فرمان داده بود تا مردم را به پرستش الله یگانه و پذیرش دین اسلام فرا خوانند؛ همان دینی که الله أ آن را برای مردم پسندید و ادیان دیگر را منسوخ ساخت. بنابراین پیامبر ج مردم را بر اساس حکمت و موعظۀ نیک و مجادله و مناقشه به روش احسن، برای پرستش الله بی‌همتا و پذیرش دین اسلام فرا می‌خواندند.[[65]](#footnote-65)

6-4. اخلاق و اسراری از سیرۀ پیامبر**ج**

1. پیامبرمان؛ محمّد ج بهترین مردم و پاک‌ترین، بلندمرتبه‌ترین، باارزش‌ترین و خوش‌اخلاق‌ترین انسان‌ها و گرامی‌ترین آن‌ها در نزد الله تعالی است.

الله متعال از روی علم و آگاهی، ایشان را برگزید و بوسیلۀ رسالت، گرامی داشت و با وحی تایید نمود.

الله تعالی رسول الله ج را بر صفاتی پسندیده و ویژگی‌هایی نیکو آفرید، سپس ایشان را به زیبایی ادب نمود و به نکویی پرورش داد و از این رو، اخلاق پیامبر ج [بر اساس] قرآن کریم بود، چنانکه وقتی از أمّ المؤمنین عایشه ل دربارۀ اخلاق ایشان سؤال شد، همین پاسخ را داد.

1. الله متعال محمّد ج را در حالی که بر رحمت و مهربانی آفریده شده بودند، و با شریعتی که تمامی احکام و قوانینش رحمت و مهربانی است، مبعوث نمود.
2. سیرۀ درخشان و زیبای پیامبر ج سرشار از درس‌هایی آموزنده و دارای اسرار فراوانی است؛ از جمله:
3. هر اندازه دربارۀ سیرۀ نبوی نوشته و گفته شود، پایانی ندارد؛
4. ستم بر مقام نبوّت هم باعث انتشار فضایل پیامبر ج می‌گردد؛
5. الله ﻷ مردم را در توجّه به سیرۀ نبوی، به چند گروه تقسیم نمود؛
6. هدف اصلی بررسی سیرۀ نبوی، فقط برطرف‌نمودن نیاز علم و درس نیست؛
7. سیرۀ نبوی بیشترین تاثیر را در اصلاح رفتار و رشد احساسات شرافتمندانه دارد؛
8. سیرۀ نبوی برای تمامی مردم با وجود اختلاف در احوال، معلوم و مشخّص است و تاثیرات آن از تمامی جنبه‌ها برایشان روشن است؛
9. صحیح‌ترین سیرۀ پیامبری فرستاده‌شده و مصلحی بزرگ در طول تاریخ به شمار می‌رود؛
10. سیرۀ نبوی بیانگر تصویر یک انسان و نه یک اسطوره است.

6-5. بشارت موسی و عیسی**إ** به بعثت محمّد**ج**

1. پیامبری بزرگ همچون محمّد ج با عمومیّت بعثت و جودانگی دین و شریعت خویش، سزاوار است که الله متعال رسولان و پیامبرانش را از بعثت ایشان باخبر سازد و برخی از صفات و نشانه‌های این پیامبر را برایشان بیان نماید و از آنان عهد و پیمان گیرد که به اقوام و پیروانشان مژدۀ ظهور پیامبر ج را بدهند و آنان را به پذیرش دعوت و فرمانبرداری شایستۀ ایشان توصیه و سفارش نمایند.[[66]](#footnote-66) و بدون تردید این موضوع محقّق شد.
2. بزرگ‌ترین بشارت به نبوّت محمّد ج توسّط دو پیامبر أولوالعزم؛ یعنی موسی و عیسی إ صورت گرفت، که در شرح تحقیق حاضر، برخی از بشارت‌های قرآنی و اخبار کتاب‌های آسمانی پیشین آورده شده است.

6-6. سخنان افراد باانصاف غیرمسلمان دربارۀ محمّد**ج**

هر فرد عاقل و منصفی قطعا از بزرگی پیامبر ج شگفت‌زده می‌شود و آنچه را ایشان آورده‌اند، تصدیق می‌نماید، زیرا دلایل فراوانی بیانگر بزرگی و گویای صداقت رسول الله ج است.

در مبحث مرتبط به این موضوع، برخی از سخنان و تاییدات افراد منصف غیرمسلمان دربارۀ پیامبر ج بیان شده است؛ افرادی همچون: فیسلوف مشهور انگلیسی «توماس کارلایل»، کنت هنری دی کاستری؛ یکی از وزیران فرانسه، استاد «سیدیو» فرانسوی؛ یکی از بزرگان غرب و وزیر سابق فرانسه، استاد خاورشناس «دوزی» و شاعر فرانسوی «لامارتین».

هر یک از افراد فوق، سخنان و مطالب زیبایی را در توصیف رسول الله ج بیان کرده‌اند.

7. مطالبی دربارۀ علم غیب

7-1. مقدّمه

ایمان به غیب یکی از مهم‌ترین و خاص‌ترین ویژگی‌های مؤمنان به شمار می‌رود. آنان به تمامی اخباری که رسولان آورده و از جانب الله ـ رسانده‌اند، ایمان دارند.

امور قابل درک فقط منحصر به حسّ و ظاهر نیستند. از آنجا که ملحدان فقط حسّ و ظاهر را قبول دارند، امور مدرکه را منحصر به دایرۀ محدودی نموده و آنچه توسّط حسّ و تجربه فهمیده‌اند را ثابت و غیر آن را نفی و انکار کرده‌اند.

به همین علّت، آنان علوم غیبی و آنچه رسولان آورده‌اند و در کتاب‌های آسمانی نازل شده است را انکار نموده‌اند.

این دیدگاه و گمان، از لحاظ شرعی، عقلی و تجربی باطل است، زیرا امور مدرکه محدود به آنچه توسّط حس ثابت گردد، نیست و موراد دیگری و اخبار صادقانه‌ای نیز وجود دارد که برترین و مهم‌ترینشان، اخبار الله تعالی و پیامبرانش بوده و در این موارد، بیان و توضیح هر چیزی آمده است.

علوم مدرکه توسّط حس در برابر علومی که رسولان آورده‌اند همچون یک قطره‌ در دریایی پُرآب است.

علاوه بر این، اشیائی موجود است که مردم آن‌ها را قبول دارند هر چند با چشم ندیده‌اند؛ مانند روح که دیده نمی‌شود و با وجود این، اگر از بدن خارج شود، انسان بی‌جان و بی‌حرکت می‌گردد. آیا کسی به بهانۀ اینکه روح از محسوسات نیست، آن را انکار و رد می‌کند؟!

برق نیز چنین است. آیا کسی برق را دیده است؟! مردم فقط اثرش را مشاهده می‌کنند. آیا ایمان و باور به وجود برق آسان‌تر و عاقلانه‌تر است یا ایمان به معبودی که آن را با سایر اسرار و موجودات هستی آفریده است؟!

7-2. عالَم جنّ و شیاطین

1. جن جهانی غیر از عالَم انسان و عالَم فرشتگان است و آن‌ها از لحاظ برخورداری از عقل و ادراک و قدرت انتخاب راه خیر و شر، با انسان مشترکند، ولی در چندین مورد با آنان تفاوت دارند که مهم‌ترینش، همان تفاوت در اصل است.
2. چون مخفی و پنهان هستند و دیده نمی‌شوند، جن نام گرفته‌اند.
3. اصل جن: الله متعال به ما خبر داده که جنّیان از آتش آفریده شده‌اند:

﴿وَٱلۡجَآنَّ خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ﴾ [الحجر: 27]

«و جن را پیش از آن، از آتش سوزان آفریدیم.»

﴿وَخَلَقَ ٱلۡجَآنَّ مِن مَّارِجٖ مِّن نَّارٖ﴾ [الرّحمن: 15]

«و جن را از شعله‌ای آتش خلق کرد.»

1. شیطانی که الله تعالی در قرآن کریم، بسیار دربارۀ او سخن گفته، از جنّیان بوده که در ابتدا، الله متعال را پرستش می‌نمود و به همراه فرشتگان، ساکن آسمان بود و وارد بهشت شد، امّا وقتی پروردگارش به وی دستور داد تا برای آدم ÷ سجده کند، او از روی تکبّر و خودبرتربینی سر باز زد و در نتیجه، الله ـ شیطان را از رحمتش دور و محروم ساخت.
2. شیطان مخلوق است: با توجّه به آیات قرآن و احادیث نبوی، شیطان مخلوق بوده و عقل و درک و تحرّک دارد و اینکه برخی از نادانان می‌گویند ابلیس روح شرّی است که هر گاه بر دل انسان چیره شود، به صورت غرائز حیوانی آشکار می‌گردد و وی را از دستیابی به الگوی والای معنوی باز می‌دارد، سخن و دیدگاهی اشتباه و باطل است.[[67]](#footnote-67)
3. مرگ و عمر جنّیان: بدون تردید جنّیان - که شیاطین نیز از آن‌ها هستند- می‌میرند، چون آیۀ زیر شامل این مخلوقات هم می‌شود:

﴿كُلُّ مَنۡ عَلَيۡهَا فَانٖ٢٦ وَيَبۡقَىٰ وَجۡهُ رَبِّكَ ذُو ٱلۡجَلَٰلِ وَٱلۡإِكۡرَامِ٢٧ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرّحمن: 26- 28]

«هر چه بر روی آن [زمین] است، فانی شود و [تنها] روی پروردگار ذو الجلال و گرامی توست که باقی می‌ماند. پس [ای گروه انس و جن!] کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟!»

امّا از مقدار عمر آن‌ها آگاه نیستیم مگر آنچه الله تعالی دربارۀ ابلیس بیان فرموده که تا روز قیامت زنده خواهد ماند، چنانکه در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿قَالَ أَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ١٤ قَالَ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ﴾ [الأعراف: 14-15]

«[ابليس] گفت: تا روزی‌ که [مردم] برانگيخه می‌شوند، مرا مهلت ده. [الله] فرمود: مسلّماً تو از مهلت‌يافتگانی.»

1. محلّ سکونت جنّیان: آن‌ها بر روی زمینی که ما زندگی می‌کنیم، سکونت دارند و بیشتر در خرابه‌ها و بیابان‌ها و محلّ نجاست؛ همچون حمّام، توالت، زباله‌دان، قبرستان و امثال آن که جایگاه شیاطین است، جمع می‌شوند.[[68]](#footnote-68)

احادیثی در رابطه با منع نمازخواندن در حمّام بیان شده، زیرا محلّ نجاست و جایگاه شیطان بوده و نیز خواندن نماز در قبرستان منع شده، چون باعث شرک می‌شود.

1. قدرت جنّیان: الله ـ به آن‌ها قدرتی که به بشر نداده است را بخشیده و ما را از برخی توانایی‌های جنّیان باخبر ساخته است؛ مانند سرعت در حرکت و انتقال؛ چنانکه عفریتی از جنّیان به سلیمان پیامبر ÷ وعده داد که تخت ملکۀ یمن را در مدّتی کمتر از برخاستن یک مرد، به بیت المَقدِس آورد.
2. هدف از آفریشن جنّیان: الله متعال آن‌ها را برای همان هدفی که بشر را آفرید، به وجود آورد:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ﴾ [الذّاريات: 56]

«و من جنّ و انس را فقط برای اینکه مرا عبادت کنند، آفریدم.»

بنابراین جنّیان مکلّف به انجام یا ترک اموری هستند و هر کسی از آنان که فرمان برد، الله أ از او راضی شده و وی را وارد بهشت می‌سازد، ولی هر کس که نافرمانی و سرکشی کند، جزایش آتش دوزخ است و متون فراوانی بیانگر این موضوع هستند.

7-3. شیطان و انسان

ابلیس بر برخی از انسان‌ها مسلّط می‌شود و شیاطین با افرادی که خود را تسلیم ابلیس نموده‌اند رابطه دارد و برای اطاعت از او، الله تعالی را نافرمانی می‌کنند.

همچنین با برخی از آنان نبرد و نزاع دارد. در ادامه، مطالبی در مورد رابطۀ شیطان با آدمی بیان می‌گردد.

1. شیطان در [بدن] انسان، همچون جریان خون جاری است.
2. شیاطین به قصد گمراه‌نمودن، بر انسان‌ها مسلّط می‌شوند و الله تعالی بر اساس حکمت و تقدیر ازلی خویش، به آن‌ها قدرت داده است.

با وجود این، تسلّط شیاطین بر حسب قوّت یا ضعف ایمان آدمی و آگاهی او، قوی یا ضعیف می‌گردد؛ هر اندازه ایمان و هوشیاری انسان بیشتر گردد، به همان مقدار تسلّط شیطان کم و ضعیف می‌شود و بالعکس. بنابراین شیاطین از برخی جنبه‌ها، قوی و از برخی جنبه‌ها ضعیفند. الله أ می‌فرماید:

﴿إِنَّ كَيۡدَ ٱلشَّيۡطَٰنِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ [النّساء: 76]

«قطعاً نیرنگ [و نقشۀ] شیطان همواره ضعیف است.»

1. اگر بنده اسلام را به خوبی بپذیرد و ایمان در دلش جای گیرد و حدود الهی را رعایت نماید، قطعا ابلیس از او می‌ترسد و فرار می‌کند.
2. هدف نهایی شیطان: ابلیس تلاش می‌کند که انسان را به دوزخ بیندازد و او را از بهشت محروم سازد.

اگر به این هدف نرسد، به دنبال اهدافی پایین‌تر می‌گردد.

1. ابلیس شیوه‌هایی متفاوتی را برای فریب و گمراه‌نمودن بندگان در پیش می‌گیرد؛ همچون آراستن باطل، نامیدن امور حرام با عناوین مورد پسند و محبوب، کم‌کم و به تدریج گمراه‌ساختن و نفوذ از میان کمین‌گاه‌های ضعفی که بر انسان عارض می‌شود.
2. شیوۀ نفوذ شیطان به دل انسان: این کار از طریق وسوسه صورت می‌گیرد. شیطان می‌تواند از طریقی که ما نمی‌فهمیم و از چگونگی آن خبر نداریم، به فکر یا دل انسان برسد.
3. اسلحۀ مؤمن در نبرد علیه شیطان: علی‌رغم دشمنی فراوان و بزرگی نیرنگ شیطان و حرص او بر گمراه‌ساختن انسان‌ها، در برخی موارد، خسته و دور و ذلیل و زبون می‌گردد؛ یعنی هنگامی که انسان از اسباب حفاظت از شرّ ابلیس استفاده نماید که به طور خلاصه، برخی از آن اسباب عبارتند از: رعایت احتیاط، پایبندی به آنچه در قرآن و سنّت آمده است، پناه‌بردن صادقانه به الله ـ از شرّ شیطان، مداومت بر ذکر الهی، شناخت شیوه‌های شیطان، بهره‌گیری و فراگیری علم نافع، عجله برای توبه و استغفار و سایر عواملی که برای دورنمودن شیطان تعیین شده است.[[69]](#footnote-69)

فلسفۀ خلقت شیطان: آفرینش ابلیس، دلایل و حکمت‌های فراوانی داشته، که در مبحث مربوط به آن در اصل این کتاب، بیان گشته و مهم‌ترین آن‌ها، تحقّق ابتلا و آزمایش مخلوقات و آشکارشدن قدرت پروردگار بر آفرینش موجودات متضاد و مختلف است.

7-4. مرگ، برزخ و قبر

1. مرگ مخالف و نقیض زندگی و به معنای قطع رابطۀ روح با بدن و جداشدن آن و ایجاد مانع در میان آن دو و تغییر وضعیّت و انتقال از یک منزل به منزلی دیگر است.[[70]](#footnote-70)
2. برزخ یعنی منزل پس از مرگ تا هنگام برانگیخته‌شدن.
3. قبر، محلّ دفن انسان است و فتنۀ قبر یعنی پرسش دو فرشته پس از دفن میّت، دربارۀ پروردگار، دین و پیامبر او.
4. چگونگی فتنۀ قبر: وقتی مرده در قبر نهاده می‌شود، روح به بدنش باز می‌گردد و از وی سؤال شده و گفته می‌شود: پروردگار تو کیست؟ دین تو چیست؟ و پیامبرت چه کسی است؟

انسان مؤمن می‌گوید: پروردگارم، الله و دینم اسلام و پیامبرم محمّد ج است.

امّا الله ﻷ ظالمان را گمراه نموده و شخص کافر می‌گوید: هاه، هاه نمی‌دانم.

انسان منافق و مردّد نیز می‌گوید: نمی‌دانم؛ من از مردم چیزی شنیدم و همان را بر زبان آوردم.

1. نعیم و عذاب قبر: یعنی نعمت‌ها یا عذابی که در قبر وجود دارد و نتیجۀ فتنۀ قبر است. بنابراین نعمت‌های آن، مخصوص مؤمنان صادق و عذابش مختصّ منافقان و کافران ظالم است.
2. ایمان به عذاب و نعمت‌های قبر بدون کیفیّت است.
3. عذاب و نعمت‌های قبر شامل افراد مدفون در قبر و غیر آن می‌شود، امّا به اعتبار غالب و اصل، عذاب و نعمت‌های قبر گفته شده است.[[71]](#footnote-71)
4. عذاب و نعمت‌های قبر هم به بدن و هم به روح می‌رسد.
5. عذاب بر دو نوع است: نوعی از آن دائمی و نوع دیگر موقّتی و برای برخی از گنهکاران است.
6. به طور خلاصه و کلّی می‌توان گفت که عدم‌شناخت نسبت به الله تعالی، سرپیچی از دستورات او و ارتکاب گناهان باعث عذاب قبر می‌شوند.

و اسباب نجات از آن، بر عکس موارد فوق است.[[72]](#footnote-72)

7-5. نشانه‌های قیامت

1. بدون تردید قیامت بسیار نزدیک است و خواهد آمد و فقط الله أ از زمان وقوع قیامت باخبر است.
2. دیدگاه صحیح دربارۀ نشانه‌های قیامت: باید به آنچه در متون شرعی دربارۀ قیامت آمده است، ایمان بیاوریم و نباید خود را مکلّف به درخواست قیامت و تطبیق آن بر واقعیّت سازیم.

بلکه باید تفسیر قیامت را به واقع بسپاریم؛ یعنی وقوع آن به صورتی است که در متون شرعی بیان شده و بر این اساس، بدون دلیل و از روی ناآگاهی سخنی بر زبان نمی‌آوریم.

این شیوه باعث نجات و رستگاری و پیروی از پیشینیان صالحی است که به آن متون ایمان آوردند و با رعایت صداقت و امانتداری، آن‌ها را به ما رساندند و گمان خویش را برای تعیین زمان قیامت به کار نبردند و بر اساس رأی و عقل محض، مقدّمه‌چینی و نتیجه‌گیری نکردند.

همچنین بدین وسیله، به عمل برخی مردم دچار نمی‌شویم که متون موجود دربارۀ شرایط آخر الزّمان و نشانه‌های قیامت و احوال زمان ما را به هم ربط داده و نتایجی گرفتند که منجر به فتنه‌هایی بزرگ و شکستن حرمت‌ها شده است.

خلاصۀ سخن در موضوع فوق این است که به متون شرعی ایمان داریم و تفسیر آن را به واقع و حقیقت واگذار می‌کنیم.[[73]](#footnote-73)

1. أشراط السّاعة: یعنی همان نشانه‌ها و علائم پیش از قیامت که بیانگر نزدیکی و برپایی آن و اتمام دنیا هستند.[[74]](#footnote-74)
2. انواع نشانه‌های قیامت: این علائم بر دو نوع هستند:

* نشانه‌های صغری: علائمی که سال‌هایی طولانی پیش از فرارسیدن قیامت آشکار می‌گردد و مرسوم و متداول است.
* نشانه‌های کبری: امور مهم و بزرگی که نزدیک قیامت به وقوع می‌پیوندند و مرسوم و رایج نیستند؛ همچون ظهور دجّال، نزول سیّدنا عیسی، خروج یأجوج و مأجوج و طلوع خورشید از سمت مغرب.[[75]](#footnote-75)

وقتی یکی از آن‌ها آشکار گردد، علائم دیگر نیز پس از آن به وقوع می‌پیوندند و فاصله‌ای در میانشان نیست.[[76]](#footnote-76)

در مبحث مربوط به نشانه‌های قیامت در اصل این تحقیق، شرح و توضیح هر یک از علائم کبرای قیامت آمده است.

8. مطالبی دربارۀ گناهان، توبه و دعا

8-1. گناهان [ذنوب]

1. ذنوب جمع «ذنب» به معنای گناه و جرم و معصیت است.
2. چندین تقسیم برای گناهان بیان شده است؛ از جمله اینکه تقسیم به صغیره و کبیره می‌شوند.
3. گناهان و معاصی پیامدهایی وخیم، ضررهایی بزرگ، نتایجی مخرّب و عقوبات فراوانی در دنیا و آخرت، بر فرد و جامعه دارند.

در اصل تحقیق پیش رو، در مبحثی که به همین موضوع اختصاص یافته، برخی از پیامدها و ضررهای گناهان بیان شده است.

8-2. توبه

1. توبه یعنی ترک گناه با آگاهی از بدی و زشتی آن و پشیمانی بر انجامش و تصمیم قطعی به انجام‌ندادن دوبارۀ آن در صورت توان و جبران اعمالی که امکان جبران آن‌ها وجود دارد و ادای فرائضی که ضایع شده است؛ به صورت مخلصانه، امید به پاداش و ترس از عذاب الهی و به شرط اینکه توبه پیش از فرارسیدن مرگ و طلوع خورشید از سمت مغرب باشد.[[77]](#footnote-77)
2. بدون تردید الله أ – با فضل و کرم خویش- دروازۀ توبه را گشود، زیرا فرمان به این کار داد و مردم را تشویق نمود و وعدۀ پذیرش توبه را داد؛ فرقی نمی‌کند که از طرف کافران، مشرکان، متافقان، مرتدّان، تجاوزکاران، ملحدان، ستمکاران یا گنهکاران مقصّر صورت گیرد.

توبه، فضائلی بسیار مهم و اسراری جذّاب و زیبا و فواید متعدّدی دارد، که برخی از آن‌ها در مبحث مرتبط به این موضوع، مورد بررسی قرار گرفته است.

8-3. دعا

1. دعا یعنی درخواست با تضرّع از الله تعالی و تمایل به خیراتی که در نزد اوست و تقاضا و التماس برای برآورده‌ساختن مطلوب و نجات از بدی و شیء ناپسند.[[78]](#footnote-78)
2. دعا دارای فضائلی بزرگ، نتایجی مهم و اسراری بدیع و جذّاب است؛ از جمله اینکه: دعا عبادت است، باارزش‌ترین کار در نزد الله متعال به شمار می‌رود، باعث گشایش سینه و آسایش فرد و دفع بلا و مصیبت می‌شود.
3. دعا شروطی دارد و برای اجابت و پذیرش آن در نزد الله تعالی باید این شروط را دارا باشد. تعدادی از این شروط در مبحثی که به همین موضوع اختصاص داده شده، بیان گشته است.
4. برای تکمیل دعا نیاز است که آدابی رعایت گردد، و این موارد نیز در کتاب اصلی آورده شده است.

9. نظام سیاسی در اسلام

9-1. مفهوم نظام سیاسی

1. نظام سیاسی اسلام بخشی از شریعت اسلامی به شمار می‌رود؛ یعنی همان شناخت نظام حکومت، شیوۀ انتخاب حاکم و حقوق و تکالیف او، شناخت حقوق و تکالیف مردم، رابطۀ میان حاکم و رعیّت و ارتباط میان دولت‌ها در شرایط جنگ و صلح بر اساس شریعت اسلام.
2. نظام سیاسی اسلام ویژگی‌هایی دارد؛ مانند الهی‌بودن، عمومیّت، جهان‌شمولی، میانه‌روی، واقع‌گرایی و تناسب با فطرت.

9-2. قضاوت در اسلام

1. مفهوم شرعی قضاوت: یعنی تبیین حکم شرعی و الزام به آن و حلّ اختلافات.[[79]](#footnote-79)
2. جایگاه و اهمّیت قضاوت: این موضوع جایگاهی بزرگ و اهمّیت فراوانی دارد، زیرا از ضروریّات حکومت و یکی از بزرگ‌ترین پایه‌های هر دولتی به شمار می‌رود و مصلحت مردم وابسته به وجود قضاوت و توجّه به آن است.

اگر قضاوت از بین برود، جامعه فرو می‌پاشد، کارها خراب می‌شود، حقوق تباه می‌گردد و هرج و مرج رواج می‌یابد.

1. قضاوت اهدافی دارد که در کتاب اصلی، 10 مورد بیان شده است.
2. این مسؤولیّت، شروط متعدّدی دارد که مهم‌ترین آن‌ها قدرت و امانت است و در مبحث مربوط به این موضوع، شروط آن روشن گشته است.
3. عالمان از آدابی نام برده‌اند که شایسته است قاضیان برای اینکه قضاوتشان کامل و باهدف و بدون ضرر و فساد گردد، برخوردار از آن‌ها باشند؛ در این زمینه، 14 مورد بیان شده است.
4. دین اسلام بر استقلال قضاوت و قاضی تاکید فراوانی دارد.

هدف از این کار، استواری و حفاظت قضاوت و قاضی و نیز آزادی وی در حکم و اثبات حقیقت و منع دخالت در احکام وی و دورساختنش از عوامل تاثیرگذار بیرونی و سیاسی و فردی است.

9-3. مشورت در اسلام

1. مشورت یعنی گرفتن نظر و دیدگاه صاحب‌نظران و بررسی و مقایسۀ آن‌ها برای رسیدن به حقیقتِ موضوعی از مسائل.[[80]](#footnote-80)
2. اصطلاح «شوری» به همان معنای عام خود که مربوط به نظام حکومت‌داری در اسلام است، در دو آیه از قرآن کریم بیان شده است؛ یعنی در سورۀ مبارکۀ «شوری» و «آل‌عمران».
3. عبارتی از قرآن و سنّت وجود ندارد که روش و طریقۀ اجرای مشورت را برای ما روشن و معیّن سازد.

همچنین نصّی وجود ندارد که مسلمانان را ملزم به تعیین تعداد معیّنی از افراد برای مشورت نماید یا اینکه ویژگی‌هایشان و شیوۀ مشورت با آنان را بیان کند.

این موارد بیانگر انعطاف و آسان‌گیری دین اسلام است. بنابراین مشورت وابسته به مصلحت زمانی و مکانی و بر حسب شرایط جوامع است.

بر این اساس، دانسته می‌شود که مهم اجرای مشورت در جامعۀ اسلامی با هر وسیلۀ ممکن که مخالف شریعت نباشد، است.[[81]](#footnote-81)

1. مشورت در برخی امور با دموکراسی، مشترک و در برخی موارد، متفاوت است. این مسأله در اصل تحقیق پیش رو مورد بررسی قرار گرفته است.
2. در سیرۀ نبوی، نمونه‌های بسیاری از مشورت وجود دارد. این نمونه‌ها نیز در همان جا بیان شده است.

10. نظام اقتصادی در اسلام

1. تعریف نظام اقتصادی در اسلام: مجموعۀ احکام و سیاست‌های شرعی دربارۀ مال و تصرّف انسان در آن.[[82]](#footnote-82)
2. منابع نظام اقتصادی اسلام: قرآن، سنّت، اجماع، قیاس، سدّ ذرائع و عرف.
3. ایمان محور اصلی و ستون اول هر یک از جوانب و فرصت‌های اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود. اقتصاد اسلامی در اصل و حقیقت خود، فرع و شاخه‌ای از فروع عقیدۀ ایمان بوده و نقش آن، حمایت از این اعتقاد و گسترده‌ساختن ریشه‌ها و انتشار نور آن است و نمونه‌هایی عملی برای اجرایش به وجود می‌آورد و اهدافش را در زندگی واقعی برآورده می‌سازد.
4. نظام اقتصادی اسلام به دنبال تحقّق اهدافی بوده که بارزترین آن‌ها از این قرار است: تحقّق شرایط مناسب و امکانات کافی زندگی، سرمایه‌گذاری بهینه برای تمامی منابع اقتصادی، کاهش تفاوت فراوان در توزیع ثروت و درآمد و تحقّق قدرت مادّی و دفاعی مسلمانان.
5. اقتصاد اسلامی ویژگی‌های متعدّدی دارد که باعث تمایز آن از سایر نظام‌های اقتصادی شده و مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است: پذیرش مالکیّت فردی، اتّکا بر آزادی مشروط اقتصادی، متّکی‌بودن بر تعهّد و همبستگی میان تمامی مسلمانان، این کار نوعی عبادت است، هدفی والا و جامع میان آخرت و دنیا دارد و اقتصاد اسلامی باعث ایجاد تعادل میان مصلحت فرد و جامعه می‌شود.[[83]](#footnote-83)
6. مفهوم شرعی ربا: یعنی زیادتی یا نسیه در برخی اشیا که شریعت این کار را حرام کرده است.[[84]](#footnote-84)
7. ربا بر دو نوع است: نوع اول: ربای در نسیه که چندین صورت دارد؛ از جمله: زیادت در قرض در مقابل زیادت در مدّت؛ یعنی همان زیادت مشروط. نوع دوم: ربای فضل: یعنی معاملۀ ربوی دو کالای هم‌جنس با زیادتی فوری یا تاخیری در یکی از آن دو.
8. مواردی که امکان تحقّق ربا در آن‌ها وجود دارد: پیامبر ج در این باره فرمودند: «الذَّهَبُ بِالذَّهَبِ، وَالْفِضَّةُ بِالْفِضَّةِ، وَالْبُرُّ بِالْبُرِّ، وَالشَّعِيرُ بِالشَّعِيرِ، وَالتَّمْرُ بِالتَّمْرِ، وَالْمِلْحُ بِالْمِلْحِ، مِثْلًا بِمِثْلٍ، سَوَاءً بِسَوَاءٍ، يَدًا بِيَدٍ، فَمَنْ زَادَ، أَوِ اسْتَزَادَ، فَقَدْ أَرْبَى، فَإِذَا اخْتَلَفَتْ هَذِهِ الْأَصْنَافُ، فَبِيعُوا كَيْفَ شِئْتُمْ، إِذَا كَانَ يَدًا بِيَدٍ»[[85]](#footnote-85)؛ «طلا با طلا، نقره با نقره، گندم با گندم، جو با جو، خرما با خرما، نمک با نمک، مِثل به مِثل و با یکدیگر برابر و دست به دست [معاوضه می‌شوند]. پس اگر کسی افزود و یا افزون طلبید، قطعا مرتکب ربا شده است. و زمانی که این انواع مختلف بود، هر گونه که خواستید، معامله کنید اگر دست به دست انجام شد.»
9. علّت ربا: در حدیث قبلی، پیامبر ج انواع ششگانۀ مذکور را به صراحت بیان فرمودند و آنچه از لحاظ علّت با آن‌ها مشترک باشد نیز حرام و ممنوع است. علّت از این قرار است:

طلا و نقره: علّت در آن‌ها ثمن و پول‌بودن است، زیرا اشیا با طلا و نقره قیمت‌گذاری می‌شوند و از این رو، هر آنچه ثمن باشد؛ مانند اسکناس‌های رایج بر آن‌ها قیاس می‌شود، چون ربا در این موارد صورت می‌گیرد و اشیا با آن‌ها قیمت‌گذاری می‌شوند و در نتیجه، حکم طلا و نقره را دارند.

چهار نوع دیگر: بنا بر قول صحیح، علّت در آن‌ها، طعام‌بودن به همراه کیل یا وزن است. بنابراین غذاهایی که کیل یا وزن می‌شوند، با قیاس بر چهار نوع مذکور در حدیث فوق – گندم، جو، خرما و نمک-، امکان وجود ربا در آن‌ها می‌رود.

1. بر اساس دلایلی از قرآن و سنّت و اجماع، ربا حرام و گناه کبیره است.
2. فلسفۀ تحریم ربا: دلایل متعدّدی در زمینۀ تحریم ربا وجود دارد؛ از جمله: دوری از ستم و خوردن اموال مردم به ناحق، ربا باعث تنبلی و بیکاری می‌شود، این کار انسان را آزمند و حریص می‌گرداند و اخلاق پسندیده را نابود می‌سازد و پیامدهای ویرانگر جانی و بهداشتی دارد.
3. مفهوم احتکار: از دیدگاه فقیهان، احتکار یعنی نگهداشتن غذا یا سایر کالاهایی که مردم به آن‌ها نیاز دارند به قصد اینکه گران شود.

این اصطلاح در اقتصاد وضعی به معنای تسلّط بر مال یا درخواست کالاست به منظور رسیدن به بیشترین سود ممکن و نیز کنترل این نوع کالا برای هدفی غیر انسانی.[[86]](#footnote-86)

1. ضررهای احتکار: به طور خلاصه می‌توان گفت که ضررهای احتکار از این قرار است:

* بالارفتن قیمت کالاها و خدمات؛
* کنترل و در اختیارگرفتن هر چند اندک قیمت موادّ خام و کالاهای ساخته‌‌شده؛
* توقّف جنبه‌های فنّی به سبب نبود رقابت عادلانه؛
* محدودشدن و کاهش تولید در بسیاری از مواقع؛
* برطرف‌نشدن نیازهای مردم به اندازۀ کافی؛
* تلاش برای تحقیر مردم و غلبه بر آنان.

1. احادیث فراوانی بیانگر حرمت این کار هستند.
2. احتکار مباح: موارد زیر از این قبیل است:

* آنچه انسان برای امرار معاش خویش و خانواده‌اش ذخیره می‌کند مگر در زمان بحران و سختی که مردم در ذخیرۀ موادّ ضروری زیاده‌روی می‌کنند و این احتکار ناجایز است؛
* آنچه ذخیره می‌شود تا در آینده مصرف گردد، چون امکان دارد که تولید آن فصلی باشد، امّا در تمامی ایّام سال مصرف شود؛ مانند حبوبات یا خرما؛

آنچه دولت برای مواقع بحران، در نظر می‌گیرد تا از تولیدکنندگان و مصرف‌کننده‌ها حمایت کند؛ همچون ذخیرۀ استراتژیک و راهبردی سوخت و حبوبات.[[87]](#footnote-87)

11. نظام اجتماعی در اسلام

11-1. مفهوم اجتماع و زندگی اجتماعی در اسلام

1. جامعۀ بشری: یعنی مجموعه‌ای از مردم که از چندین فرد تشکیل شده است.[[88]](#footnote-88)
2. جامعۀ اسلامی: سکونت و اجتماع گروهی از مسلمانان در سرزمین خودشان بر اساس رابطۀ اسلامی که امورشان در پرتو قوانین و احکام اسلام است و سرپرست و حاکم آنان ادارۀ امورشان را بر عهده دارد.[[89]](#footnote-89)

امّت اسلامی: گروه‌هایی از مردم که اعتقاد اسلام آنان را با یکدیگر جمع نموده است و صرف‌نظر از هر نوع اعتبار و معیار دیگری.

11-2. جایگاه همسایه در اسلام

1. مفهوم اصطلاحی جار (همسایه): یعنی فردی که نوعی همسایگی شرعی با تو دارد؛ فرقی نمی‌کند که مسلمان یا کافر، نیک یا بد، دوست یا دشمن، نیکوکار یا بدکار، مفید یا مضر، خویشاوند یا بیگانه و شهری یا روستایی باشد.

همسایگی مراتبی دارد که برخی از آن‌ها بالاتر از برخی دیگر بوده و بر اساس نزدیکی، خویشاوندی، دیانت، تقوا و سایر صفات همسایه، تغییر می‌کند و بر اساس شرایطش، مستحقّ حقوقی است.[[90]](#footnote-90)

1. مفهوم همسایه و همسایگی – در اسلام- منحصر بر همسایگی از لحاظ مسکن نمی‌شود، بلکه عام‌تر از این بوده و همسایگی در محلّ تجارت، بازار، مزرعه، مدرسه و مکان درس و سفر نیز وجود دارد.
2. بدون تردید اسلام در مورد همسایه توصیه نموده و جایگاهش را بلند گردانیده است. از دیدگاه دین اسلام، همسایه حرمت و حقوق فراوانی دارد که قوانین اخلاقی و احکام بشری از آن‌ها آگاه نیستند.

از دیدگاه اسلام، حقوق همسایه آن قدر مهم بوده که الله تعالی این مطلب را در کنار عبادت و توحید خویش و نیکی به والدین و یتیمان و خویشاوندان بیان فرموده است.

1. حقوق همسایه به طور جزئی، بسیار زیاد است، امّا حقوق اصلی وی بر چهار نوع بوده و از این قرار است: خودداری از آزار و اذیّت همسایه، حمایت از وی، نیکی به او و تحمّل آزار و اذیّت همسایه.

11-3. صلۀ رحم

1. صلۀ رحم کنایه از نیکی به خویشاوندان نسبی و سببی و مهربانی و نرمی با آنان و توجّه به شرایطشان است، هر چند آنان دوری و بدی کنند. و قطع صلۀ رحم یعنی عکس و خلاف موارد فوق.[[91]](#footnote-91)
2. صلۀ رحم از چندین طریق شکل می‌گیرد، که برخی از آن‌ها در اصل و شرح این کتاب، بیان شده است.
3. شریعت اسلام فضایل صلۀ رحم را بیان نموده و متون فراوانی از قرآن و سنّت در این زمینه نقل شده است.

11-4. کرامت انسان و معیار عدالت و کرامت در اسلام

1. بدون تردید دین اسلام آدمی را بسیار گرامی داشته و هیچ یک از نظام‌های دنیوی چنین کرامتی برای انسان قائل نشده‌اند. دلایلی از قرآن و سنّت بیانگر و گواه بر این مطلبند.

آیۀ زیر در این زمینه کافی است که الله ﻷ می‌فرماید:

﴿۞وَلَقَدۡ كَرَّمۡنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّمَّنۡ خَلَقۡنَا تَفۡضِيلٗا﴾ [الإسراء: 70]

«و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] حمل کردیم و از انواع [روزی‌های] پاکیزه به آنان روزی دادیم و قطعا آدمیان را بر بسیاری از موجوداتی که آفریده‌ایم، برتری بخشیدیم.»

این از فضل و احسان بیشمار الله تعالی است که آدمی را با تمامی انواع اکرام، گرامی داشته است؛ یعنی با علم، تشخیص، عقل، چهره، فرستادن پیامبران †، نازل‌کردن کتاب‌های آسمانی و تصرّف و تسلّط انسان بر آنچه در زمین است.[[92]](#footnote-92)

1. عدالت یعنی دادن حق به صاحبش، به گونه‌ای که بتواند خود یا نمایندۀ وی آن را بگیرد و نیز به معنای تعیین حق از لحاظ قولی و عملی برای اوست.

عدالت اصل جامع تمامی حقوق به شمار می‌رود و همۀ ادیان الهی و انسان‌های حکیم بر خوب‌بودن عدالت توافق دارند و بزرگان امّت‌ها با ادّعای رعایت عدالت، افتخار می‌کردند.

1. عدالت از دیدگاه اسلام، ارزش فراوانی دارد و یکی از اصول نظام اجتماعی آن به شمار می‌رود.

متون فراوانی از قرآن و سنّت بیانگر فضیلت عدالت بوده و جزئیّاتش را شرح داده و مردم را از ضدّ آن؛ یعنی ستم و پیروی از تمایلات نفسانی بر حذر داشته‌اند.

برای آگاهی از جزئیّات عدالت باید به دلایل شرعی رجوع کنیم، زیرا عدالت اصطلاحی کلّی و جامع است.

1. در ادامه، برخی از سخنان و مطالب شرعی دربارۀ عدالت بیان می‌گردد:

* الله ﻷ فرمانی قطعی برای اجر ای عدالت صادر نموده است؛
* الله متعال هنگام فرمان به اجرای عدالت، مردم را از مخالفت با آن بر حذر داشته است؛
* تنوّع فرمان به عدالت و عمومیّت آن؛
* برحذرداشتن از سستی در اجرای عدالت؛
* دین اسلام احکام امور و اعمال را بیان نموده است؛
* تعیین قاضیان در دین اسلام؛
* فرمان به عدالت شامل تمامی افراد امّت می‌شود.

1. اکرام بر پایۀ عدالت و دادن حقّ هر مستحقّی بدون کم و کاستی و ستم است. بنابراین طائفه‌گرایی و نژادپرستی جایی در اسلام ندارد و از دیدگاه این دین، نژاد و جنس و رنگ و محلّ سکونت هیچ فضیلتی ندارد و معیار برتری و اکرام قرار نمی‌گیرند.

بلکه معیار اصلی تقوا و کمالاتی است که انسان را متمایز و مشخّص می‌سازد.

11-5. اصول اخلاقی و نقش آن در ساخت جامعه

1. جامعه زمانی سر و سامان می‌گیرد که بیشتر افرادش مکارم اخلاقی را رعایت نمایند و این موضوع در بیشتر تصرّفات و امورشان جاری باشد، چون معیار مکارم اخلاق تزکیۀ نفس انسانی و خوگرفتن و عادت عقل بر فهم فضایل و تشخیص آن‌ها از رذیلت‌ها و تمرین آن بر فراگیری فضایل و دوری از رذایل است.
2. یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایه‌های دعوت اسلام برای مکارم و تهذیب اخلاق، توجّه آن به تربیّت و کمال نفس و عادت‌دادنش بر پیروی از هدایت و ارشادی است که عقل سلیم بر حقیقت و اصلاح و فایدۀ آن گواهی می‌دهد.
3. بررسی دستورات و ممنوعات اسلام، باعث می‌شود که به خوبی‌ها و ارزش دین اسلام پی ببری و بدانی که این آیین، دین سعادت و رستگاری است و آدابی دقیق و لطیف و رفتاری نیک و زیبا در حوزۀ امور فردی، خانوادگی، همسایگی، مسلمانی و امور مربوط به تمامی مردم را به انسان آموخته که باعث خوشی زندگی و سرور و شادی وی می‌شود.

وضعیّت بد برخی از مسلمانان تو را به شک نیندازد و نفریبد، زیرا این حالت نتیجۀ تمایلات خودشان و نه برخاسته از طبیعت دینشان است.

1. محاسن دین اسلام به طور واضح از طریق دقّت در اوامر و نواهی آن روشن می‌گردد، که بسیاری از این اوامر و نواهی، در مبحث مرتبط به این موضوع در اصل تحقیق پیش رو آورده شده است.
2. در آنجا، فضایل مهم و اصول اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است؛ مانند صبر، عفّت و پاکدامنی، عزّت نفس، سخاوت، شجاعت و وفا.

11-6. دوستی و مصاحبت در اسلام و رابطۀ مسلمانان با دیگران

1. اسلام با وجود گستردگی و قوانین حکیمانه‌اش، از موضوع رفاقت و همنشینی غافل نشده است.

بلکه به رفاقتِ شایسته توجّه نموده و دیگران را تشویق به آن کرده و شروطی که ضامن بقا و ایجاد نتایج مفیدش خواهد بود را تعیین نموده است.

1. یکی از موارد اهتمام و توجّه اسلام به مسألۀ مذکور، این است که تشویق نموده فرد مسلمان آنچه برای خود می‌پسندد را برای برادر مسلمانش بخواهد و می‌پسندد که برادر مسلمانش را بر خویش ترجیح دهد هر چند خودش نیاز شدیدی داشته باشد.

همچنین دین اسلام مردم را به همراهی و دوستی با همنشین صالح تشویق نموده و بیان شده که رفاقت شایسته و نیک پس از مرگ نیز باقی می‌ماند و صداقت خالصانه دارای پاداش بسیاری است.

1. ارتباط مسلمان با کافران و مشرکان بر اساس احسان، نیکی، انعام، عدالت و خواستن خیر و هدایت برای آنان است.

در سایۀ ارشادات قرآنی، اهل کتاب در کنار مسلمانان زندگی کردند و خود آنان و آبرو و اموالشان در امنیّت کامل بودند.

و بلکه رفتار و عدالتی که در میان خویشاوندان و هم‌کیشان و ملّت خود نیافته بودند را از مسلمانان دیدند.

زمانی که این رفتار پسندیده و عدالت و اخلاق مسلمانان را دیدند، به دین اسلام علاقمند شدند و از روی میل و یقین اسلام را پذیرفتند.

11-7. نظام خانوادگی در اسلام

1. اسلام توجّه زیادی به خانوادۀ مسلمان کرده و حقوقی را برای همسرداری تعیین نموده که آن را در الفتی صادقانه و زندگی مورد پسندی قرار می‌دهد و تمامی حقوق والدین و فرزندان را مشخّص کرده و بر دوش هر یک از افراد خانوادۀ مسلمان، امانتی گذاشته که در حضور پروردگار جهانیان دربارۀ آن سؤال خواهد شد.
2. بدون تردید اسلام مقام زن را والا گردانیده و هیچ آیینی همچون دین اسلام وی را گرامی نداشته است. در مبحث مربوط به این موضوع؛ یعنی در شرح کتاب پیش رو، نمونه‌هایی از این اکرام در جنبه‌های مختلف بیان شده است.
3. ازدواج در اسلام، رابطه‌ای مقدّس و پیمانی محکم به شمار می‌رود که فطرت‌های سلیم متمایل به آن بوده و شرایع استوار مردم را به سوی آن فرا می‌خوانند.

به همین سبب، اسلام به حفاظت و اصلاح و استحکام رابطۀ زناشویی و احاطۀ آن با آنچه سبب پایداری و برتری‌اش شود، توجّه نموده است.[[93]](#footnote-93)

1. دین اسلام جایگاه والایی را برای فرزند قائل شده و کاملا به وی توجّه نموده و حقوقی را برایش تعیین کرده که ضامن سعادت و زندگی موفّق و شرافتمندانۀ او بوده و وی را از بدبختی و تباهی دور می‌سازد.

در مبحثی که به همین مطلب اختصاص یافته، برخی از حقوق و احکام مربوط به فرزند بیان شده است.

1. از دیدگاه اسلام، والدین حقوقی مهم و بزرگ و مقامی والا دارند. نیکی به آن دو به همراه توحید بیان شده و تشکّر از پدر و مادر در کنار شکر الهی آمده و نیکی به والدین از بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین اعمال در نزد الله ﻷ و نافرمانی آنان، گناه کبیره است.

دین اسلام آداب فراوانی را برای تعامل با پدر و مادر بیان نموده است.

در کتاب اصلی، مهم‌ترین حقوق والدین آورده شده است.

1. از دیدگاه اسلام، فرزندان حقوقی بر والدین دارند. آنان امانتی بر دوش پدر و مادر هستند و نیکی به فرزندان و تلاش برای تربیّت آنان، باعث ادای امانت، امّا کوتاهی در تربیّت فرزندان، اشتباهی روشن و خطایی گرانبار و بسیار خطرناک است. متون شرعی فراوانی بیانگر مطلب فوق بوده و در مبحث مربوط، مطالبی در این زمینه بیان شده است.

12. موضع اسلام نسبت به برخی از مسائل معاصر

12-1. موضع اسلام نسبت به عقل

1. عقل: یعنی نوری معنوی که نفس از طریق آن، علوم ضروری و نظری را درک کرده و می‌فهمد.
2. برخی از مصادیق عقل: عقل بر علم و نیز بر ویژگی‌های خوب و بد و کمال و نقصان اشیا اطلاق می‌گردد.
3. جایگاه عقل در اسلام: بدون تردید اسلام جایگاه و ارزش عقل را والا گردانیده و از دیدگاه این دین، عقل اساس تکلیف و معیار اهلیّت است.

در بسیاری از آیات قرآن فرمان به تعقّل و بررسی و تدبّر داده شده و عاقلان و اندیشمندان تحسین گشته‌اند.

علاوه بر این، آیات فراوانی در نکوهش افرادی که از عقلشان استفاده نکرده و عادت به تقلید کورکورانه دارند و بدون دلیل و آگاهی، راه پدرانشان را در پیش گرفته‌اند، آمده است.[[94]](#footnote-94)

1. وظیفۀ عقل: عقل نوری است که الله تعالی آن را در وجود انسان به ودیعت گذاشته تا اشیا و حقایق زندگی را برایش روشن سازد و انسان توسّط آن، از الله و رسولش آگاه شود و از این طریق، به آسمان‌ها و زمین بنگرد و اسرار هستی را درک نماید، به خود و نشانه‌های الهی در اطرافش بیندیشد و بدین وسیله و در حدّ توان، به بسیاری از امور اعتقادی برسد و در نتیجه، به منافع دینی و دنیوی دست یابد.[[95]](#footnote-95)

وظیفۀ عقل به طور خلاصه بیان گردید.

1. محدودۀ عقل: هر چند اسلام عقل را مهم و باارزش دانسته و وظیفۀ مهمّی را بر عهدۀ وی گذاشته است، امّا دین اسلام آن را محدود و مقیّد نموده تا توان عقلی در پسِ امور غیبی که قدرت فهم و درک حقیقت آن‌ها را ندارد، پراکنده و نابود نگردد؛ اموری مانند ذات الهی، روح، بهشت، دوزخ، کیفیّت صفات الهی و ...، چون عقل بشری چارچوب معیّنی برای عمل دارد و اگر از آن محدوده تجاوز نماید، قطعا گمراه خواهد گشت و گرفتار پیچ و خم‌های دشواری خواهد شد. بنابراین محدودۀ عقل همان امور محسوس است.

ولی در زمینۀ امور غیب نمی‌تواند نظر دهد، چون آن‌ها را درک نمی‌کند و در این باره، باید بر متون شرعی اعتماد نماید.

1. اسلام عقل‌ها را حفاظت نموده و باارزش دانسته است: به همین سبب، نوشیدن شراب و استعمال موادّ مخدّر را به طور کل و نیز هر آنچه منجر به فساد عقل شود را حرام و ممنوع کرده است.

با وجود اینکه اسلام عقل‌ها را باارزش دانسته و آن‌ها را از تضادّ و تناقض حفظ نموده و عاقلان را از آشفتگی فکری و تباهی و بی‌خردی حفاظت کرده است، دینی روشن و آسان و قابل اجرا بوده و دروازه‌هایش بر روی هر کسی باز است.

12-2. اسلام و علم

1. اسلام دین علم و حقیقت و بلکه دشمن جهل و خرافه است و قرآن کریم و سنّت نبوی بر اساس علم صحیح هستند.
2. برخی از نمونه‌های توافق میان اسلام و علم از این قرار است:
3. دین اسلام کسب دانش را نوعی تکلیف و واجب دانسته است؛
4. نخستین عبارت نازل‌شده از قرآن کریم، دستور به فراگیری علم داد؛
5. الله ـ علم و عالمان را ستوده است؛
6. سازگاری اسلام با حقایق علمی؛
7. توافق و هماهنگی دلایل حسّی، علمی و تجربی بر صداقت مسائل و احکام دین اسلام؛
8. علوم تجربی اسلام را تایید نموده و تاکید بر صحّت مسائل آن دارد.

12-3. اسلام و کار

از دیدگاه اسلام، کار ارزشی فراوان و جایگاه متمایزی دارد و دین اسلام برای کار و تلاش، شیوه‌ای جذّاب و کامل ترسیم نموده که بر اساس تعادل و برابری میان حقوق کارگران و صاحبان کار است.

همچنین اسلام تاکید بر رعایت حقوق انسان و تکریم و ارزش وی دارد تا عضوی مفید در این دنیا باشد.

وضعیّت کار و اشتغال از اموری است که تمدّن اسلامی توجّه فراوانی به این موضوع نموده؛ آن هم با پیگیری تغییر و تحوّلاتش و همگام‌شدنش با احکام و ضوابط و توجّه بسیار بر رعایت نیازهای کارگر و کارفرما.

یکی از امتیازات سازمان کار در اسلام، اکرام کارگران و دعوت آشکار به کار حرفه‌ای و صنعت و اعتبار آن به عنوان وسیله‌ای مهم و باارزش برای هر کس که توانایی انجامش را دارد و نیز لحاظ‌کردن آن به عنوان صفتی از صفات مسلمانانی که زندگی شرافتمندانه‌ای دارند، است.[[96]](#footnote-96)

در شرح این کتاب، مطالبی دربارۀ موضوع مذکور بیان شده و مباحث زیر مطرح گشته است:

1. مفهوم کار و عمل در اسلام و موارد مربوط به آن؛
2. دعوت اسلام؛ یعنی قرآن و سنّت به کار و تلاش؛
3. منع تنبلی و بیکاری از سوی اسلام؛
4. تعیین قوانینی که باعث نظم کار می‌شود؛ مانند قرارداد، نوع کار، مدّت آن، حقوق و تکالیف کارگران.

12-4. اسلام و سلامت عمومی

در قرآن کریم و سنّت نبوی، اشارات و ارشاداتی در مورد حفظ سلامتی آمده است. در مبحث مربوط به مسألۀ مزبور، نمونه‌هایی از این قبیل نقل شده، که به طور خلاصه عبارت است از:

1. دین اسلام به میانه‌روی در خوردن و نوشیدن توصیه نموده است؛
2. وجود اشاراتی فراوان برای حفظ سلامتی؛
3. ورود متون بسیاری دربارۀ مشروعیّت درمان و راهنمایی و ارشاد مردم بر این کار؛
4. ارشاد و سفارش مردم به جرّاحی پزشکی؛
5. پیامبر ج مردم را تشویق به فراگیری علم پزشکی و پیشرفت در آن کردند؛
6. کمک دانشمندان مسلمان به توسعه و پیشرفت علم پزشکی؛
7. از دیدگاه فقیهان، حفظ سلامتی یکی از مقاصد و اهداف شریعت است؛
8. اسلام پیش از آفرینش و تولید مثل، به سلامتی انسان اهمّیت داده است؛
9. بیان برخی امور درمانی؛
10. آداب غذاخوردن در دین اسلام، دارای اشارات بسیاری برای حفظ سلامتی است؛
11. شریعت اسلام قوانینی را برای حفاظت از حوادث تعیین کرده است.

12-5. اسلام و نظافت

در اصل تحقیق پیش رو، مبحثی به بیان مسائل متعدّد نظافت از دیدگاه اسلام اختصاص یافته است؛ از جمله:

1. بررسی حدیث مربوط به ویژگی‌های فطری؛
2. مطالب موجود دربارۀ مشروعیّت وضو؛
3. بیان و شرح مشروعیّت غسل؛
4. تشویق اسلام بر نظافت عمومی؛

هر یک از مباحث فوق، مورد شرح و تبیین قرار گرفته است.

13. صلح، همزیستی، مدارا، اجبار، خشونت، تروریسم و جهاد

13-1. اسلام و حفظ صلح جهانی

اسلام – چنانکه مشخّص است- دین صلح، خیر، عدالت و احسان بوده و حتّی در حالت جنگ که بنا به دلایلی منطقی و عقلی صورت می‌گیرد، این ویژگی‌ها باقی است.

بنابراین در غیر جنگ، موارد مذکور روشن‌تر و هویداتر خواهد بود. برخی از نشانه‌ها و جلوه‌های علاقۀ اسلام بر صلح و آسایش و امنیت و آزادی مردم، از این قرار است:

1. واژۀ «سلام» یا صلح از کلمات پرتکرار در دین اسلام است؛
2. اسلام به دنبال حفظ اموال است؛
3. اسلام قصد حفاظت از جان‌ها را دارد؛
4. اسلام تجاوز و ستم فرد بر خودش را نیز حرام کرده است؛
5. دین اسلام آزادی‌ها را تضمین و منظّم کرده است.

13-2. اسلام و همزیستی و مدارا

1. احکام اسلام منحصر بر رفتار مسلمانان در میان خودشان نیست، بلکه عام است و تمامی مردم را با وجود تفاوت در ادیان شامل می‌شود. در دین اسلام شیوۀ تعامل و برخورد با تمامی طبقات مردم؛ یعنی مسلمانان و دیگران بیان شده است.

این موضوع نشان می‌دهد که اسلام دینی قابل اجرا و واقعی است و نظریّاتی تمثیلی و نمادین نیست که با زندگی واقعی و شرایط مردم همخوانی نداشته باشد.

الله تعالی انسان‌ها را آفرید و مقرّر نمود که برخی از آنان، کافر و برخی مؤمن خواهند بود.

همچنین فرمان داد که مردم به سوی هدایت و رستگاری فرا خوانده شوند، امّا دعوتگران را مکلّف نساخت که مردم را به اجبار وارد دین حق کنند:

﴿إِنۡ عَلَيۡكَ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ﴾ [الشّورى: 48]

«بر [عهدۀ] تو فقط تبلیغ [رسالت] است.»

از این رو، قانون اختلاف در میان مردم پابرجا و موجود بوده و در قرآن کریم چنین آمده است:

﴿وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ ٱلنَّاسَ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗۖ وَلَا يَزَالُونَ مُخۡتَلِفِينَ١١٨ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ﴾ [هود: 118-119]

«و اگر پروردگارت می‌خواست، [همۀ] مردم را یک امّت قرار می‌داد، ولی [آنان] همواره متفاوت هستند، مگر کسی ‌که پروردگارت [بر او] رحم کند.»

این موضوع به معنای تایید باطل و پذیرش یا جواز تمامی مذاهب یا رضایت به آن‌ها و ردننمودن و بیان‌نکردن بطلانشان و دعوت‌نکردن آنان به سوی حقیقت نیست.

1. کسی که به متون شرعی و تاریخ مسلمانان دقّت نماید، روح تسامح و مدارا را در آن‌ها بسیار روشن و شفّاف می‌یابد.
2. در مبحث مربوط به این موضوع؛ یعنی در شرح تحقیق حاضر، مطالبی مختصر دربارۀ تسامح که تقریبا هم‌معنا با اصطلاح همزیستی است و نیز برخی از نمودهایش در شریعت روشن اسلام و تاریخ مسلمانان بیان شده است؛ آن هم با تبیین مفهوم تسامح، اهمّیت پژوهش دربارۀ تسامح و مدارای اسلامی، بیان اینکه تسامح اسلامی زائیدۀ فکر و مکارم اخلاق است، تعیین قوانینی عمومی برای تسامح در دین اسلام و نیز شهادت تاریخ بر مدارا و خوشرفتاری مسلمانان.

13-3. دیدگاه اسلام دربارۀ اجبار

در این مبحث، موارد زیر بررسی شده است:

1. مفهوم اکراه و اجبار؛
2. موضع اسلام نسبت به مخالفان؛
3. اجبارنکردن دیگران برای پذیرش دین اسلام؛
4. گواهی افراد غیرمسلمان بر تسامح و مدارای مسلمانان.

13-4. موضع اسلام نسبت به خشونت

1. عنف یعنی شدّت و خشونت و ستم در مواردی که نیاز به نرمی و مهربانی دارد.

عنف در اصطلاح جهان امروز به معنای خشونت در سخن و بیان و ... است که منافات با مدارا و مهربانی دارد.

در مبحثی که به این موضوع اختصاص یافته، دیدگاه اسلام دربارۀ خشونت و نیز نمونه‌هایی از نرمی پیامبر ج با مخالفان روشن گشته است.

1. موضع اسلام نسبت به خشونت: بدون تردید دین اسلام خشونت را رد نمود و مردم را از آن بر حذر داشت و آنان را از پیامد و عواقب بدش باخبر ساخت.

همان گونه که نرمی و مدارا را واجب گرداند و مردم را به این کار تشویق کرد.

متون فراوانی از قرآن و سنّت، به طور صریح یا تلویحی در این زمینه آمده و مردم را به مهربانی و ملایمت فرمان داده و آنان را از خشونت باز می‌دارد. یا اینکه نرمی و مدارا را ستوده و خشونت و درشتی را نکوهش کرده است. اسلام این موارد را در زمینه‌های مختلفی یادآورد شده است؛ همچون در عمل دعوت إلی الله، دعوت به تغییر و اصلاح یا در امور خصوصی و عمومی.

1. در مبحث مذکور، مواردی از متون شریعت که فرمان به نرمی و خوشرفتاری و ترک خشونت داده‌اند، بیان شده است.

13-5. جهاد در اسلام

1. حقیقت جهاد: شیخ عبدالرّحمان سعدی / می‌گوید: «جهاد یعنی تلاش و کوشش در هر کاری که باعث تقویت و اصلاح و یکپارچگی و اتّحاد مسلمانان ‌شود و تجاوز دشمنان را با هر روش و وسیله‌ای که ممکن باشد، دفع ‌کند یا کاهش دهد.»[[97]](#footnote-97)
2. انواع جهاد از دیدگاه اسلام: «جهاد بر دو نوع است: جهادی که هدف از آن، صلاح و مصلحت مسلمانان و اصلاح عقاید، اخلاق، آداب، تمامی امور دینی و دنیوی و رشد و تربیّت علمی و عملی آنان است.

اصل و پایۀ جهاد، همین نوع بوده و نوع دوم متّکی به آن است؛ یعنی جهادی که هدفش، دفع تجاوز دشمنان اسلام و مسلمانان؛ همچون کافران و ملحدان و تمامی دشمنان دین، و مقاومت در برابر آنان است.

این دو نوع با دلیل و برهان و زبان صورت می‌گیرد و نیز جهاد با سلاح در زمان و مکان مناسب.»[[98]](#footnote-98)

1. در مبحث مربوط به موضوع فوق، اهداف جهاد در اسلام، توضیح و مفهوم قید «في سبیل الله»، بررسی بخشی از سیرۀ نبوی دربارۀ جهاد، آداب جنگ از دیدگاه اسلام، ردّ اتّهامات وارده بر جهاد مسلمانان و نمونه‌هایی از اخلاق و خوشرفتاری مسلمانان در میدان نبرد روشن گشته و نیز بیان شده که پیامد و نتایج بد رفتار مسلمانانی که آداب جهاد را رعایت نمی‌کنند، بر خودشان و نه بر اسلام برمی‌گردد.

13-6. دیدگاه اسلام دربارۀ تروریسم

1. مفهوم لغوی ارهاب و ترور، ترساندن است.

از دیدگاه عالمان، این واژه بسیار مبهم و پیچیده است و هر کسی تفسیری از آن دارد.

همچنین اصطلاح مزبور در دوران معاصر، رواج بسیاری پیدا کرده و هیچ یک از واژگان سیاسی از نظر رواج و شهرت رسانه‌ای، این گونه نیست.

1. در شرح این تحقیق، تعریفات مختلفی برای اصطلاح مورد بحث بیان شده است.
2. همچنین موضع اسلام نسبت به ترور و تروریسم روشن گشته و به طور کلّی، موارد زیر مطرح شده است:

* حمایت از محدودۀ اسلام و دفاع از آن، ترور نیست؛
* دین اسلام از ترور و ارهابی که هدفش فساد در زمین باشد، به شدّت نهی کرده است.

14. ادلّه‌ای در اثبات حقّانیّت اسلام

این فصل - یعنی ادلّۀ حقّانیّت اسلام- در تمامی فصول و بخش‌ها و مباحث تحقیق پیش رو مورد بررسی قرار گرفته است، زیرا همۀ مطالب قبلی بیانگر حقّانیّت دین اسلام است. سخن دربارۀ ماهیّت اسلام، منابع قانونگذاری، ارکان اسلام، ایمان و علم غیب، پیامبر اسلام ج و گواهی افراد باانصاف به نفع دین و پیامبر اسلام، نظام سیاسی و اقتصادی و کیفری و اجتماعی و خانوادگی اسلام، دیدگاه دین دربارۀ عقل، کار، صلح، سلامت عمومی، نظافت و ... دلایلی واضح بر حقیقت و عظمت اسلام بوده و نشان می‌دهد که این دین از جانب پروردگار حکیم و علیم آمده است، چون هر یک از فصول این پژوهش و مباحث آن، دلایلی قاطع بر حقّانیّت اسلام و صداقت پیامبر ج است.

از این رو، مطالب فصل پیش رو تکمله و تاییدی بر مطالب و اشارات موجود در مباحث پیشین مبنی بر حقّانیّت دین اسلام است.

در فصل حاضر، اعجاز قرآن و سنّت نبوی و توصیف اسلام در کتاب‌های پیشین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

14-1. اعجاز در قرآن کریم

1. هر پیامبری معجزه‌ای دارد که دلیلی از ادلّۀ نبوّت و رسالتش بوده و نشان می‌دهد که وی فرستاده‌ای از جانب الله ﻷ است، چون بدون معجزه، حجّت الهی بر مخلوقات برای ایمان به پیامبرانش اثبات نمی‌گردد. هر اندازه هم که پیامبری دارای اخلاقی والا، همّتی عالی، استعدادی فراوان، ذهنی فعّال و منزلت و مقامی رفیع و شریف در میان قومش باشد، باز هم دلیلی کافی بر رسالت وی از جانب الله متعال نیست. عقل در صورتی باور و یقین و اعتراف به رسالتش می‌کند که معجزاتی از جانب الله تعالی بر دستانش آشکار شود و فراتر از اسباب و مسبّبات هستی عمل کند.
2. بدون تردید قرآن کریم معجزۀ بزرگی است که الله تعالی بوسیلۀ آن با همۀ مردم تحدّی نمود و فقط انسان‌های ستیزه‌جو و سرکش با این حجّت بالغۀ الهی مخالفت می‌کنند.
3. قطعا قرآن کریم اعجازآور و معجزه است و برخی از پژوهشگران معتقدند که اعجاز این کتاب آسمانی عام و فراگیر بوده و از این انواع نام می‌برند: اعجاز بیانی، اعجاز علمی - تجربی، اعجاز تشریعی و اعجاز غیبی؛ مشهورترین انواع اعجاز قرآنی از دیدگاه محقّقان، همین موارد است.
4. امّا برترین و مهم‌ترین نوع اعجاز، همان است که قرآن کریم بوسیلۀ آن با قوم عرب تحدّی نمود؛ یعنی بلاغت قرآن و زیبایی بیانش. بنابراین تحدّی بزرگ با لفظ و نظم این کتاب آسمانی صورت گرفت.[[99]](#footnote-99)
5. اعجاز علمی- تجربی: مراد از این نوع اعجاز قرآنی، آیاتی است که دربارۀ قوانین الهی در هستی و نظام آن و انواع عنایت و توجّه الله متعال نسبت به مخلوقات بیان شده است.
6. شیوۀ دلالت اعجاز علمی – تجربی قرآن بر الهی‌بودن خاستگاهش را این گونه می‌شود بیان کرد: اشارات فراوانی که در این زمینه بیان شده، به حدّی است که نسل‌های زیادی از عالمان نمی‌توانند از تمامی آن‌ها آگاه شوند هر چند وسایل و امکانات و تلاش‌های فراوانی را به کار گیرند.
7. سخن از اعجاز تشریعی قرآن به معنای بیان نظام جاوید هستی و موجودات است. ذاتی که این جهان را از نیستی به وجود آورد و مخلوقات بیشماری را در آن قرار داد و انسان را بهترین مخلوقات گردانید، برای این مخلوق برتر، قانونی در زندگی تعیین کرد تا رفتارش را در دنیا سامان دهد و رابطۀ وی با پروردگارش را منظّم کند. همچنین الله تعالی بر حسب رفتار آدمی و اجرای این قانون مهمّ الهی، نتایجی دنیوی و اخروی را مقرّر ساخته، به گونه‌ای که انسان در دنیا به آرامش و عزّت رسد و احساس سربلندی کند و حکمت الهی و فلسفۀ آفرینش و برتری خویش بر سایر مخلوقات را بداند.
8. اعجاز تشریعی به روشنی اثبات می‌کند که قرآن، کلام الهی بوده و آن را بر قلب بنده و فرستاده‌اش؛ محمّد ج نازل کرده تا مردم را تاریکی‌های انحراف و گمراهی و بدبختی بیرون آورد و به سوی نور ایمان و هدایت و تمسّک به ریسمان محکم الهی ببرد.
9. اعجاز غیبی در قرآن کریم شامل امور غیب گذشته، زمان حاضر و آینده می‌شود.

14-2. اعجاز در سنّت نبوی

1. آنچه دربارۀ اعجاز علوم، اخبار غیبی گذشته و آینده، حکمت‌ها، احکام، نظم، قوانین و سایر موارد قرآن گفته می‌شود، در مورد سنّت نیز صدق می‌کند، زیرا قرآن و سنّت از جانب الله تعالی بوده و رسول‌الله ج از روی هوی و هوس سخنی نگفته‌اند، بلکه وحی پروردگار را به مردم رسانده‌اند.

این مطلب در مبحث مربوط به سنّت نبوی و نیز در بخش پیشین؛ یعنی در مباحث اعجاز تشریعی و علمی و غیبی قرآن کریم بیان گردید. همچنین در مبحث مربوط به سلامت و نظافت از دیدگاه اسلام و سایر مباحث، مطالبی در این زمینه آورده شد.

1. بدون تردید سخنان پیامبر ج در اوج فصاحت و بلاغت قرار داشته و هیچ مخلوقی نمی‌تواند در این زمینه با ایشان رقابت نماید.

امّا این بلاغت به اندازۀ اعجازی که مختصّ قرآن مجید است، نیست.

1. معجزات پیامبر ج تقسیم به حسّی و معنوی می‌شوند و در کتاب اصلی، هر یک از این انواع بیان و بررسی گشته‌اند.
2. در همان مبحث، شیوه‌های اثبات این معجزه‌های به گونه‌ای که مفید علم قطعی و یقینی باشند، آمده است.
3. بدون تردید الله تعالی بر دستان پیامبرمان محمّد ج معجزاتی آشکار و نشانه‌هایی روشن را جاری ساخت، که اگر کسی به دنبال حقیقت باشد و به آن‌ها دقّت نماید، قطعا به وی خواهند فهماند که شهادت و تاییدی صادقانه از جانب الله متعال برای رسول الله ج هستند.

برخی از عالمان، معجزات پیامبر ج را بیش از 1000 تا دانسته‌اند و در این زمینه، کتاب‌هایی نگاشته شده و عالمان آن‌ها را شرح و بیان کرده‌اند.[[100]](#footnote-100)

در مبحث مذکور، تعدادی از این معجزات بیان شده‌اند.

14-3. اسلام در کتاب‌های آسمانی پیشین

1. در ابتدا، مقدّمه‌ای دربارۀ اینکه اسلام دین تمامی پیامبران † بوده و نیز گواهی قرآن بر بیان اسلام در کتاب‌های قبلی، آورده شده است.
2. می‌توان گفت یکی از بزرگ‌ترین دلایل بر حقّانیّت اسلام و صحّت احکام و قوانین آن، هدایت بسیاری از دانشمندان اهل کتاب به دین اسلام است و نیز گواهی آنان بر اینکه اسلام دین خاتم و بر حق بوده و علاوه بر این، بشارت‌های کتاب‌های آسمانی پیشین را مبنی بر ظهور دین و پیامبری جدید و امّتی برگزیده بیان کرده‌اند.
3. در مبحثی که به این مطلب اختصاص یافته، هدایت برخی عالمان اهل کتاب به اسلام و معرّفی تعدادی از آنان بیان شده است.
4. قطعا کتاب‌های آسمانی پیشین در مواضع بسیاری، بشارت آمدن دین اسلام و ظهور پیامبر ج را داده بودند و شواهد بیشماری در این زمینه وجود دارد.

در مبحث مزبور، تعدادی از بشارت‌های کتاب‌های آسمانی پیشین در این زمینه آورده شده است.

1. بدون تردید کتاب‌های پیشین و در دسترس اهل کتاب، صراحتا از مکّۀ مکرّمه و کعبۀ مشرّفه نام برده‌ و آن دو را توصیف کرده‌اند، به گونه‌ای که تردیدی در صداقت نبوّت محمّد ج و اینکه از مکّه مبعوث گشتند، باقی نگذاشته‌اند و نیز مردم را به گرامیداشت کعبه و حجّ بیت الله فرا خوانده‌اند.
2. در آن مبحث، برخی از صفات بیت الله و مکّۀ مکرّمه آمده و بیشتر این صفات با آوردن عین عبارات و بعضی با نقل مفهوم بیان شده‌اند.
3. همچنین تعدادی از بشارت‌های کتاب‌های قبلی در مورد مکّه و کعبه روشن گشته است.
4. توصیف امّت اسلام؛ یعنی امّت محمّد ج در کتاب‌های پیشین به گونه‌ای آمده که تردیدی در این زمینه باقی نمی‌گذارد که آنان همان امّت مختار و برگزیده و مورد توصیف در بشارت‌های پیامبران قبلی هستند.

در مبحث مربوط به موضوع فوق، برخی از بشارت‌های کتاب‌های آسمانی در این زمینه بیان شده است.

گزیده‌ای از مباحث تحقیقی که به منظور معرّفی اسلام نوشته شده بود، بیان گشت.

از الله قادر درخواست دارم که این کتاب را مفید و خالص برای رضای خویش قرار دهد.

والحمد لله ربّ العالمین، وصلّى الله وسلّم على نبیّنا محمّد صلى الله عليه وسلم وعلى آله وصحبه أجمعین.

فهرست منابع[[101]](#footnote-101)

1. الإبانة عن شریعة الفرقة النّاجیّة ومجانبة الفرق المذمومة، ابن بطّه عکبری، تحقیق و بررسی: رضا بن نعسان معطی، چ 2، 1409 هـ.
2. أثر العلماء المسلمین في الحضارة الغربیّة، احمد علی ملا، دارالفکر، دمشق، چ 2، 1401 هـ/ 1981 م.
3. الإجماع، ابن منذر، تحقیق: فؤاد عبدالمنعم احمد، دارالمسلم للنّشر والتّوزیع، چ 1، 1425 هـ/ 2004 م.
4. أحکام الجان، ابوعبدالله بدرالدّین محمّد بن عبدالله شبلی، تحقیق و بررسی: سید جمیلی، دار ابن زیدون، بیروت، چ 1.
5. أحکام الجراحة الطّبّیّة والآثار المترتّبة علیها، محمّد مختار شنقیطی، مکتبة الصّحافة، جدّه، چ 2، 1415 هـ/ 1994 م.
6. أحکام الزّواج في ضوء الکتاب والسّنّة، عمر أشقر، دارالنّفائس، اردن، چ 1، 1418 هـ/ 1997 م.
7. إحیاء علوم الدّین، ابوحامد غزالی، دارالرّیّان للتّراث.
8. أخبار الآحاد في الحدیث النّبوي؛ حجّیّتها- مفادّها- العمل بموجبها، عبدالله جبرین، دار طیّبة للنّشر والتّوزیع، ریاض، چ 1، 1408 هـ/ 1987 م.
9. أخبار مکّة في قدیم الدّهر وحدیثه، محمّد بن اسحاق فاکهی، بررسی و تحقیق: عبدالله بن عبدالله بن دهیش، مکتبة ومطبعة النّهضة الحدیثة، مکّۀ مکرّمه، چ 1، 1407 هـ.
10. أخلاقنا الإجتماعیّة، مصطفی سباعی، المکتب الإسلامي، چ 2، 1392 هـ.
11. أخلاق النّبي ج، ابوالشّیخ اصفهانی، تحقیق: عصام الدّین صبابطی.
12. الأخلاق والسّیر في مداواة النّفوس، ابن حزم، دار الکتب العلمیّة، بیروت، لبنان، چ 2، 1405 هـ/ 1985 م.
13. آداب الحرب في الإسلام، محمّد خضر حسین، گردآوری و بازبینی: علی رضا حسینی، الدّار الحسینیّة للکتاب، چ 3، 1413 هـ/ 1993 م.
14. الآداب الشّرعیّة والمنح المرعیّة، ابن مفلح مقدسی، مکتبة ابن تیمیّه، قاهره، بی‌تا.
15. أدب الدّنیا والدّین، ماوردی، تحقیق: محمّد صباح، دار مکتبة الحیاة، بیروت، 1987 م.
16. أدب المسلم في العادات والعبادات والمعاملات، محمّد مبیض، دار ابن کثیر، چ 2، 1413 هـ.
17. الأذکار المنتخبة من کلام سیّد الأبرار ج، ابوزکریّا محیی الدّین بن شرف نووی، مکتبة الرّیاض الحدیثة.
18. الإرهاب؛ دوافعه وعلاجه، محمّد شویعر، ریاض، چ 2، 1426 هـ/ 2005.
19. أسباب الشّفاء من الأسقام والأهواء، ابواسحاق عراقی، مکتبة الجامعة، مطبعة البغدادي العراقي، 1425 هـ/ 2004 م.
20. الاستذکار، ابن عبدالبرّ، دار قتیبة، دمشق- بیروت، چ 1، 1414 هـ/ 1993 م.
21. الاستقامة، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: محمّد رشاد سالم، مکتبة السّنّة.
22. الإسلام في نظر أعلام الغرب، حسین عبدالله باسلامه، تهامه، جدّه، چ 2، 1403 هـ/ 1983 م.
23. الإسلام وبناء المجتمع، حسن ابوغدّه و دیگران، مکتبة الرّشد، چ 3، 1427 هـ/ 2006 م.
24. أصول الدّین، عبدالقاهر بغدادی، تحقیق: لجنة إحیاء التّراث العربي في دار الآفاق الجدیدة، بیروت، چ 1، 1401 هـ/ 1981 م.
25. أصول النّظام الاجتماعي في الإسلام، محمّد طاهر بن عاشور، دار السّلام- دار سحنون، تونس – قاهره، چ 2، 1427 هـ/ 2006 م.
26. إعجاز القرآن، ابوبکر باقلانی، تقدیم و شرح و تعلیق: محمّد شریف سُکَّر، دار إحیاء العلوم، بیروت، چ 2، 1411 هـ/ 1990 م.
27. إعجاز القرآن والبلاغة النّبویّة، مصطفی صادق رافعی، دار الکتاب العربي، چ 9، 1393 هـ/ 1973 م.
28. أعلام السّنة المنشورة لاعتقاد الطّائفة النّاجیّة المنصورة، یا 200 سؤال في العقیدة الإسلامیّة، حافظ حکمی، تخریج احادیث و تعلیق: مصطفی ابونصر شلبی، مکتبة السّوادي، جدّه، چ 3، 1410 هـ.
29. إعلام الموقعین عن ربّ العالمین، ابن قیّم، دارالکتب العلمیّة، بیروت.
30. أعلام النّبوّة، ابوالحسن علی ّ بن محمّد ماوردی، تقدیم و شرح و تعلیق: محمّد شریف سُکَّر، دار إحیاء العلوم، بیروت، چ 1، 1408 هـ/ 1988 م.
31. إغاثة اللّهفان من مصاید الشّیطان، ابن قیّم جوزیّه، تحقیق: محمّد حامد فقی.
32. أفول شمس الحضارة الغربیّة، مصطفی فوزی غزال، دار السّلام للطّباعة والنّشر، چ 1، 1406 هـ/ 1986 م.
33. اِقتضاء الصّراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: ناصر عقل، مکتبة الرّشد، ریاض، چ 2، 1411 هـ/ 1991 م.
34. اقتصادیات الغنی في الإسلام، عمر مرزوقی، جامعة الملک سعود، عمادة البحث العلمي، 1423 هـ.
35. الإقناع، حجاوی، تحقیق: عبداللّطیف محمّد موسی سبکی، دار المعرفة، بیروت، لبنان.
36. الأمراض الجنسیّة؛ أسبابها وعلاجها، محمّد علی البار، دار المنارة، جدّه، چ 2، 1406 هـ.
37. الأمراض الجنسیّة، سیف الدّین شاهین، چ 4، 1409 هـ.
38. الأمراض الجنسیّة؛ عقوبة إلهیّة، عبدالحمید قضاه، دار النّشر الطّبّیّة، لندن، چ 1، 1405 هـ/ 1985 م.
39. الأمراض الجنسیّة، نبیل طویل، مؤسّسة الرّسالة، چ 2، 1402 هـ.
40. الأم، امام شافعی /، دار المعرفة، بیروت، چ 2، 1393 هـ.
41. الأموال، ابوعبید قاسم بن سلام، تحقیق: محمّد خلیل هراس، دار الفکر، بیروت، 1408 هـ/ 1988 م.
42. الانحرافات الجنسیّة وأمراضها، فایز الحاج، المکتب الإسلامي، چ 1، 1403 هـ.
43. الأنوار في شمائل النّبيّ المختار، بغوی، تحقیق: ابراهیم یعقوبی.
44. أهل الذّمّة في الحضارة الإسلامیّة، حسن ممی، دار الغرب الإسلامي، چ 1، 1998 م.
45. أهل الذّمّة والولایات العامّة في الفقه الإسلامي، گردآوری: نمر محمّد خلیل نمر، المکتبة الإسلامیّة، عمّان، اردن، چ 1، 1409 هـ.
46. إیقاظ الفکرة بمراجعة الفطرة، محمّد بن اسماعیل؛ امیر صنعانی، تحقیق و تعلیق و تخریج احادیث: محمّد صبحی بن حسن حلاق، دار ابن حزم، چ 1، 1402 هـ/ 1999 م.
47. الإیمان بالقضاء والقدر، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، چ 3، 1419 هـ/ 1998 م.
48. الإیمان بالیوم الآخر، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، چ 2، 1423 هـ/ 2002 م.
49. البحث الصّریح في أیّما هو الدّین الصّحیح، زیاده بن یحیی راسی، تحقیق: سعود بن عبدالعزیز خلف، الجامعة الإسلامیّة بالمدینة المنوّرة، عمادة البحث العلمی، چ 1، 1423 هـ/ 2003 م.
50. بدائع الصّنائع في ترتیب الشّرائع، کاسانی، دار الکتب العلمیّة، بیروت، چ 2، 1406 هـ/ 1986 م.
51. بدائع الفوائد، ابن قیّم، مکتبة الرّیاض.
52. بدایة المجتهد ونهایة المقتصد، ابن رشد، مکتبة الکلّیّات الأزهریّة، 1386 هـ/ 1966 م.
53. البدایة والنّهایة، ابن کثیر، تحقیق: احمد عبدالوهاب فتیح، دار زمزم، ریاض، 1414 هـ، و تحقیق: احمد ابوملحم و همکاران، دار الکتب العلمیّة، چ 3، 1407 هـ.
54. البدایة والنّهایة، ابن کثیر، تحقیق: عبدالله ترکی، دار هجر، چ 1، 1419 هـ/ 1998 م.
55. بغیة الإیضاح لتلخیص المفتاح في علوم البلاغة، عبدالمتعال صعیدی، مکتبة الآداب، قاهره، 1420 هـ/ 1999 م.
56. بلاغة القرآن، محمّد خضر حسین، گردآوری و بازبینی: علی رضا حسینی، الدّار الحسینیّة، 1417 هـ/ 1997 م.
57. بهجة قلوب الأبرار وقرّة عیون الأخیار في شرح جوامع الأخبار، عبدالرّحمان بن سعدی، تخریج احادیث: بدر البدر، مکتبة السّندس، چ 3، 1408 هـ.
58. البیان في علوم القرآن، محمّد بن علی حسن و سلیمان قرعاوی، مؤسّسة بیسان و البدر، دبی.
59. البیان والتّبیین، جاحظ، تحقیق و شرح: عبدالسّلام هارون، مکتبة الخانجي، قاهره.
60. تاریخ الطّبري، ابوجعفر محمّد بن جریر طبری، دار الکتب العلمیّة، بیروت.
61. تاریخ الکنیسة الشّرقیّة، میشل یتیم و ارشمندریت أغناطیوس دیک، المکتبة البولیسیّة، لبنان، چ 4، 1999 م.
62. تاریخ مدینة السّلام، خطیب بغدادی، تحقیق و بازبینی و تعلیق: بشّار عوّاد معروف، دار الغرب الإسلامي، چ 1، 1422 هـ/ 2001 م.
63. تأویل مشکل القرآن، ابن قتیبه، شرح و انتشار: سید احمد صقر، المکتبة العلمیّة، بیروت.
64. التّبیان في أقسام القرآن، ابن قیّم، تحقیق: محمّد شریف سُکَّر، دار إحیاء العلوم، بیروت، چ 1، 1409 هـ.
65. التّحفة المهدیّة شرح الرّسالة التّدمریّة، فالح بن مهدی آل‌مهدی، چ 2، 1406 هـ.
66. تحفة المودود في أحکام المولود، ابن قیّم، تحقیق: بشیر عیون، مکتبة دار البیان، توزیع: مکتبة المؤیّد، چ 2، 1407 هـ.
67. التّدمریّة؛ تحقیق الإثبات للأسماء والصّفات وحقیقة الجمع بین القدر والشّرع، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: محمّد بن عوده سعوی، چ 1، 1405 هـ.
68. تذکرة السّامع والمتکلّم في أدب العالم والمتعلّم، ابن جماعه کنانی، تعلیق: سید محمّد محمّد هاشم ندوی، رمادی للنّشر، المؤتمن للتّوزیع، چ 2، 1416 هـ/ 1995 م.
69. التّذکرة في أحوال الموتی وأمور الآخرة، قرطبی، دار الفکر، لبنان، بیروت.
70. تربیّة الأولاد في الإسلام، عبدالله ناصح علوان، دار السّلام، چ 9.
71. تعریف عام بدین الإسلام، علی طنطاوی، دار الوفاء للطّباعة والنّشر، منصوره، چ 11، 1408 هـ/ 1987 م.
72. تعریف عام بدین الإسلام المسمّی: رسائل السّلام ورسل الإسلام، یوسف دجوی، دار ابن کثیر- دار القادري، دمشق – بیروت.
73. التّعریفات، شریف علیّ بن محمّد جرجانی، دار الکتب العلمیّة، بیروت، لبنان، 1416 هـ/ 1995 م.
74. تفسیر ابن أبی حاتم، عبدالرّحمان بن ابی حاتم رازی، تحقیق: أسعد محمّد طیّب، المکتبة العصریّة، صیدا.
75. تفسیر أبي السّعود «إرشاد العقل السّلیم إلی مزایا القرآن العظیم»، ابوالسّعود محمّد بن محمّد عماد، دار الإحیاء والتّراث العربي، بیروت.
76. تفسیر بغوی «معالم التّنزیل»، امام بغوی، تحقیق: محمّد بن عبدالله نمر، عثمان جمعه ضمیریّه و سلیمان حرش، دار طیّبة، چ 1، 1409 هـ/ 1989 م.
77. تفسیر التّحریر والتّنویر، علّامه محمّد طاهر بن عاشور، دار سحنون للنّشر والتّوزیع، تونس.
78. تفسیر قاسمی «محاسن التّأویل»، محمّد جمال الدّین قاسمی، دار الفکر، بیروت، چ 2، 1398 هـ/ 1978 م.
79. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، دار الجیل، بیروت، چ 1، 1408 هـ/ 1988 م.
80. التّنبیهات اللّطیفة علی ما احتوت علیه العقیدة الواسطیّة من المباحث المنیفة، علّامه عبدالرّحمان بن سعدی، تعلیق: عبدالعزیز بن باز، تخریج: علیّ بن حسن بن عبدالحمید حلبی، دار ابن قیّم، چ1، 1409 هـ.
81. تنبیه الأفاضل علی ما ورد في زیادة العمر ونقصانه من الدّلائل، امام شوکانی، تعلیق و تخریج: مشهور بن حسن سلمان، دار ابن حزم، بیروت، چ 1، 1410 هـ.
82. تهذیب الأخلاق، جاحظ، بازبینی و تعلیق: ابوحذیفه ابراهیم بن محمّد، دار الصّحابة للتّراث، طنطا، چ 1، 1400 هـ/ 1989 م.
83. توضیح الأحکام من بلوغ المرام، عبدالله بسّام، مکتبة الأسدي، مکّۀ مکرّمه، چ 5، 1423 هـ/ 2003 م.
84. التّوبة وظیفة العمر، محمّد حمد، دار ابن خزیمه، چ 1، 1421 هـ/ 2000 م.
85. تیسیر العزیز الحمید شرح کتاب التّوحید، سلیمان بن عبدالله بن محمّد بن عبدالوهّاب، المکتب الإسلامي، چ 8، 1409 هـ.
86. تیسیر العلّام شرح عمدة الأحکام، عبدالله بسّام، مکتبة جدّة، چ 7، 1407 هـ/ 1987 م.
87. تیسیر الکریم الرّحمن في تفسیر کلام المنّان، عبدالرّحمان سعدی، بازبینی: سعد بن فواز صمیل، دار ابن جوزی، دمّام، چ 2، 1426 ه.
88. تیسیر اللّطیف المنّان في خلاصة تفسیر القرآن، ابن سعدی، مکتبة الأقصی، عنیزه، چ 2، 1409 هـ.
89. تیسیر الوصول إلی علم الأصول، عبدالرّحیم یعقوب، مکتبة العبیکان، ریاض، چ 1، 1424 هـ.
90. جامع بیان العلم وفضله، ابن عبدالبرّ، دار الفکر.
91. جامع الرّسائل، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: محمّد رشاد سالم، مطبعة المدني، چ 1، 1405 هـ.
92. الجامع الصّحیح في القدر، مقبل بن هادی وادعی، مکتبة ابن تیمیّه، قاهره.
93. جامع العلوم والحکم، ابن رجب حنبلی، تحقیق: شعیب أرناؤوط و ابراهیم باجس، مؤسّسة الرّسالة، چ 2، 1412 هـ/ 1991 م.
94. جذوة المقتبس في ذکر ولاة الأندلس، محمّد بن فتوح أزدی، الدّار المصریّة للتّألیف والتّرجمة، 1966 م.
95. الجراحة الصّغری، رضوان بابولی و أنطوان دولی، منشورات جامعة حلب، دانشکدۀ حلب، 1407 هـ.
96. جلاء الأفهام في الصّلاة والسّلام علی خیر الأنام، ابن قیّم، دار الکتب العلمیّة، بیروت، لبنان.
97. الجنّة والنّار، عمر أشقر، دار النّفائس، اردن، چ 12، 1423 هـ/ 2002 م.
98. الجواب الصّحیح لمن بدّل دین المسیح، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: علی حسن ناصر و همکاران، دار العاصمة، ریاض، چ 1، 1414 هـ.
99. الجواب الکافي لمن سأل عن الدّواء الشّافي؛ الدّاء والدّواء، ابن قیّم، تحقیق و تعلیق: عامر بن علی یاسین، دار ابن خزیمة، ریاض، چ 1.
100. جوامع السّیرة النّبویّة، ابن حزم اندلسی، دار الکتب العلمیّة، بیروت، چ 1، 1403 هـ/ 1983 م.
101. جوامع الآداب في أخلاق الأنجاب، جمال الدّین قاسمی، مؤسّسة قرطبة.
102. جواهر الإکلیل شرح مختصر خلیل مذهب مالک، صالح بن عبدالسّمیع الأبی، دار إحیاء الکتب العربیّة، قاهره.
103. حاشیة ردّ المحتار علی الدّرّ المختار شرح تنویر الأبصار، خاتمة المحقّقین محمّد امین مشهور به ابن عابدین علی، دار الفکر، چ 2، 1386 هـ/ 1966 م.
104. حاشیة السّندي علی النّسائي، ابوالحسن سندی، تحقیق: عبدالفتّاح ابوغدّه، مکتب المطبوعات الإسلامیّة، حلب، چ 2، 1406هـ/ 1986 م.
105. الحبائك في أخبار الملائك، سیوطی، دار الکتب العلمیّة، بیروت، چ1، 1405 هـ/ 1985 م.
106. الحج، عبدالله طیّار، مکتبة التّوبة، ریاض، چ 1، 1412 هـ/ 1992 م.
107. حدائق الأنوار ومطالع الأسرار في سیرة النّبيّ المختار، ابن دیبع شیبانی شافعی، تحقیق: عبدالله بن ابراهیم انصاری، انتشار با هزینۀ: خلیفه بن حمد آل ثانی؛ امیر دولت قطر.
108. الحرّیّة في الإسلام، محمّد خضر حسین، دار الإعتصام.
109. حقوق الإنسان في الیهودیّة والمسیحیّة والإسلام مقارنة بالقانون الدّولي، خالد بن محمّد شنیبر، کرسيّ الأمیر سلطان بن عبدالعزیز للدّراسات الإسلامیّة المعاصرة، چ 1، 1430 هـ/ 2009 م.
110. حقوق غیر المسلمین في الدّولة الإسلامیّة، علیّ بن عبدالرّحمان طیّار، چ 1، 1425 هـ/ 2004 م.
111. الحکمة والتّعلیل في أفعال الله، محمّد بن ربیع مدخلی، مکتبة لینة للنّشر والتّوزیع، دمنهور، 1409 هـ.
112. حلیة الأولیاء، ابونعیم اصفهانی، دار الکتب العلمیّة، بیروت.
113. الحوار؛ آدابه وتطبیقاته في التّربیّة الإسلامیّة، خالد بن محمّد مغامسی، مرکز الملک عبدالعزیز للحوار الوطني، ریاض، چ 3، 1428 هـ/ 2007 م.
114. الحوار في السّیرة النّبویّة، محمّد حمد، إدارة الثّقافة الإسلامیّة، کویت، 2010 م.
115. الخصائص الکبری؛ کفایة الطّالب اللّبیب في خصائص الحبیب، حافظ جلال الدّین سیوطی، تحقیق: محمّد خلیل هراس، دار الکتب الحدیثة، خیابان جمهوری در شهر عابدین.
116. خطوات في فقه التّعایش والتّجدید، هانئ احمد فقیه، دار الفتح للدّراسات والفتح، چ 1، 1431 هـ/ 2010 م.
117. خلاصة السّیرة النّبویّة و حقیقة الدّعوة الإسلامیّة، محمّد رشید رضا، تصحیح و تعلیق: عبدالله سید احمد حجاج، 1400 هـ/ 1980 م.
118. دائرة المعارف الکتابیّة، تالیف: گروهی از متکلّمان، دار الثّقافة، مصر، بخش‌های هفتگانۀ آن، با چاپ‌های متفاوتی منتشر شده است.
119. درء تعارض العقل والنّقل، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: محمّد رشاد سالم، جامعة الإمام محمّد بن سعود الإسلامیّة، چ 1، 1401 هـ/ 1981 م.
120. دراسات في الأدیان: الیهودیّة والنّصرانیّة، سعود بن عبدالعزیز خلف، مکتبة أضواء السّلف، چ 1، 1422 هـ/ 2002 م.
121. دروس وعبر من سیرة خیر البشر محمّد ج، زهیر محمّد عفانه، دار النّقاش، چ 1، 1425 هـ/ 2005 م.
122. الدّعاء؛ مفهومه- أحکامه- أخطاء تقع فیه، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، چ 3، 1430 هـ/ 2009 م.
123. دع القلق وابدأ الحیاة، دیل کارنگی، ترجمۀ عربی: عبدالمنعم محمّد زیادی، مکتبة الخانجي، قاهره، 1980 م.
124. الدّعوة إلی الإسلام، توماس آرنولد، ترجمۀ عربی: حسن ابراهیم حسن، مکتبة النّهضة المصریّة، چ 3، 1970 م.
125. الدّعوة إلی الإصلاح، محمّد خضر حسین، تحقیق: علی رضا حسینی، الدّار الحسینیّة للکتاب، چ 3، 1410 هـ/ 1990 م.
126. دعوة التّوحید؛ أصولها- الأدوار الّتي مرّت بها- مشاهیر دعاتها، محمّد خلیل هراس، مکتبة الصّحابة، طنطا.
127. دفع إیهام الإضطراب عن آیات الکتاب، محمّد امین شنقیطی، مطابع الرّیاض، چ 1، 1375 هـ.
128. الدّلائل القرآنیّة في أنّ العلوم النّافعة داخلة في الدّین الإسلامي، عبدالرّحمان سعدی، مؤسّسة الرّسالة، مکتبة الرّشد، چ 2، 1403 هـ/ 1983 م.
129. دلائل النّبوّة ومعرفة أحوال صاحب الشّریعة، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، بازبینی و تخریج و تعلیق: عبدالمعطی قلعجی، دار الکتب العلمیّة، بیروت، لبنان، چ 1، 1405 هـ/ 1985 م.
130. الدّین الصّحیح یحلّ جمیع المشاکل، عبدالرّحمان سعدی، مکتبة دار الأقصی، کویت، چ 1، 1406 هـ/ 1986 م.
131. دیوان الأعشی الکبیر، میمون بن قیس، شرح و تحقیق: محمّد محمّد حسین، مکتبة الآداب، جمامیز.
132. ذیل طبقات الحنابلة، ابن رجب حنبلی، مطبعة السّنّة المحمّدیّة، تحقیق: محمّد حامد فقی، 1372 هـ.
133. الرّحمة والعظمة في السّیرة النّبویّة، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، ریاض، چ 1، 1428 هـ/ 2007 م.
134. الرّدّ علی البکری، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: محمّد علی عجال، مکتبة الغرباء الأثریّة، مدینۀ منوّره، چ 1، 1417 هـ.
135. الرّدّ علی من قال بفناء الجنّة والنّار، وبیان الأقوال في ذلک، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، بررسی و تحقیق: محمّد بن عبدالله سمهری، دار بلنسیّة، چ 1، 1415 هـ/ 1995 م.
136. رسائل الإصلاح، محمّد خضر حسین، دار الإصلاح، سعودی، دمّام.
137. رسائل في العقیدة، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، چ 1، 1423 هـ/ 2002 م.
138. رسائل في العقیدة، محمّد بن صالح عثیمین، دار طیّبة، ریاض، چ 2، 1406 هـ.
139. الرّسالة، امام شافعی /، تحقیق: احمد محمّد شاکر، دار الکتب العلمیّة.
140. رسالة إبن القیّم إلی أحد إخوانه، ابن قیّم، تحقیق: عبدالله بن محمّد مدیفر، چ 1، 1420 هـ.
141. الرّسالة المحمّدیّة، سید سلیمان ندوی، مکتبة دار الفتح، دمشق، چ 2، 1383 هـ/ 1963 م.
142. الرّسل والرّسالات، عمر أشقر، مکتبة الفلاح، کویت، چ 3، 1405 هـ/ 1985م.
143. رمضان؛ دروس وعبر تربیّة وأسرار، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، چ 2، 1422 هـ/ 2003 م.
144. روائع الطّبّ الإسلامي، محمّد نزار دقر، موجود در اینترنت.
145. الرّوح، ابن قیّم، دار الکتب العلمیّة، بیروت، 1395 هـ/ 1975 م.
146. الرّوض الأنف في تفسیر السّیرة النّبویّة لابن هشام، ابوالقاسم عبدالرّحمان بن عبدالله بن ابی الحسن خثعمی سهیلی، به همراه السّیرة النّبویّة از معافری، تعلیق و حاشیه‌نویسی: مجدی بن منصور بن سید شوری، منشورات محمّد علی بیضون، دار الکتب العلمیّة، بیروت، لبنان، چ 1، 1418 هـ/ 1997 م.
147. روضة الطّالبین وعمدة المفتین، نووی، المکتب الإسلامي، بیروت، 1405 هـ.
148. ریاض الصّالحین، ابوزکریّا یحیی نووی، تحقیق: حسّان عبدالمنّان، دار طیّبة، المکتبة الإسلامیّة، چ 1، 1412 هـ.
149. الرّیاض النّاضرة والحدائق الزّاهرة في العقائد والفنون المتنوّعة الفاخرة، عبدالرّحمان سعدی، تصحیح و بازبینی و تعلیق: اشرف بن عبدالمقصود بن عبدالرّحیم، مؤسّسة قرطبة.
150. زاد المسیر في علم التّفسیر، ابن جوزی، المکتب الإسلامي، چ 4، 1407 هـ/ 1987 م.
151. زاد المعاد في هدي خیر العباد، ابن قیّم، تحقیق و تعلیق: شعیب أرناؤوط و عبدالقادر أرناؤوط، مؤسّسة الرّسالة، چ 15، 1407 هـ/ 1987 م.
152. سبل السّلام، صنعانی، مکتبة مصطفی البابي الحلبي، چ 4، 1379هـ/ 1960م.
153. سبل الهدی والرّشاد في سیرة خیر العباد، محمّد بن یوسف صالحی شامی، تحقیق و تعلیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمّد معوض، توزیع: مکتبة عبّاس احمد الباز، مکّۀ مکرّمه، دار الکتب العلمیّة، بیروت، لبنان، چ 1، 1414 هـ/ 1993 م.
154. السّنّة، ابن ابی عاصم، تحقیق: محمّد ناصر الدّین آلبانی، المکتب الإسلامي، چ 1، 1400 هـ.
155. السّنّة ومکانتها في التّشریع الإسلامي، مصطفی سباعی، مکتبة دار المعرفة، قاهره، چ 1، 1380 هـ/ 1961 م.
156. سنن التّرمذی، احمد شاکر و دیگران، دار إحیاء التّراث العربي، بیروت.
157. سنن التّرمذی، دار الدّعوة، دار سحنون، چ 2.
158. سنن الدّارمي، امام دارمی، دار المغني، ریاض، چ 1، 1421 هـ/ 2000 م.
159. سنن أبي داود، دار الدّعوة، دار سحنون، چ 2.
160. سنن أبي داود، محمّد محیي الدّین عبدالحمید، دار الفکر.
161. سنن ابن ماجه، شماره‌گذاری: محمّد عبدالباقی، دار الدّعوة، دار سحنون، چ 2.
162. سنن ابن ماجه، محمّد فؤاد عبدالباقی، دار الفکر.
163. سنن النّسائي، تحقیق: عبدالفتّاح ابوغدّه، مکتب المطبوعات الإسلامیّة، حلب، چ 2، 1406 هـ.
164. سوء الخلق؛ مظاهره، أسبابه، علاجه، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، چ 2، 1417 هـ/ 1996 م.
165. سیرة عمر بن عبدالعزیز علی ما رواه مالک بن أنس وأصحابه، ابومحمّد عبدالله بن عبدالحکم، گردآوری و تصحیح و تعلیق: احمد عبید، عالم الکتب، چ 6، 1404 هـ.
166. السّیرة النّبویّة الصّحیحة محاولة لتطبیق قواعد المحدّثین في نقد روایات السّیرة النّبویّة، اکرم عمری، مکتبة العلوم والحکم، مدینۀ منوّره.
167. شرح أصول إعتقاد أهل السّنّة والجماعة، لالکائی، تحقیق: احمد بن سعد بن حمدان غامدی، دار طیّبة، ریاض.
168. شرح دیوان زهیر بن أبي سلمی، المکتبة الثّقافیّة، بیروت، چ 1، 1968 م.
169. شرح الزّرکشي علی مختصر الخرقي، عبدالله بن عبدالرّحمان جبرین، مکتبة العبیکان، چ 1، 1413 هـ/ 1993 م.
170. شرح السّنّة، بغوی، تحقیق: شعیب أرناؤوط و زهیر شاویش، المکتب الإسلامي.
171. شرح السّنّة، امام ابومحمّد حسن بن علی بن خلف بربهاری، تحقیق: محمّد بن سعید قحطانی، دار ابن قیّم، چ 1، 1408 هـ.
172. شرح العقیدة الطّحاویّة، تحقیق و بازبینی: گروهی از عالمان، تخریج احادیث: شیخ محمّد ناصر الدّین آلبانی، المکتب الإسلامي، بیروت، چ 8، 1404 هـ.
173. شرح العقیدة الواسطیّة لشیخ الإسلام ابن تیمیّه، محمّد خلیل هراس، بازبینی و تخریج احادیث: علوی سقاف، دار الهجرة للنّشر والتّوزیع، ریاض – ثقبه، چ 1، 1411 هـ.
174. شرح فتح القدیر لابن همام مع تکملة نتائج الأفکار في کشف رموز الأسرار، قاضی زاده، المطبعة الکبری الأمیریّة، بولاق، چ 1، 1315 هـ.
175. الشّرح الکبیر، ابن قدامه، المکتبة السّلفیّة، مکتبة المؤیّد.
176. شرح الکوکب المنیر، ابن نجّار، تحقیق: محمّد زحیلی و نزیه حمّاد، مکتبة العبیکان، چ 2، 1418 هـ/ 1997 م.
177. شرح منتهی الإرادات، منصور بهوتی، دار عالم الکتب، چ 1، 1414هـ/ 1993 م.
178. شفاء العلیل في مسائل القضاء والقدر والحکمة والتّعلیل، ابن قیّم، نگارش: حسّانی حسن عبدالله، مکتبة دار التّراث، قاهره.
179. الشّفا بتعریف حقوق المصطفی، قاضی عیاض، تحقیق: علی محمّد بجاوی، مطبعة عیسی البابي الحلبي و شرکاؤه، قاهره.
180. شمائل الرّسول ودلائل نبوّته وفضائله وخصائصه، ابن کثیر، تحقیق: طه عبدالرّؤوف سعد، المکتبة الأدبیّة العربیّة، چ 1، 1402هـ/ 1982 م.
181. الشّمائل المحمّدیّة، امام ترمذی، گردآوری و تعلیق: محمّد عفیف زعبی، دار المطبوعات الحدیثة، جدّه، چ 2، 1406 هـ/ 1986 م.
182. شمس العرب تسطع علی الغرب، زیگرید هونکه، ترجمۀ عربی: فاروق بیضون، دار صادر، دار الآفاق الجدیدة، بیروت، چ 8.
183. الشّوری فریضة إسلامیّة، علی صلّابی، دار المعرفة، بیروت، لبنان، چ 1، 1431 هـ/ 2010 م.
184. الشّوری، محمود خالدی، دار الجیل، بیروت، چ 1، 1404 هـ.
185. الشّوری وأثرها في الدّیموقراطیّة؛ دراسة مقارنة، عبدالحمید انصاری، المکتبة العصریّة، بیروت، چ 3، 1400 هـ.
186. الشیخ عبدالرّحمن سعدی وجهوده في توضیح العقیدة، عبدالرّزّاق عباد، مکتبة الرّشد، چ 1، 1411 هـ.
187. صحیح الأدب المفرد للإمام بخاری، نگارش: محمّد ناصر الدّین آلبانی، دار الصّدیق للنّشر والتّوزیع، چ 1، 1414 هـ/ 1994 م.
188. صحیح البخاري، امام بخاری، به اهتمام: ابوصهیب کرمی، بیت الأفکار الدّولیّة، 1419 هـ/ 1998 م.
189. صحیح البخاري، امام بخاری، دار سحنون، دار الدّعوة، چ 2.
190. صحیح الجامع الصّغیر وزیادته، محمّد ناصر الدّین آلبانی، تحت نظارت: زهیر شاویش، المکتب الإسلامي، چ 2، 1406 هـ.
191. صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، شعیب أرناؤوط، مؤسّسة الرّسالة، بیروت، چ 2، 1414 هـ/ 1993 م.
192. صحیح سنن التّرمذي، شیخ محمّد ناصر الدّین آلبانی، مکتب التّربیّة العربي، ریاض، چ 1، 1408 هـ/ 1988 م.
193. صحیح مسلم بشرح الإمام النووي، دار الفکر.
194. صحیح مسلم، به اهتمام: ابوصهیب کرمی، بیت الأفکار الدّولیّة، 1419 هـ/ 1998 م.
195. صحیح مسلم، امام مسلم، شماره‌گذاری: عبدالباقی، دارالآفاق الجدیدة، بیروت، و نیز چاپ دار الدّعوة و دار سحنون.
196. الطّریق إلی الإسلام، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، ریاض، چ 2، 1427 هـ/ 2006 م.
197. طریق الهجرتین وباب السّعادتین، ابن قیّم، بازبینی و تخریج احادیث: عمر بن محمود ابوعمر، دار ابن القیّم، چ 1، 1409 هـ.
198. عالم الجنّ والشّیاطین، عمر أشقر، دار النّفائس، اردن، چ 15، 1423 هـ/ 2002 م.
199. عالم الملائکة الأبرار، عمر أشقر، دار النّفائس، چ 13، 1423 هـ/ 2002 م.
200. العبودیّة، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: علیّ بن حسن بن عبدالحمید، دار الأصالة للنّشر والتّوزیع، چ 1، 1412 هـ.
201. عبودیّة الکائنات لربّ العالمین، فرید اسماعیل تونی، مکتبة الضّیاء، جدّه، چ 1، 1413 هـ/ 1992 م.
202. العقل والنّقل عند ابن رشد، محمّد امان جامی، الجامعة الإسلامیّة، چ 3، 1404 هـ.
203. عقیدة أهل السّنّة والجماعة، محمّد بن ابراهیم حمد، تقدیم: شیخ عبدالعزیز بن باز، دار ابن خزیمة، ریاض، چ 2، 1419 هـ/ 1998 م.
204. عقیدة ختم النّبوّة بالنّبوّة المحمّدیّة، احمد بن سعد غامدی، دار طیّبة، ریاض، چ 1، 1405 هـ/ 1985 م.
205. العقیدة في الله، عمر أشقر، مکتبة الفلاح، کویت، چ 5، 1984 م.
206. العقیدة والشّریعة في الإسلام، گلدزیهر، ترجمۀ عربی: محمّد یوسف موسی و دیگران، دار الکتب الحدیثة، مصر، چ 2.
207. العلم یدعو للإیمان، کریسی موریسون، ترجمۀ عربی: محمّد صالح فلکی، دار القلم، بیروت، چ 1، 1986 م.
208. العمل عند المسلمین رؤیة حضاریّة، ابراهیم مزینی، وزارة العمل والشّؤون الإجتماعیّة، ریاض، چ 1، 1424 هـ/ 2003 م.
209. العمل في الإسلام: أخلاقه- مفاهیمه- قیمه- أحکامه، عزّ الدّین خطیب تمیمی، دار الفیحاء، عمّان، اردن.
210. عیون الأخبار، ابن قتیبه دینَوری، دار الکتاب العربي، بیروت، لبنان.
211. غذاء الألباب شرح منظومة الآداب، محمّد سفارینی، مؤسّسة قرطبة، چ 2، 1414 هـ/ 1993 م.
212. الفاحشة عمل قوم لوط؛ الأضرار- الأسباب- سبل الوقایة- العلاج، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، چ 1، 1415 هـ/ 1994 م.
213. الفتاوی الکبری، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق و تعلیق و تقدیم: محمّد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، دار الرّیّان للتّراث، قاهره، چ 1، 1408 هـ.
214. فتح الباري بشرح الصّحیح البخاري، حافظ ابن حجر عسقلانی، مکتبة ابن تیمیّة، چ 1، 1407 هـ.
215. فتح ربّ البریّة بتلخیص الحمویّة، محمّد بن صالح عثیمین، جامعة الإمام محمّد بن سعود الإسلامیّة، چ 4، 1410 هـ.
216. فتح القدیر الجامع بین فنّي الرّوایة والدّرایة في علم التّفسیر، محمّد بن علی شوکانی، تحقیق: عبدالرّزّاق مهدی، عالم الکتب، و نیز چاپ دار الکتاب العربي، بیروت، لبنان، چ 1، 1420 هـ/ 1999 م.
217. فتح المغیث شرح ألفیّة الحدیث، سخاوی، دار الکتب العلمیّة، لبنان، چ 1، 1403 هـ.
218. الفروق، شهاب الدّین قرافی، عالم الکتب، بیروت.
219. الفصول في سیرة الرّسول ج، حافظ ابن کثیر، توزیع: دار الباز للنّشر والتّوزیع، دار الکتب العلمیّة، بیروت.
220. فقه الأسماء الحسنی، عبدالرّزّاق بدر، چ 1، 1429 هـ/ 2008 م.
221. فقه السّنّة، سید سابق، دار الکتب العربیّة، بیروت، چ 8، 1407 هـ.
222. فقه السّیرة، شیخ محمّد غزالی، تخریج احادیث: محمّد ناصر الدّین آلبانی، دار إحیاء التّراث العربي، چ 7، 1976 م.
223. فقه الشّوری؛ دراسة تأصیلیّة نقدیّة، علیّ بن سعید غامدی، دار طیّبة، ریاض، چ 1، 1422 هـ.
224. الفوائد، ابن قیّم، تحقیق: محمّد عثمان الخشت، دار الکتاب العربي، بیروت، چ 1، 1406 هـ.
225. القاموس المحیط، فیروزآبادی، مؤسّسة الرّسالة، چ 2، 1407 هـ.
226. القدر، ابوبکر جعفر بن محمّد فریابی، تحقیق: عمرو عبدالمنعم سلیم، دار ابن حزم، چ 1، 1421 هـ/ 2000 م.
227. القضاء والقدر في الإسلام، فاروق احمد دسوقی، المکتب الإسلامي، بیروت، مکتبة الخاني، ریاض، چ 2، 1406 هـ.
228. القضاء والقدر في ضوء الکتاب والسّنّة، ومذاهب النّاس فیه، عبدالرّحمان بن صالح محمود، دار الوطن، چ 2، 1418 هـ/ 1997 م.
229. القضاء والقدر، عمر أشقر، دار النّفائس للنّشر والتّوزیع، کویت، مکتبة الفلاح للنّشر والتّوزیع، چ 1، 1410 هـ.
230. القطاع الخیري ودعاوی الإرهاب، محمّد سلومی، سلسله مقالاتی که از مجلۀ البیان مننشر می‌شود، ریاض، چ 1، 1424 هـ.
231. قواعد الحرب في الشّریعة الإسلامیّة؛ دراسة مقارنة، عواض وذینانی، مکتبة الرّشد، عربستان سعودی، ریاض، چ 1، 1426 هـ/ 2005 م.
232. القواعد المثلی في صفات الله وأسمائه الحسنی، محمّد بن صالح عثیمین، تخریج احادیث: اشرف بن عبدالمقصود، أضواء السّلف، أصداء المجتمع، 1416 هـ/ 1996 م.
233. القیامة الصّغری، عمر أشقر، دار النّفائس، اردن، چ 13، 1423 هـ/ 2000 م.
234. القیامة الکبری، عمر أشقر، دار النّفائس، اردن، چ 13، 1423 هـ/ 2000 م.
235. الکافي في فقه أهل المدینة، ابن عبدالبرّ، مکتبة الرّیاض الحدیثة، ریاض، عربستان سعودی، چ 2، 1400 هـ/ 1980 م.
236. کشف الأستار عن زوائد البزار، حافظ نورالدّین هیثمی، تحقیق: حبیب الرّحمان اعظمی، مؤسّسة الرّسالة، چ 2، 1404 هـ.
237. کفایة الأخیار، محمّد حسینی، الشّؤون الدّینیّة، قطر.
238. الکلّیّات، ابوالبقاء کفوی، بازبینی و آماده‌سازی برای چاپ: عدنان درویش و محمّد مصری، مؤسّسة الرّسالة، چ 2، 1419 هـ/ 1998 م.
239. کنز العمّال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدّین علی متّقی بن حسام الدّین هندی، تحقیق: محمود دمیاطی، دار الکتب العلمیّة، بیروت، 1419 هـ/ 1999 م.
240. لسان العرب، ابن منظور، دار صادر، بیروت.
241. الله یتجلّي في عصر العلم، گروهی از دانشمندان امریکایی به مناسب سال بین‌المللی فیزیک، نگارش: جان کلوفر مونسیما، ترجمۀ عربی: دمرداش عبدالمجید سرحان، بازبینی و تعلیق: محمّد جمال الدّین فندی، دار القلم، بیروت.
242. لماذا انتحر هؤلاء، گردآوری و تصحیح: هانی خیّر، دار دمشق، چ 1، 1992م.
243. لمعة الاعتقاد الهادي إلی سبیل الرّشاد، ابن قدامه، شرح: شیخ محمّد بن عثیمین، تحقیق و تخریج احادیث: اشرف بن عبدالمقصود بن عبدالرّحیم، مکتبة الإمام بخاری، الدّار السّلفیّة، چ 2، 1412 هـ.
244. لوامع الأنوار البهیّة، وسواطع الأسرار الأثریّة؛ شرح الدّرّة المضیّة في عقیدة الفرقة المرضیّة، علّامه محمّد بن احمد سفارینی، المکتب الإسلامي، بیروت، مکتبة أسامة، ریاض، چ 2، 1405 هـ.
245. مباحث في إعجاز القرآن، مصطفی مسلم، دار التّدمریّة، چ 1، 1432 هـ/ 2011 م.
246. مباحث في العقل، محمّد نعیم یاسین، دار النّفائس للنّشر والتّوزیع، اردن، چ 1، 1432 هـ/ 2011 م.
247. المبسوط، سرخسی، بررسی و تحقیق: خلیل محیی الدّین المیس، دار الفکر للطّباعة والنّشر والتّوزیع، بیروت، لبنان، چ 1، 1421 هـ/ 2000 م.
248. مجمع الزّوائد، ومنبع الفوائد، هیثمی، دار الکتاب العربي، بیروت، چ 2، 1402هـ/ 1982 م.
249. المجموعة الکاملة لمؤلّفات الشّیخ عبدالرّحمان بن سعدی، مرکز فرهنگی صالح بن صالح، عنیزه، 1411 هـ.
250. مجموع فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیّة، جمع‌آوری و ترتیب: عبدالرّحمان بن قاسم و فرزندش محمّد.
251. مجموع فتاوی ورسائل فضیلة الشّیخ محمّد بن صالح عثیمین، جمع‌آوری و ترتیب: فهد سلیمان، دار الوطن، چ 1، 1412 هـ.
252. محبّة الرّسول ج بین الإتّباع و الإبتداع، عبدالرّؤوف محمّد عثمان، مکتبة الضیّاء، جدّه، چ 1، 1412 هـ/ 1991 م.
253. المحلّی، ابن حزم، تحقیق: احمد شاکر، المکتب التّجاري، بیروت.
254. محمّد رسول الله ج، محمّد رضا، دار الفکر للطّباعة والنّشر والتّوزیع.
255. محمّد رسول الله؛ خلاصة سیرته ومقالات نادرة فیها، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، ریاض، چ 1، 1427 هـ/ 2006 م.
256. محمّد رسول الله ج، علّامه احمد تیمور پاشا، در الآفاق العربیّة، چ 1، 1424 هـ/ 2003 م.
257. محمّد ج المثل الکامل، محمّد احمد جاد المولی بک، مکتبة ومطبعة محمّد علی صبیح، چ 6، 1388 هـ/ 1968 م.
258. مختصر الأسئله والأجوبة الأصولیّة علی العقیدة الواسطیّة، عبدالعزیز سلمان، چ 10، 1403 هـ.
259. مختصر المزني؛ حاشیة کتاب الأم، چاپ کتاب الشّعب، 1388 هـ/ 1968 م.
260. مختصر منهاج القاصدین، ابن قدامه، تحقیق: زهیر شاویش، المکتب الإسلامي، چ 8، 1409 هـ/ 1989 م.
261. المختصر الوجیز في علوم الحدیث، محمّد عجاج خطیب، مؤسّسة الرّسالة، چ 3، 1407 هـ/ 1987 م.
262. مدارج السّالکین بین منازل إیّاک نعبد وإیّاک نستعین، ابن قیّم، تحقیق و تعلیق: المعتصم بالله بغدادی، توزیع: دار النّفائس، ریاض، چ 1، 1410 هـ.
263. المذاهب المعاصرة وموقف الإسلام منها، عبدالرّحمان عمیره، دار اللّواء، ریاض، چ 5، 1404 هـ/ 1984 م.
264. مذکّرة في التّوحید، محمّد بن قاسم، به صورت نسخۀ خطّی.
265. المذکّرات، محمّد کرد علی، دار أضواء السّلف، ریاض.
266. مرض الإیدز الطّاعون الجدید، خالص جلبی، دار الهدایة، چ 1، 1407 هـ.
267. مزیل الدّاء عن أصول القضاء، عبدالله بن مطلق فهید، چ 1، 1372هـ/ 1953 م.
268. المستدرک علی الصّحیحین، حاکم، مکتبة النّصر الحدیثة، ریاض.
269. مسند الإمام احمد بن حنبل، دار الدّعوة، دار سحنون، چ 2.
270. المسند، امام احمد بن حنبل، شرح و فهرست‌نویسی: احمد محمّد شاکر، مکتبة دار الکتاب الإسلامي، قاهره، چ 2.
271. مسند الجعد، حافظ ابوالحسین علیّ بن جعد بن عبید جوهری، تحقیق: عبدالمهدی بن عبدالقادر بن عبدالهادی، مکتبة الفلاح، کویت، چ 1، 1405 هـ/ 1958 م.
272. مسند أبي یعلی الموصلي، تحقیق: حسین سلیم اسد، دار المأمون للتّراث، دمشق، چ 1، 1404 هـ/ 1988 م.
273. مسؤولیّة الأب المسلم في تربیّة الولد في مرحلة الطّفولة، عدنان باحارث، دار المجتمع للنّشر والتّوزیع، چ 1، 1414 هـ/ 1993 م.
274. المسؤولیّة في الإسلام، عبدالله قادری أهدل، دار العمیر للثّقافة والنّشر، 1412 هـ/ 1992 م.
275. مشکاة المصابیح، تبریزی، تحقیق: شیخ محمّد ناصرالدّین آلبانی، المکتب الإسلامي، بیروت، چ 2، 1405 هـ.
276. معارج القبول لشرح سلّم الوصول إلی علم الأصول في التّوحید، حافظ حکمی، مکتبة شیخ الإسلام ابن تیمیّة، چ 2، 1404 هـ.
277. معجم مقاییس اللّغة، احمد بن فارس، تحقیق و بازبینی: عبدالسّلام هارون، دار الجیل، بیروت، 1420 هـ.
278. المعجم الکبیر، طبرانی، چ 2، 1404 هـ.
279. مع الرّعیل الأوّل، محبّ الدّین خطیب، المکتبة السّلفیّة، قاهره، چ 2، 1410هـ.
280. المغني، ابن قدامه، وزارة الشّؤون الإسلامیّة والأوقاف، چ 3، 1417هـ/ 1997 م.
281. مغني المحتاج إلی معرفة معاني ألفاظ المنهاج، محمّد خطیب شربینی، مکتبة مصطفی البابي الحلبي، قاهره، 1377 هـ/ 1958 م.
282. مفتاح دار السّعادة، ابن قیّم، دار الکتب العلمیّة، بیروت.
283. المفردات في غریب القرآن، راغب اصفهانی، بازبینی: هیثم طعیمی، دار إحیاء التّراث العربي، چ 1، 1423 هـ/ 2002 م.
284. مقامات حریری، دار صادر، بیروت.
285. مقدّمة ابن خلدون، عبدالرّحمان بن محمّد بن خلدون، تحقیق: علی عبدالواحد وافی، چاپ: لجنة البیان العربي، قاهره، چ 1، 1376 هـ.
286. مکارم الأخلاق، خرائطی، تحقیق: أیمن عبدالجابر بحیری، دار الآفاق العربیّة، مصر، 1419 هـ.
287. من أخطاء الأزواج، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، چ 1، 1419 هـ/ 1999 م.
288. مناهل العرفان، محمّد زرقانی، دار إحیاء الکتب العلمیّة، عیسی البابي الحلبي و شرکاؤه.
289. من صفات الدّاعیة اللّین والرّفق، فضل الهی، مکتبة المعارف، ریاض، چ 1، 1411 هـ/ 1991 م.
290. من صفات الدّاعیة مراعاة أصول المخاطبین في ضوء الکتاب والسّنّة وسیر الصّالحین، فضل الهی، إدارة ترجمان الإسلام، پاکستان، چ 2، 1419 هـ/ 1998م.
291. منهاج السّنّة النّبویّة، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: محمّد رشاد سالم، چ 1، 1406 هـ.
292. المهدي حقیقة لا خرافة، محمّد بن احمد اسماعیل مقدم، مکتبة التّربیّة الإسلامیّة لإحیاء التّراث، چ 1، 1411 هـ/ 1990 م.
293. المواهب الرّبّانیّة من الآیات القرآنیّة، شیخ عبدالرّحمان سعدی، به اهتمام: سمیر ماضی، رمادی للنّشر، المؤتمن للتّوزیع، چ 1، 1416 هـ.
294. موسوعة الأعمال الکاملة، محمّد خضر حسین، جمع‌آوری و بازبینی: علی رضا حسینی، دار النّبوّة، چ 1، 1431 هـ/ 2010 م.
295. موسوعة نضرة النّعیم في مکارم أخلاق الرّسول الکریم ج، گردآوری: گروهی از متخصّصان با نظارت: صالح بن حمید و عبدالرّحمان بن محمّد مَلُّوح، دار الوسیلة للنّشر والتّوزیع، جدّه، عربستان سعودی، چ 1، 1418 هـ/ 1998 م.
296. موقف ابن تیمیّه من الأشاعرة، عبدالرّحمان محمود، مکتبة الرّشد، ریاض، چ 2، 1416 هـ/ 1995 م.
297. النبّوات، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، بررسی و تحقیق: محمّد عبدالرّحمان عوض، دار الکتاب العربي، بیروت، چ 1، 1405 هـ؛ أضواء السّلف، تحقیق: عبدالعزیز طویان، چ 1، 1420 هـ/ 2000 م.
298. النّظام السّیاسي في الإسلام؛ النّظریّة السّیاسیّة نظام الحکم، عبدالعزیز خیّاط، دار السّلام، مصر، چ 2، 1425 هـ/ 2004 م.
299. النّظام السّیاسي في الإسلام، سعود آل سعود و دیگران، مدار الوطن، چ 5، 1430 هـ/ 2009 م.
300. نظام الشّوری في الإسلام ونظم الدّیموقراطیّة، زکریّا خطیب، مطبعة السّعادة، 1405 هـ.
301. النّظام الاقتصادي في الإسلام، عمر مرزوقی و همکاران، مکتبة الرّشد، چ 4، 1430 هـ/ 2009 م.
302. النّظام المالي والاقتصادي في الإسلام، محمود خطیب، مکتبة الرّشد، چ 2، 1426 هـ/ 2005 م.
303. نظرات الأسرة المسلمة، محمّد بن لطفی صباغ، المکتب الإسلامي، چ 1، 1405 هـ/ 1985 م.
304. نقض المنطق، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: محمّد بن عبدالرّزّاق حمزه و سلیمان الصّنیع، تصحیح: محمّد حامد فقی، مکتبة السّنّة المحمّدیّة.
305. النّهایة في غریب الحدیث والأثر، ابن اثیر، تحقیق: خلیل مأمون شیحا، دار المعرفة، بیروت، لبنان، چ 1، 1422 هـ.
306. نیل الأوطار شرح منتقی الأخبار من أحادیث سیّد الأخیار، علّامه محمّد بن علی شوکانی، تقدیم و تقریظ: وهبه زحیلی، توزیع: دار الصّمیعي، ریاض، و دار الخیر، دمشق، چ 2، 1418 هـ/ 1998 م.
307. الهدایة الإسلامیّة، محمّد خضر حسین، گردآوری و تحقیق: علی رضا تونسی، چ 1، 1394 هـ.
308. الهمّة العالیّة؛ معوّقاتها ومقوّماتها، محمّد حمد، دار ابن خزیمة، چ 7، 1427هـ/ 2005 م.
309. الوابل الصّیّب من الکلم الطّیّب، امام ابن قیّم، بررسی و تحقیق: محمّد عبدالرّحمان عوض، دار الکتاب العربي، بیروت، چ 1، 1405 هـ/ 1985 م.
310. وجوب التّعاون بین المسلمین، عبدالرّحمان سعدی، مؤسّسة الرّسالة، مکتبة الرّشد، چ 2، 1403 هـ/ 1983 م.
311. الوجوه والنّظائر في القرآن الکریم، بررسی و مقایسه و اصلاح: سلیمان بن صالح قرعاوی، مکتبة الرّشد، چ 1، 1410 هـ/ 1990 م.
312. الوجوه والنّظائر في القرآن الکریم، دامغانی، تحقیق و ترتیب و تکمیل و تصحیح: عبدالعزیز سیّد الأهل.
313. الوجوه والنّظائر في القرآن الکریم، هارون بن موسی، کلّیّة التّربیّة، جامعة الملک سعود، ریاض، 1402 هـ.
314. وحي القلم، مصطفی صادق رافعی، دار الکتاب العربي، بیروت.
315. ومضات فکر، محمّد فاضل ابن عاشور، الدّار العربیّة للکتاب.
316. یاقوتة الصّراط في تفسیر غریب القرآن، ابوعمر محمّد بن عبدالواحد بغدادی زاهد معروف به غلام ثعلب، تحقیق و تقدیم: محمّد بن یعقوب ترکستانی، مکتبة العلوم والحکم، مدینۀ منوّره، چ1، 1423 هـ/ 2002 م.

1. - هدف نگارنده، کتاب اصلی است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-1)
2. - نک: لسان العرب، ابن منظور، ج 12، صص 293- 294. [↑](#footnote-ref-2)
3. - التّدمریّة، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، ص 173. [↑](#footnote-ref-3)
4. - المجموعة الکاملة لمؤلّفات الشّیخ السّعدي؛ المجموعة الخامسة، ج 1، ص 529. [↑](#footnote-ref-4)
5. - تهذیب الأخلاق، جاحظ، ص 12. [↑](#footnote-ref-5)
6. - مجموع الفتاوی، ابن تیمیّه، ج 10، ص 658. [↑](#footnote-ref-6)
7. - همان، ص 217. [↑](#footnote-ref-7)
8. - لسان العرب، ابن منظور، ج 1، صص 128- 129؛ البیان في علوم القرآن، محمّد بن علیّ حسن و سلیمان قرعاوی، ص 3. [↑](#footnote-ref-8)
9. - البیان في علوم القرآن، ص 3. [↑](#footnote-ref-9)
10. - نک: زاد المسیر في علم التّفسیر، ابن جوزی، ج 4، ص 384؛ فتح القدیر، شوکانی، ج 3، ص 139. [↑](#footnote-ref-10)
11. - نک: السّنّة ومکانتها في التّشریع الإسلامي، مصطفی سباعی، ص 59؛ المختصر من علوم الحدیث، ص 16. [↑](#footnote-ref-11)
12. - نک: المختصر الوجیز في علوم الحدیث، ص 33. [↑](#footnote-ref-12)
13. - نک: رسائل في العقیدة، شیخ محمّد بن عثیمین، ص 10. [↑](#footnote-ref-13)
14. - نک: مختصر الأسئلة والأجوبة الأصولیّة علی العقیدة الواسطیّة، عبدالعزیز سلمان، ص9. [↑](#footnote-ref-14)
15. - الأسئلة والأجوبة الأصولیّة علی العقیدة الواسطیّة، ص 10. [↑](#footnote-ref-15)
16. - نک: الشّبهات اللّطیفة علی ما احتوت علیه العقیدة الواسطیّة من المباحث المنفیّة، عبدالرّحمان سعدی، ص 113؛ رسائل في العقیدة، محمّد بن عثیمین، ص 9. [↑](#footnote-ref-16)
17. - نک: فقه السّنّة، سیّد سابق، ج 1، ص 81؛ توضیح الأحکام من بلوغ المرام، عبدالله بسّام، ج 1، ص 469. [↑](#footnote-ref-17)
18. - نک: توضیح الأحکام، ج 1، ص 469. [↑](#footnote-ref-18)
19. - رسائل في العقیدة، ص 9؛ تیسیر العزیز العلّام شرح عمدة الأحکام، عبدالله بسّام، ج 1، ص 100. [↑](#footnote-ref-19)
20. - نک: تیسیر العزیز العلّام شرح عمدة الأحکام، عبدالله بسّام، ج 1، ص 100؛ توضیح الأحکام من بلوغ المرام، عبدالله بسّام، ج 1، ص 470. [↑](#footnote-ref-20)
21. - نک: رسائل في العقیدة، ص 9؛ تیسیر العزیز العلّام شرح عمدة الأحکام، عبدالله بسّام، ج 1، ص 100. [↑](#footnote-ref-21)
22. - نک: لسان العرب، ج 14، صص 358- 359. [↑](#footnote-ref-22)
23. - نک: توضیح الأحکام، ج 3، ص 381. [↑](#footnote-ref-23)
24. - نک:رسائل في العقیدة، ص 9. [↑](#footnote-ref-24)
25. - نک: توضیح الأحکام، ج 3، ص 282. [↑](#footnote-ref-25)
26. - همان، صص 149- 163. [↑](#footnote-ref-26)
27. - نک: لسان العرب، ج 12، ص 350. [↑](#footnote-ref-27)
28. - توضیح الأحکام، ج 3، ص 439. [↑](#footnote-ref-28)
29. - فقه السّنّة، سیّد سابق، ج 1، ص 381. [↑](#footnote-ref-29)
30. - رسائل في العقیدة، ص 10. [↑](#footnote-ref-30)
31. - لسان العرب، ج 2، ص 226. [↑](#footnote-ref-31)
32. - نک: حاشیة إبن عابدین، ج 2، ص 454؛ توضیح الأحکام، ج 4، ص 3. [↑](#footnote-ref-32)
33. - الحج، عبدالله طیّار، ص 15. [↑](#footnote-ref-33)
34. - نک: أعلام السّنّة المنشورة لإعتقاد الطّائفة النّاجیّة المنصورة، حافظ حکمی، ص 50. [↑](#footnote-ref-34)
35. - تیسیر اللّطیف المنّان في خلاصة تفسیر القرآن، ابن سعدی، صص 130- 134. [↑](#footnote-ref-35)
36. - نک: رسائل في العقیدة، محمّد بن عثیمین، ص 19. [↑](#footnote-ref-36)
37. - رسائل في العقیدة، ص 23. [↑](#footnote-ref-37)
38. - الرّسل والرّسالات، عمر أشقر، ص 235. [↑](#footnote-ref-38)
39. - نک: الرّسل والرّسالات، ص 250. [↑](#footnote-ref-39)
40. - نک: عقیدة ختم النّبوّة، ص 16. [↑](#footnote-ref-40)
41. - القیامة الکبری، عمر أشقر، صص 31- 36. [↑](#footnote-ref-41)
42. - نک: لمعة الإعتقاد شرح الشّیخ محمّد بن عثیمین، ص 115؛ القیامة الکبری، ص 51. [↑](#footnote-ref-42)
43. - نک: شرح العقیدة الطّحاویّة، ص 404؛ رسائل في العقیدة، ص 29؛ أعلام السّنّة المنشورة، صص 101- 103. [↑](#footnote-ref-43)
44. - نک: لمعة الإعتقاد، ص 117؛ شرح الواسطیّة، هراس، ص 209. [↑](#footnote-ref-44)
45. - همان. [↑](#footnote-ref-45)
46. - نک: لمعة الإعتقاد، ص 120. [↑](#footnote-ref-46)
47. - شرح العقیدة الطّحاویّة، ص 419. [↑](#footnote-ref-47)
48. - لمعة الإعتقاد شرح الشّیخ محمّد بن عثیمین، ص 123. [↑](#footnote-ref-48)
49. - صحیح بخاری، شمارۀ حدیث: 6575 و 6576؛ صحیح مسلم، شمارۀ حدیث: 2297. [↑](#footnote-ref-49)
50. - صحیح مسلم، شمارۀ حدیث: 2291. [↑](#footnote-ref-50)
51. - همان، شمارۀ حدیث: 2294. [↑](#footnote-ref-51)
52. - نک: شرح العقیدة الواسطیّة، هراس، ص 210؛ لوامع الأنوار البهیّة، ج 2، ص 189؛ لمعة الإعتقاد شرح الشّیخ محمّد بن عثیمین، ص 126. [↑](#footnote-ref-52)
53. - همان. [↑](#footnote-ref-53)
54. - مجموع الفتاوی، ج 3، صص 146- 147. [↑](#footnote-ref-54)
55. - نک: لمعة الإعتقاد، ص 131. [↑](#footnote-ref-55)
56. - همان؛ الجنّة والنّار، عمر أشقر، صص 154- 160. [↑](#footnote-ref-56)
57. - نک: أعلام السّنّة المنشورة، ص 115. [↑](#footnote-ref-57)
58. - نک: التّعریفات، جرجانی، ص 177؛ لوامع الأنوار، سفارینی، ج 1، ص 348؛ رسائل في العقیدة، محمّد بن عثیمین، ص 37؛ الإیمان بالقضاء والقدر، محمّد حمد، صص 35- 36. [↑](#footnote-ref-58)
59. - نک: جوامع الرّسائل، ابن تیمیّه، ج 2، ص 341؛ درء تعارض العقل والنّقل، ج 8، ص 405. [↑](#footnote-ref-59)
60. - همان، ج 8، ص 97؛ التّحفة المهدیّة في شرح الرّسالة التّدمریّة، فالح بن مهدی، ج 2، ص 140؛ الإیمان بالقضاء والقدر، صص 61- 63. [↑](#footnote-ref-60)
61. - نک: الفصول في سیرة الرّسول، ابن کثیر، صص 5- 7؛ خلاصة السّیرة النّبویّة، صص 10- 11. [↑](#footnote-ref-61)
62. - نک: جوامع السّیرة، ابن حزم، صص 4- 6؛ الرّوض الأنف، ج 1، صص 23- 38، در این کتاب، نسب پیامبر ج به تفصیل بیان گشته و اسامی مذکور، توضیح داده شده‌اند؛ حدائق الأنوار ومطالع الأسرار، ابن دیبع، ج 1، ص 94؛ سبل الرّشاد في هدی خیر العباد، ج 1، صص 235- 322؛ خلاصة السّیرة، صص 11- 12؛ محمّد رسول‌الله، احمد تیمور پاشا، ص 28؛ موسوعة نضرة النّعیم في مکارم أخلاق الرّسول الکریم، ج 1، ص 192. [↑](#footnote-ref-62)
63. - نک: خلاصة السّیرة، صص 13- 14؛ السّیرة النّبویّة الصّحیحة، أکرم عمری، ج 1، صص 90- 91. [↑](#footnote-ref-63)
64. - نک: حدائق الأنوار، ابن دیبع شافعی، ج 1، ص 29؛ خلاصة السّیرة، ص 14؛ فقه السّیرة، محمّد غزالی، تخریج أحادیث: شیخ آلبانی، صص 58- 63. [↑](#footnote-ref-64)
65. - نک: خلاصة السّیرة، ص 21. [↑](#footnote-ref-65)
66. - محمّد رسول الله وخاتم النّبیّین، محمّد خضر حسین، صص 54- 55. [↑](#footnote-ref-66)
67. - همان، ص 17. [↑](#footnote-ref-67)
68. - الفرقان بین أولیاء الرّحمن وأولیاء الشّیطان، ابن تیمیّه، صص 61- 63؛ أحکام الجان، صص 40- 43. [↑](#footnote-ref-68)
69. - همان، صص 127- 149. [↑](#footnote-ref-69)
70. - التّذکرة، ص 4. [↑](#footnote-ref-70)
71. - همان، ص 400. [↑](#footnote-ref-71)
72. - همان، ص 134. [↑](#footnote-ref-72)
73. - المهدي حقیقة لا خرافة، محمّد بن اسماعیل، ص 181. [↑](#footnote-ref-73)
74. - نک: معجم مقاییس اللّغة، ج 3، ص 360؛ التّذکرة، ص 709؛ لسان العرب، ج 7، ص 328؛ فتح الباري، ج 13، ص 79. [↑](#footnote-ref-74)
75. - نک: التّذکرة، صص 709- 710؛ أشراط السّاعة، ص 77. [↑](#footnote-ref-75)
76. - نک: القیامة الصّغری، صص 217- 218؛ أشراط السّاعة، ص 245. [↑](#footnote-ref-76)
77. - نک: مدارج السّالکین، ابن قیّم، ج 1، صص 113- 199؛ فتح الباري، ابن حجر عسقلانی، ج 11، ص 106. [↑](#footnote-ref-77)
78. - نک: الدّعاء، عبدالله خضری، ص 10. [↑](#footnote-ref-78)
79. - نک: شرح منتهی الإرادات، بهوتی، ج 6، ص 462؛ مزیل الدّاء عن أصول القضاء، عبدالله بن مطلق فهید، ص 11. [↑](#footnote-ref-79)
80. - نک: النّظام السّیاسي في الإسلام، عبدالعزیز خیّاط، ص 89؛ النّظام السّیاسي في الإسلام، سعود آل سعود و دیگران، ص 134؛ الشّوری في الإسلام بین النّظریّة والتّطبیق، عبدالله موجان، صص 16- 17. [↑](#footnote-ref-80)
81. - نک: النّظام السّیاسي في الإسلام، سعود آل سعود و دیگران، ص 148. [↑](#footnote-ref-81)
82. - نک: النّظام الإقتصادي في الإسلام، ص 13. [↑](#footnote-ref-82)
83. - نک: النّظام المالي والإقتصادي في الإسلام، ص 58. [↑](#footnote-ref-83)
84. - نک: الإقناع، حجاوی، ج 2، ص 245. [↑](#footnote-ref-84)
85. - صحیح مسلم، شمارۀ حدیث: 2971. [↑](#footnote-ref-85)
86. - نک: النّظام المالي الإقتصادي في الإسلام، ص 103. [↑](#footnote-ref-86)
87. - نک: فقه السّنّة، سیّد سابق، ج 3، ص 267؛ النّظام المالي والإقتصادي في الإسلام، ص 105. [↑](#footnote-ref-87)
88. - نک: أصول النّظام الإجتماعي في الإسلام، محمّد بن عاشور، ص 39. [↑](#footnote-ref-88)
89. - همان، صص 13- 14. [↑](#footnote-ref-89)
90. - نک: لسان العرب، ج 4، صص 153- 154؛ فتح الباري، ابن حجر عسقلانی، ج 10، صص 455- 461. [↑](#footnote-ref-90)
91. - همان؛ همان. [↑](#footnote-ref-91)
92. - نک: محاسن التّأویل، قاسمی، ج 10، صص 250- 251؛ تفسیر السّعدي، ص 463. [↑](#footnote-ref-92)
93. - نک: رسائل الإصلاح، محمّد خضر حسین، ج 1، صص 173- 174؛ إصلاح المجتمع، بیحانی، ص 283؛ تأخّر سنّ الزّواج، عبدالرّب نواب الدّین، صص 19- 34. [↑](#footnote-ref-93)
94. - نک: مباحث في العقل، صص 223- 224. [↑](#footnote-ref-94)
95. - همان. [↑](#footnote-ref-95)
96. - نک: العمل عند المسلمین رؤیة حضاریة، ابراهیم مزینی، صص 11- 12. [↑](#footnote-ref-96)
97. - نک: وجوب التّعاون بین المسلمین، عبدالرّحمان سعدی، ص 7. [↑](#footnote-ref-97)
98. - همان، صص 7- 8. [↑](#footnote-ref-98)
99. - نک: إعجاز القرآن، باقلانی، ص 43؛ البیان في علوم القرآن، صص 13- 14؛ مباحث في إعجاز القرآن، مصطفی مسلم، ص 92. [↑](#footnote-ref-99)
100. - نک: الجواب الصّحیح لمن بدّل دین المسیح، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، ج 1، ص 399؛ الرّسل والرّسالات، ص 131. [↑](#footnote-ref-100)
101. - نویسنده در اصل تحقیق حاضر، از منابع مذکور استفاده نموده و به نظر می‌رسد که بیان تمامی آن‌ها در پایان این مختصر، راهگشا و مفید خواهد بود. (مترجم) [↑](#footnote-ref-101)